ژوندون

اطلاعات او کلتور











ستان دخلك دموكراتيك گونددمركزي‌كميټې دعمومي منشي، دانقلابي شورا د رئيس‌او صدراعظم ببرك كارمل له مخي څخه دوسله‌وال پوځ دقواؤ دقطعاتو دتيريدلو دپريـ
يوه منظره .

ختصار وقايع مهم

ـن كتالون

۷ نيټه څه‌دپاسه‌سل زروتنوچي دگوند
وال‌پوځ‌دټولنيزوسازمانونوغړي اودكابل
ايستونكي يكي‌وو دثورانقلاب دآزادي
شمن او زموږ دهيواد په تاريخ كـي
دټكي ددريمې كاليزې دنمانځني‌له‌امله
پرتمين او دشمن سوزوونكي مارش
ون وكړ او دژوندي دي وي انقلاب
نـو ی ښمپرتیایی پراو مړدی وی
زم او ارتجاع په نارو سره يي يوځل
بولا او انقلاب په ساتنه كه خپـــل
وي كړاو دوطن او دثور دپه شانـــه
انقلاب دملاتړ او ساتني په لاره كي‌يي
ـمندنه كي دخپلي ټينگي ارادي اوسپنيز
ښود .

دثور دپرتمين انقلاب دبري دريمه كاليزه
دثورپه ۷ نيټه دافغانستان ددمـــوكـراتيك
جمهوريت دميړني وسله وال پوځ د څمكنيو
او هوايي قواوو څارندوی د قطعاتو په پريټ
اودكارگرو اوبزگرو او دهيواد ددموكراتيكـو
گوندي پرگنيزو ټولنيزو او ملي قشرونو د
سازمانونوپه سترو اوبي سار ومارشونو او
زموږ دسلونو زرو زيار ايستونكو هيوادوالو
له خوشي او خوشحالي نه په ډكه فضا كي
په كابل او دهيواد په ولايتونو كي ونمانځله
شوه دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند د
مركزي كميټې عمـــومـي منشي د افغانستان
ددموكراتيك جمهوريت دانقلابي شورا رئيس
او صدراعظم ببرك كارمل دآزاد او خپلـواك
افغانستان ددی ستري ورځي دجشن دخوښي
دنمانځلو په مراسمو كي گډون وكړ .

* * *

به پيشواز سومين سالگرد انقلاب رهايي
بخش ثور جلسه فوق العاده شوراى انقلابى
تحت رياست ببرك كارمل منشي عمومي كميټه
مركزى حزب دموكراتيك خلق‌افغا نستان‌رئيس
شوراى انقلابى وصدراعظم بعداز ظهر شش
ثور ۱۳۶۰ در قصر گلخانه مقر شوراى انقلابى
داير گرديد .

* * *

جشن ورزشى بمناسبت سومين سالگرد
انقلاب شكوهمند ثور روز ۸ ثور باشكوه و
زيبايى خاصى در استديوم ملى ورزشى كابل
بر گزار گرديد .

* * *

۱۱ ثور روز اول ماه مى روز همبستگى
بين المللى كارگران جهان بودو شوراى‌مركزى
اتحاديه هاى صنفى جمهورى دموكراتيك افغا-
نستان ضمن محفلى در تالار كابل
روز تاريخى وپرافتخار تجليل بعم

* * *

دحضرت علي‌كرم‌الله وجهه درو
جنډه دمزار شريف دگل سرخ دلر
له پاى ته رسيدو وروسته دثور
دمعمولو مراسمو په ترڅ كي دم
اودبلخ ولايت دمربوطاتو دزر گونو
تودو احساساتو سره گران هيواد
دترقي او لوړتيا په دعا سره را
شوه .

* * *

دافغانستان دخلك دموكراتيك گ
كميټې غړي دگونددمركزي‌كميټې دع
دخانگي مسوول او دانقلابي شورا د
غړي تورن جنرال عبدالقادر دگو





۷- اعظم مرستیال عدلیه وزیر
عبدالرشید آرین په داسی
غانستان دخلك دموکراتیك
تی غړی او دستری محکمی
تهذیب ورسره و دثور۱۶
ده کی گـــډون وکړ چی
ونو تنو زیار کښو خلکـو
فعالینو، کارګرانو، عالمانو
ــرانو د ښځو او ځـوانانو
ونو دغړیو ددایرو رئیسانو
دخشان ولایت دمرکز دلیسو
استادانو له خوا دافغانستان
ریت دګوند او دولت دپوره
امله دفیض آباد په ښارکی

* * *

یعو وزیر دیپلوم انجنیـــر
ن په هاوانا کی دپرمختیایی
رهانو دټولنی په دویمه‌کنګره
خیستونه وروسته دثور ۱٤
وسته له کیوبا ته هیواد نه

* * *

دصلان پوهنتون کابل روز۱۳
همایی وسیع اعمال خاینانه‌و
ن انقلاب رامحکوم نموده‌انزجار
نرانسبت‌به نوکران امپریالیزم
فجاریك‌بم‌در پوهنځی انجنیری
اعث جراحت یکتن از استادان
لان بیگناه آنجا شده‌اند ابراز

* * *

جشن بین المللی همبستگی

۸- کارگران جهان قصبه کارگران و کار مندان فابریکه خانه سازی قبل از ظهر روز پنجشنبه باقطع نوار توسط دستگیر پنجشیری عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان وعضو شورای انقلابی افتتاح شد .

* * *

په الکترونیکی توګه دقاتولو دوه‌ماشینو نه

چی هریویی په یوه ساعت‌کی پنځلس زره شپاړس مخیزی فورمی قاتوی دثور ۱۲نیټه دښوونی او روزنی‌دوزارت‌دسرپرست پوهندوی

داکتر فقیر محمد یعقوبی له خوا دښوونی او روزنی په مطبعه کی دپټی په پری کولو او دتکمی په وهلو سره په کار واچول شول.

* * *

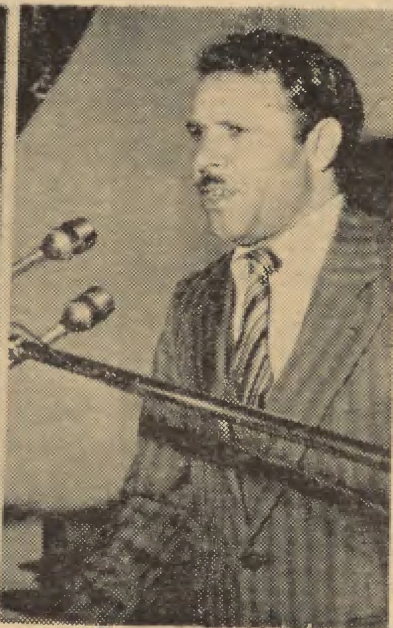
قرار داد خریداری اسکلیت های آ هنـی

ساختمان‌ورکشاپ های دوموسسه ترانسپورتی درکابل وبندر حیرتان به ارزش بیش از دو میلیون وسه صدوبیست وچهار هزار دالر بیز

وزارت ترانسپورت وتوریـزم جمهـو ر ی دموکراتیك افغانستان وموسسه پروم ماش - اکسپورت اتحاد جماهیر شوروی روز ۸ ثور دروزارت ترانسپورت وتوریزم عقد گردید . قرارداداشیرجان مزدوریار وزیرترانسپورت وتوریزم وچوگونوف مستشار اقتصادی سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در کابل امضاء واسناد آنرا مبادله کردند .

* * *

تصدیق نامه های اولین دوره فارغان کورس یکساله فاکولته ژورنالیزم انستیتوت علـو اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان عصر روز ۱۵ ثور ضمن محفلـ توسط فدا محمد دهنشین عضو کمیته مرکزی مسوول شعبه تبلیغ ترویج وآموزش کمیتـ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان عضـ شورای انقلابی در انستیتوت پولی تخنیـ توزیع گردید .





دکتورصالح محمدزیری عضوبیروی سیاسی،منشی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلـق‌افغانستان وعضو هیات رئیسه شورای انقلابی هنگام ایراد بیانیه در میتنگی که از طـرف‌کارگران وکارمندان فابریکه خانه سازی‌ترتیب‌شده بود .



پیک ثور و ثور

حزب مانقش اتحادیه های صنفی جمهوری‌دموکراتیک افغانستان را در امر ساختمان زندگی نوین در کشور ما بسیار پر ارزش‌تلقی نموده ودر آینده نیزبه نیروی بزرگ اتحادیه های صنفی این دستیار مطمئن خوددرمبارزه به خاطرنیل باارمان های انقلاب ثور وساختمان جامعه نوین اتکاء خواهد کرد .

«ببرک کارمل»

شنبه ۱۹ ثور ۱۳۶۰ ـ ۹ می ۱۹۸۱

ل‌می،روزهمبستگی بین‌المللی کارگران جهان

ل می مصادف به ۱۱ثور روزبین‌ـ بستگی کارگران سر اسر جهان‌بوده، اله ازین روز در تمام کشور های یل بعمل میاید .

، این طبقهٔ دوران ساز که‌بانیروی دو با صرف انرژی جسمی ودماغی ترین چرخهای ماشین های غولپیکر کار گاه‌ها ـ فابریکه هاو غیره تولیدی بحرکت آورده وبـــرای ود نعمات مادی را تولید مینمایند در شرایط نامساعد اجتماعی (درنظام ماری) مورد ستم واستثمار صاحبان لید قرار گرفته و حاصل کاروزحمت ب سرمایه داران سود پرست و ابریکه و کار خانه می‌رود •و با ناچیز وبخور نمیری درحالیکه‌انرژی ر شانرا در معرض فـــروش قــرار دگی فلاکتباری را بسر میبرند این ر عادلانهٔ کارو استفاده نا برابر از وتوزیع نامساوی فـرآورده هـــای ث بوجود آمدن یك تناقض‌اجتماعی طبقه استثمار گر (صاحبان وسایل یکطرف وطبقهٔ استثمار شونده ازجانب دیگرشده و بارشدوسایل وهای مولده این تضاد عمیق ترو هٔ کارگر علیه شیوهٔ استثماری و رمایه حاد تر وشدید تر گردید .

نمودند که توسط پولیس و دستگاه حاکمه سرـ کوب گردیدند وحادثهٔ المناك و تـراژیـدی شیکاگو بوجود آمد .

در آنجایی که‌جریان‌وحرکت تاریخ به پیش بوده به حکم دیا لکتیك تاریخ پدیده های نو رشد یابنده است ، باسر کوب شدن قیام کارگران شیکاگو جنبش پیشرو کارگران توقف نکردونه تنهاضربات متحد ومتشکل ونیرومند کارگران شیکاگو ، کار فرمایان سود پرست رابه عقب نشینی مجبور کرد بلکه برای‌باراول درتاریخ امریکا روزانه‌هشت ساعت کار را قبولاند قیام کارگران شیکاگو یـك حـادثـهٔ تصادفی وزود گذر نبود بلکه جرقه یی بود که بعداً شعله های خشم کارگران رادر بساـ کانون های کارگری جهان برافروخت و کاخ های سر مایه داران و استثمار گران رابلرزه در آورد زیرا همین حادثهٔ کوچك بود که‌سبب اتحاد همبستگی هر چه بیشتر کارگران‌جهان شده و مبارزات و جنبش های کار گری را علیه بیداد سرمایه نظم خاصی بخشیدچنانچه روز اول می درسال ۱۸۹۰ توسط انترناسیوـ نال دوم که بنام کنگره پاریس نیز معروف

است بحیث روز بین المللی همبستگی کارگران جهان به تصویب رسید ویکسال بعد درکشور هی ایالات متحدهٔ امریکا ـ فرانسه ـ ایتالیاـ هسپانیه‌ـبلژیك‌ـ آلمان‌ـ اتریش‌ـ هنگری ـ سویس ـدنمارك وروسیه تزاری ویکسلسله

مبارزه در راه بهبود شرایط کار و زندگـــی وتحولات دموکراتیك جامعه و در راه صلح و ترقی جشن می‌گیرند در کشور عزیز ما بعداز تشکیل حزب دموکراتیك خلق افغا نستان ، این روز بزرگ ابتدا بشکل مخفی وسپس با مارش های لرزه آور کارگران انقلابی شهر شبرغان ـ کارگران رزمنده فابریکه جنگلك‌ـ فابریکه نساجی گلبهار و پلخمری ودیگرمراکز صنعتی افغا نستان،تظاهرات خیابانی محصلان روشنفکران ـشاگردان معارف و زحمتکشان شهر ها برگزار گردید .

بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که قدرت سیاسی به حزب دموکراتیك خلـــق افغا نستان (پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان) کشور تعلق گرفت و کارگران و زحمتکشان ما حاکم بر سرنوشت خـــویش گردیدند تمام امکانات و دست آورد های انقلاب در جهت منافع کار گران زنجیر شکن و زحمتکشان‌ کشور ما قرار داده شده وامسال روز اول می در شرایطی در کشور ما جشن گرفته می شودکه‌یکسال واندی از مرحله‌نوین تکاملی انقلاب ثور می‌گذرد همهٔ تلاش هاو کار وپیکار انقلابی حزب و دولت مترقی ما برای رفاه و خوشبختی وآسوده‌حالی انسان زحمتکش وطبقهٔ مولد جامعه ما صورت می‌گیرد و هر گامی که حزب و دولت انقلابی ما برمیدارد منافع کارگران و زحمتکشان مارا در نظر داشته

در این شم



ارتجاع درعمل رسوا ور

* * *

آنانکه مرگ میآفریند و
فریاد میکنند .

* * *

جرقه ایکه از آن شعله

* * *

دولت انقلابی مـا بکار
ارج می گذارد .

* * *

دهمزنگ ماتیری .

* * *

سینمای پرمحتوی ، واقعی

* * *

[redacted] .

* * *

موسکا .

* * *

بااتحادیه نویسندگان آس
شوید .

* *

دکارگر دورخی لنډه پیژن

* * *

کارگران جهان روز اول می
خاصی تجلیل می نمایند .

* * *

اول ماه می یاروز همبستگ

* * *

...تجاع در عمل رسوا
...و رسواتر میشود

...لاب شکوهمند ثور به پیروزی
...حاکمیت جنهمی دشمنان مـــردم
...ها بر مردم ما بیرحمانه حکم
...مه بخشید و حاکمیت دولتی به
...دگی ازآنها به حزب دموکراتیک
...ستان تعلق گرفت همه دشمنان
...ه مردم‌مادریک صف نامقدس‌علیه
...شاندار مردم ما قد علم کردند و
...ئه ودسیسه زدند . آنها رادرین
...نسانی امپریالیزم در پیشاپیش
...م انسان دشمن یانکی وشوونیزم
... و مرتد چین یاری می‌رسانید و
...امپریالیزم به این هم بسنده‌نشده
...طئه ودسیسه از خارج بر حـزب
...اخل نیز با گماشتن نو کران خود
...مال خصمانه‌زد.امپریالیزم با مامور
... می خواست این توطئه خویش‌را
...ساند ولی مردم دلیر ، سلحشور
... افغا نستان همانطور یکه اسلاف
...امریکا یعنی امپریالیزم انگلیس‌را
... داده بودند با قلع وقمع امین و
...ریخ ۶ جدی ۱۳۵۸درس‌عبرت خوبی
...زم دادند وتحت رهبری حـــزب
... خلق افغانستان و پایمردی اردوی
...ی بخش افغا نستان حزب، وطـن
... از انحراف وتباهی نجات دادند.
...زم و همدستان بین المللی آن چون ...

تقلا ها و تلاش های مذبوحانه و هستریـــک پرداختند آنها از هر وسیله کثیف بـــرای رسیدن به اهداف کثیف خویش استفاده کرده ومی کنند .

در زمینه تبلیغات دروغین از گفتن هیچ نوع دروغ وشایع ساختن هیچ‌نوع تهمت‌دریغ نمینمایند. آنها دولت انقلابی و خدمت گذار مردم مسلمان‌وزحمتکش‌افغانستان رابیشرمانه دشمن اسلام وانمود می نمایند . در حالیکه خود شان وعمال دست پروردۀ شان بابه‌آتش کشیدن مساجد ، مکاتب و شفاخانه ها ، پل ها ودیگر مراکز حیاتی ، با کشتار دسته جمعی مسلمانان اعم ازززن ومردو پیر وجوان آنچه را بردولت جمهوری دموکراتیک افغا نستان تهمت می بندند خود درعمل اجرامی نمایند چه بسا خانواده ها که داغ از دست دادن عزیزان خویش راچه درا ثر سلطه جهنمـی امین این نوکر وجا سوس امپریالیزم و چه درنتیجه رهزنی ها و شبخون زدن های عناصر صادر شده از خارج وتربیه شده در کمپ های ساخته شده و مجهز شده از جانـــب امپریالیزم ، برد ل دارند .

هموطنان ارجمند ماپس از پیروزی مرحلۀ نوین انقلاب ثور شاهدان گویای اعمال غیر انسانی دشمنان مردم هستند . ترور وایجاد وحشت در هر گوشه کشور که درنتیجه‌اعمال غیر انسانی ارتجاع سیاه بدستیاری سادات ها، ضیاء ها وبیگین ها براه انداخته شده‌و میشود گوشۀ ای از فعالیت های ضد انسانی دشمنان انقلاب‌افغانستان‌است. مسموم ساختن دسته جمعی جوانان ونو جوانان دانشجوی‌ماکه طی سال گذشته همه خانواده هارا ناآرام و سر سام ساخت سند گویای دیگر یست مبنی بر محکو میت عناصر سیاهکار ضد انقـــلاب وضد مردم افغا نستان .

اینک ارتجاع و امپریالیزم به سلسله‌اعمال تبهکارانۀ خویش دست به عمل شنیع و غیر-انسانی دیگرمی زند . چنانچه دراین او اخر عناصر فروخته شده‌و مردم دشمن باکارگذاشتن بمبی‌دردهلیز پوهنځی‌انجنیری‌پوهنتون‌کابل‌سبب زخمی شدن‌وبخون غلطیدن‌دوانسان یکی‌استادو دیگری محصل گردید و محیط آرام دانشجویی وعلمی پوهنتون رابرهم زده وناآرامی‌ووحشت ایجاد نمودند .

آیا سند گویای دیگری هم ازین گویا تر-خواهد بود که ارتجاع این دشمنان مردم و انقلاب مـــا را محکوم سازد ، مـــا قضـــاوت را به مـــردم ایـــن حـامیان و طـــن و انقلاب افغا نستان وبه بشریت سراسر جهان می‌گذاریم . دیگر ارتجاع و امپریالیزم جرات آنرا نخواهد داشت تا مانند همیشه ادعای دروغین دفاع از اسلام وآزادی را بنماید . علاوتا امپریالیزم ایالات متحده و مقامات مسوول دولتی آن‌کشورخیره سرانه وبیشرم... ادعا می‌کنند که گویا اردو گاه صلح و تر... حامیان تروریزم جهانی هستند ؟!؟

اینك در عمل به اثبات رسید که ایـ... امپریالیزم و مقدم بر همه امپریالیزم انس... دشمن‌یانکی‌این‌تحریك‌تشجیع وصادرکنندۀعنا... ضد انقلاب‌به‌خاك مقدس میهن ماعامل و ف... اصلی تروریزم ودهشت افگنی میباشد. ... غیر اینست عمل بیشرمانه اعمال امپریال... امریکا در پوهنځی انجنیری پوهنتون کابـ... چیست ؟

آیا غیر انسانی ترین عمل در قبال انـ... وانسانیت نیست ؟

مردم ما برای العین می بینند کـه ارتـ... درآخرین مرحله حیات ننگین خود و بـ... به‌هدف رسیدن (که هرگز نخواهد رسید... کثیف ترین و غیر انسانی‌ترین اعمال است... می‌کند .

ولی درخت تنومند انقلاب ما ، مردم ما... کوه سنگین ازین باد ها بخود نمی لرزد... آینده نه چندان دور ما شاهد نابودی... کامل ضد انقلاب این جانیان و آدم... خواهیم بود .

زنده‌باد مردم مـا . مـــرگ برارتج... امپریالیزم .

کارگران قهرمان کشور :

درراه تحقق آ ر مانهای طبقه کار گر د رراه تطبیق بر نا مه حزب د مو کرا تـ... خلق افغانستان جهت اعمار یك جا معۀ‌پیش‌رفته - مترقی - شگو فان و فارغ ازهر... ستم واستثمار برزمید .



برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملــی هنگامیکه به سوالات خبرنگار ژوندون پاسخ‌میدهد .

از : ر . در یا

آنان که مرگ میآفرینند وآنانکه‌زندگی رافریاد میکنند

قسمت دوم

گفت و شنودی کا ملا ا ختصا صی‌بابرید جنرال محمد ر فیع و زیر د فاع ملی که در
خود بیسابقه است وبه تمامی پــرسش های شما در زمینه های جلب و ا حضا ر
حوه عمل و کار برد و مسایل مربوط به جبهات جنگ و تسهیلات و د شوا ری هــا

مناطق مسکونی ده و شهر این ا ست کــه
تعدادی از وابسته گان ضد انقلاب در پس

مرحله نوین تکا ملی ا نقلاب
وقابل تاییداست ، درآن دوره پر
ترور ووحشت که هرگــز نه مــر
بودند و نه منافع مردم و نه هم
وآدمکشی در اندیشه ا مین و با
غیر انسانی به حساب می آ مد و
عنوان یك ار زش و ضابطه قـ
پذیرش قرار داشت حفظ مناف
اجرای د ستو رات ا مپر یا لیس
بار ها اتفاق می افتاد و گاه هر
می‌گردید که در محلی یك فیر
عمال ضد انقلاب صورت می گر
بدون در نظر داشت مسکون بو
آنکه ذره‌یی حس انسانیت وانسا
ویااحترام به اساسات حقوق بـ
باشد به توپ بسته می شد ،
آتش مــی کشــودنـد و حتـی
هاآن محل را به ویرانه ای بدل
که همه این اعمال صرفا به
ساختن اندیشه پیشرو ومنحرف
مسیر انقلاب از جهت ا صلی آ
گسستن پیونـد های میان حــ
صورت میگرفت، امامسوولانه بشـ
ازتحول شش جدی ۵۸ و مر حا
وانقلاب حتی یك مورد هم و جو
در برخورد های قــوای امنیتی
انقلاب صد مه یی به مردم بیگ
کشیده و بلادیده وارد آ مده با
ندرت می‌توان واقعه‌یی را نشان
آن به صورت اشتباهی واجتناب
یا دو نفر زخمی ویا معدوم شد
مرحله نوین تکا ملی انقلاب به
که در برخوردهای خــود با ضـ
جدی وآشتی ناپذیراست در حفـ
وپیوند های شان با حزب ، دو
ورفع بیداد و مظالم از زندگی شـ
قدم می باشد .

ز باد سیاست خارجی صلح جویانهٔ افغانستان انقلابی

نی در مجموع مو جب گردید
ات قابل تو جهی مردم خودرا
درك كنند و نقاب ها از رخ
وانقلاب كنار رود در حا ليكه
دئه مردم و منافع مردم ودرك
خيلى از شهر يان فقط بخاطر
كنجكاوى خود با افراد ضـــد
های شهر براه افتاده بودنـد
بود و قوای مسلح ازبردباری
نمی گرفت شما خود میتوانید
چه امكا نات و سيعی بـــرای
عده بیگناه و جود می داشت.
ر آن روز ها تا آخرین‌لحظاتی
فظ امنیت جان و مـــال مردم
حتی به فیر یك مرمی ا قدام
هم كه این ا مكان از میـــان
در مقابل كسانی میشد كـــه
واز اسلحه خود عملا استفاده
نه كسانی كه در صفوف ضد
تماشاگررا داشته وكنجكاوی آنان
ها كشانده بود .

از ولایات، شهر هــا و روستا
ستە به گروه های گو نا گـــون
زور و جبر و تهدید از تاجران
ول های هنگفت می گیرند ویــا

ی سازند كه با اعتصاب‌گونه ـ
های خودرا مسدود سا زند كه
نو رات به و سیله مردم به‌عمل
بعدا جان و مالشان به خـــطر
كان ها وخانه های شان به‌آتش
ود و تامین خانواده‌گی واجتماعی
تهدید قرار می گیرد و ا ما اگر

درنظر داشته با شیم كه تمام ا نقلاب های ملی و متر قی تا مدتی مورد تخریش، تجاوز، توطئه و دسایس د شمنان ضد آزا د ی انسان به مفهوم و سیع و گسترده آن‌قرار می‌گیر ند كه‌انقلاب ملی و د مو كـــرا تیك افغانستان و باالخصوص مر حله نـــو ین تكاملی آن كه مر حلهٔ نجات انقلاب ومردم می‌باشد هم نمو نه یی است از این مانند. به این سوال تو جه كنیم كه دشمنان‌انقلاب كی‌ها می‌باشند ، چه می خوا هند و چـــه آینده‌یی را برای مردم بلادیدهٔ ما در نظـــر دارند ؟ آنها در مجموع تسلط همان‌شرایط وضوابطی را آ رزو دارند كه در جر یان دهه ها و سده ها در این‌كشور حاكم بوده وگرسنگی ، فقر ، بیماری ، بیســـوا دی ، استثما ر های گو نه گون واستعمار را د ر قالب های نوین و كهنه به مردم هدیه‌داده واوضاعی را مو رد حمایت قرار داده بوده است كه در جا معه همیشه یك ا كثر یت بزرگ تمام حاصل كار و تو لید خو درا د ر اختیار طبقات زور مند قرار د هند و دریك كلام گرو هی از گر سنگی بمیرند تا فردی بتواند از سیری بتر كد ، ا نقلاب ثـــور مانند هر انقلاب ملی‌و متر قی بر همه ا ین مظالم و بیداد گری های چپا و لگرا نـــه خط بطلان كشید ، خیلی طبیعی به نظر می‌آید كه همه آ نانی كه ا متیا زات غـــیر انسانی شان مورد تهدید قرارگرفته باحمایت كشور های دا رای رو حیه ا مپر یا لیستی در برابر ضوابط تازه و شرایط نـوین اسلحه بدست گیرند و داخل ستیز گردند، ا گر این گونه تخریش ها در مرا حل ا و لـــی تحول شش جدی ا فزایش یافته بـــا شد فقط یك سبب دارد و آنهم ا ینكه‌دشمنان انقلاب دریافتند كه ایـن دولـت مردمی است هدفی جز حمایت كا مل از رنجبران وتوده های و سیع ز حمتكشان‌كشور ندا رد و با هزا ران رشته نا گسستنی خود را با مردم پیوند می د هد ، بنا برین آ نان آ خر ین تلاش ... خود را به عمل

حتمی می انگاشتند ، اما آ نان مثل همیشه دراین مورد هم نا دان وناتوانا بودند چـــه قوای امنیتی كشور كا ملا بیدار ، هوشیار وآگاه بود یك پار چگی و و حدت‌شكست ـ ناپذیر داشت و تدابیری را به عمل آ ورد كه هر روز ساحهٔ عمل برای د شمن تنگ وتنگ تر گردید ، باز هم مثالی می آورم دشمنان ا نقلاب پیش بینی های فرا وا نی داشتند كه در دوم و سوم حوت سال۱۳۵۹ به اصطلاح سالگرد حوادث حوت سال ۵۸ را برگزار كنند ، یعنی حادثه بیافرینند ، آرامش را بر هم بز نند،ا منیت را مختل گردانند و در نهایت شرایطی را به و جود آورند كه عده‌یی را فریب د هند و به دنبال خود بكشانند و ظاهرا چنین جلوه د هنـــد كه پیوند حزب و دو لت با مردم پیوند ی عمیق نمی باشد كه با تدابیری كه هیا ت رهبری حزب به عمل آورد حتی ا مكان‌پیاده شدن یكی از این اعمال شیطانی هم بعمـل برای شان میسر نشد و در تمام ولا یات كشور هم وضع بر همین منوال ا داره‌گشت، معنی همه این حرف ها ای ناست كه قـــوای مسلح در شرایط مر حله نوین انقلاب‌مرحله نجات انقلاب و مردم با قبول همه مشكـــلات فداكارانه و جانبا زانه در خد مت مـــردم است و به هیچ قیمتی اجازه نمی د هـــد آرامش و آ سایش توده ها سلب گردد .

ـ تعدادی از خانواده هــا ادعا هــا یی دارند در این ز مینه كه گو یا خـــلاف‌قا نون جدید مكلفیت عسكری كه درآن ســن شمول به خد مت مقدس سر بازی به صرا حـــت

وگاه از كاه كوه می سازند ، ا ما مسئله این
است كه چه ضرو رتی این هیات ها را وادار
میكند در خانواده ها تشویش ایجاد كـــنند
ویاچرا به صورت مستند مقا مات امنیتی و
قوای مسلح با د لایل مشخص ا تها ما ت
را در این گونه مسایل حل نمی كنند ؟

ـ قانون گذشته مكلفیت عسكری كه سال
ها پیش در شرایط استیلای ضوابطغیر مترقی
وضع شده بود به صورت قطع جوا بگوی
نیاز مندی های شرایط ا نقلابی نمی توانست
باشد و بر همین اساس بود كه طرحی تاز
برای یك قانون مترقی و متوا فق با رو حیه
انقلاب تهیه و به و سیله و زارت دفاع ملی
به مقا مات مسئول حزب و دو لت پیشنها
گردید كه بعد از چندین دوره بحث ومطالعه
روی آن و یك نظرخواهی همه جا نبه ا
هیات های حقو قدا نان بر جسته كشور
نظرداشت تمام مسایل مر بوط به و جای
انقلابی افراد ، د فاع از د ست آورد ها
انقلاب ، حفظ تمام حقوق و پر نسیب ع
عسكری بر اساس میتود های مترقی‌وضرور
ها ونیاز مندی های شرایط انقلاب مـــر
تصویب منشی عمومی كمیته مر كزی حز
دمو كراتیك خلق افغانستان ر ئیس شورا
انقلابی و صدر اعظم جمهوری د مو كراتی
افغانستان قرا رگرفت .

دراین قانون بدون شك علاوه از د ر
نیاز مندی های خاص شرایط انقلابی كشو
تمام پرابلم ها و مشكلات خانواده هـــا
به پیمانه بسیار و سیع و گسترده در نظ
گرفته شده است ، چـــنانـــكه تسهیلا
فراوان برای فا میل ها ، محصلان، استادا
متعلمین و د یگر ا قشار و گروه های ملی
های افغان در آن ا نعكاس دا رد .اما باتو
به اینكه ضد انقلاب با استفاده از انـــو
توطئه‌ها ، د سایس ، دروغ پرا كنی ، مس
واقعیت ها ووارونه جلوه دادن حقا یـــ
میكوشد به و سیله و سایل ا ر تباط جم
كشور های امپـــریالیستی و ارتجـاع داخلی

کارگران میهن ! صفوف تانرا بخاطر اعمار جامعهٔ نوین فشرده ترس

به‌مناسبت روز اول می

از :س ۰ر۰هاشمیار

ادامه کار و پیکار تا:

تحقق کامل آرمان‌های والای انقلاب

آزی برای یك جامعه تازه ازبند های‌گوناگون
ستثمار های طبقاتی رسته ، که سالار منشی
اکم در آن ، سده های فراوان از رشد همه
یده های فرهنگی و اقتصادی درمیان رنجبران
رحمت کشان میلیو نی آن مانع گشته است
ید کار کرد وبه پیکار ادامه داد، کار تا آنجا
منجربه بالاروی سطح تولید وعاید ملی در
د نیازمندی های انسانی یك جامعه بسوی
کشاف سریع روان شده بتواند وپیکارتاآن
حله ومقطع زمانی که تولید وتوزیع عـادلانه
فی ارزش های استثماری و استعماری همه آن
رایط رادر خود بشوید که ثمره کار رنجبر و
حمت کش غارت نگردد و پول نان ولباس‌و
ویه میلیون ها انسانی که بام تا شام کـار
کنند وعرق میریزند اما جز فقر و بیماری و
سنگی وبیسوادی وبرهنگی ندارند صـرف
اشی ها وشب زنده داریها وهوسرانی های
روه اندکی گرددکه زیرنام طبقه ممتاز همه
تیازات را برای خـود میخواهند وباداری و
الاری را حق آسمانی خود تلقی میکنند .
جامعه ما اکنون چنین ارزش های غیر عادلانه
یر انسانی را به دور ریخته است وبا امید
شگوفایی آینده، آیندهٔ که رفاه همگانی را
ون امتیاز های طبقاتی تضمین میکند به‌پیش
ان است ودر این مرحله از زندگی ملی‌است

به گفتن هانباید اکتفا کرد وازتاریکی بسوی روشنی واز شب به سوی صبح گام برداشت .

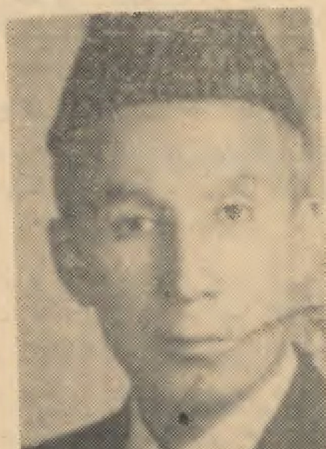
مادراین صفحات باگفت وشنود های کوناه وفشرده ای که باچندتن از رؤسای اتحادیه های صنفی داریم میکوشیم به پیشواز روز جهانی کارگر نظرات شانرا پیرامون مسایل مربوط به اتحادیه ها، کار وضرورت آن در این روند و نقش اتحادیه ها در زمینه‌های اجتماعی انعکاس دهیم .

تشکل خودرا در عمـــل پیاده کنند، میگوید :

ـ « در شرایط انقلابی وجود اتحادیه هابرای جلوگیری از تاثیرسوء دروغپردازی های کشور های امپریالیستی یك ضرورت مبر م است ، چه از این طریق مامیتوانیم آگاهی لازم را در اختیار اعضای اتحادیه هاقراردهیم ، به آنها آموزش سیاسی دهیم تابا چشم بازوذهن روشن قضایا را تحلیل کرده بتوانند واز سوی دیگر نیز وجود اتحادیه ها موجب میگرددکه مشکلات

ـکارگران رزمنده وقهر مـــــان‌افغانستان ! تحکیم دوستی تان‌باکار گران وزحمتکشان کشور هـــــای‌سوسیالیستی در راس اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی ضامن‌پیروزی‌انقلاب‌شما است.

عمومی دریك زمینهٔ خاص علماً مورد تحلیل قرار گیرد وعوامل به وجود آورنده آن ازمیان برداشته شود در حالیکه به صورت انفرادی ممکن نیست چنین عمل‌کردی داشت ، به‌صورت خلاصه عرض کنم‌که اتحادیه ها خواه درمحدوده یك صنف وخواه در مسایل مربوط به دهقانی ویا کارگری چون میتوانند ضامن منافع عمومی باشند ونقش آگاهی دهنده نیز دارند وجود شان در پیشبرد امور مربوط ، جلوگیری از اشتباهات وبه وجود آوری یك نظم در کار





احمدالدین رئیس اتحادیه
شهرکـــابل

است واز مجموع آن چند نفر
میباشند ، میگوید :
ـ « مادر کابل سیصدوپنج
که از این جملـه دوصدوبیس
تاکنون عضویت اتحادیه را
اوکه یك سفر ۱۸ روزه نیزبه
است در این مورد که از نظ
وجود دارد که از شمار ششه
صرف هشتاد نفر عضو اتحاد
اکثریت عکاسان در عضویت
در آمده اند، میگوید :
ـ مابه هیچوجه اصناف ر
که به جبر واکراه عضویت ا
کنند ، بلکه صرف آنان را ت
کار می کنیم ومنافع عضویت
میداریم به این سبب فیصدی
صنف به تناسب تعداد کاسبا
میکند ولی مایقین داریم در
کسبه شهرطور داوطلبانه به ع
ها در خواهند آمد ، چه آنان
اتحادیه‌هیچ باری را به دوش
بلکه دربی آن است کـه مش
ساحه کار رفع‌گردد وصاحب
وآگاهی سالم نیز بگردند .

کارگـران و زحمـــتکشان‌افغـانستان ! صفو ف رز منــد هخـــو یش ر ا همــه جـا نبـــه گسترش دهید، فعالیت تولیـدی و اجتماعی خودرا به نفع‌مردم افزایش بـخشید.
زنده باد اتحادیه های صنفـــی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان .

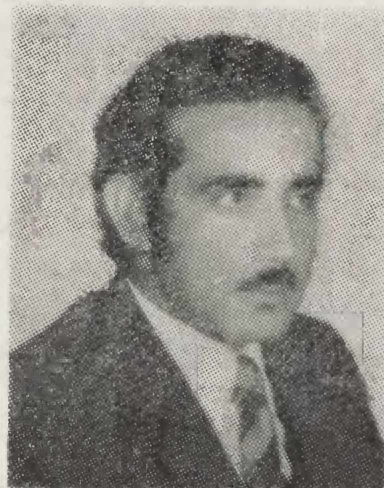


اتحادیه صنفی صنایع چرمی

رد روز جهانی کارگر وضرورت دریك سطح جهانی میگوید :
ر در پهلو ی اینکه نشاندهنده وامع انسانی به مقام کاروکارگر د همگان رابه کاربیشتر، تولید ت بیشتر به مردم تشویق کند نکه روزنامه ها، مجلات و رادیو مه جا پیرامون رابطه میان کارگر ن میکنند به حقوق ووجایب خود میگردند وهمین موجب میگـردد داختن شرایط و انگیزه هـــای بشگام باشند وازمنافع اکثریت ت کش در جامعه خود دفاع‌کنند. ای دیگر ازسخن خود این طور میکند که حتی باید در کشور ما ارگر اعلام گردد ودر آن ازمردم ، باکار دست جمعی وداوطلبانه بازسازی کشور سهم ارزنده تر ــران نیز در این هفته خاص ی از نحوه کار وتاثیر آن درامر

وقتی عبدالوکیل بااین سوال روبرومیشود که چه تفاوتی در موقف کارگر و نحوه کار تولیدی درپیش ازانقلاب بازمان بعد ازپیروزی انقلاب وجود دارد، جواب میدهد :

ـ «درآن زمان کارگران ماهیج نوع تامین در محیط کار خود نداشتند ، حق شان تلف میگردید ودر بدل کار فراوان دستمزد اندك به آنان داده میشد، محیط کار نیز از نظـر صحی خوب نبود، درحالیکه اکنون ماشاهدیم که گام های مثبت فراوان در جهت تـامین زندگی کارگران برداشته شده است ، حقوق شان افزایش قابل ملاحظه یافته و همچنین امتیاز هایی‌که سابقا میان آنان و ماموران وجود داشت از میان رفته است که به همه این دلایل اکنـون کارگران ماباکار بیشتر و صادقانه تر در خود میکوشند هرروز سطح‌تولید خودرا بلندتر ببرند واز این راه برای مردم



عبدالوکیل رئیس اتحادیه صنفی حکاکان وحجاران شهر کـابل

خود مصدر خدمت بیشتر گردند ودر مجموع سطح عاید ملی را افزایش دهند .

عبدالوکیل ضمن اینکه روز جهانی کارگر



حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کـابل

حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل است وبه قول او ازسیصدوپنجاه زرگر تاکنون دو صدوده نفر آنان به عضویت اتحادیه در آمده اند نیز پیرامون مسایـــل مربوط به کارـکارگر وکار فرماوروز جهـانی کارگر گفتنی هایی دارد، او عقیـده اش را اینطور ابراز میدارد که :

ـ درپیش از انقلاب ثور علاوه از اینکه کارگران در بدترین شرایط ممکن زندگـــی داشتند بازهم باتوجه به اینکه وطن و مردم وطن نیازمندکارآنان است میکوشیدند باقبول هرگونه رنج وزحمت وظایف خودرا به انجام آورند امااز‌آنجا که در آن دوره ها نظام های حاکم هر گز آرزو نداشتند که کشور ما از نظرتولید متکی به خود گردد نه تنها بـرای امور مربوط به کاروکارگر تسهیلاتی بوجود نمی آوردند بلکه به نحوه های مختلف نیز میکوشیدند که مانع رشد و انکشاف صنایع

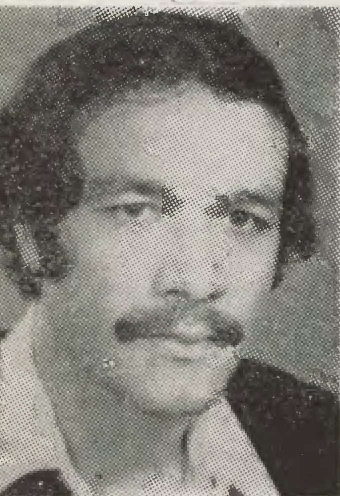
همگانی را ندارد وبه همین جهت ازدل زحمت کش کشور ما این را نیك میدا دولت مردمی ما هدفی جز آسودگی آنرا یاری میدهد وحمایت میکند .

* * *

مادر شانزده سینمای شهر کابل جـ ودوازده تن کار گرداریم که همه عضو میباشند وبه عضویت خود مباهات میکنـ

حکیم رحیم رئیس اتحادیه سینماها کابل بعداز ابراز مطلب بالا اضافه میکـ

ـبه اجازه‌شما در مورد روز جهانی وچگونگی تجلیل آن در گذشته ودر حـ مطلب رابه گفته های رفقا اضافه میکـ اینکه در گذشته تجلیل از این روز نیـ همه‌ی کار های دیگر شعاری و تبلیغاتـ



حکیم (رحیم) رئیس اتحادیه سینما شهر کـابل

یعنی اینکه در عمل هیچ گونه اقدامی رفاه و آسوده حالی کارگران صورت نـ امــادر گفتار شعار پشت شعار داده ودروغ پشت دروغ قطار میگردید در اکنون این طور نیست‌مسایـــل به گفتـ نمیگردد بلکه بیشتر کوشش این است گفته شود وزیادعمل گردد چنانکه ما که در مدت اندکی که از پیروزی انـ باالخصوص مرحله نوین تکاملی آن ده هاپروژه وبرنامه به‌نفع‌کارگران‌درعـ شدکه‌در مجموع‌رفاه‌کارگران‌رابه پیمانه تامین کرد اما حتی یك صدم دوره هـ گذشته نیز در این زمینه ها شعار داد و همین است که اعتماد مردم هر روز به حزب ـ دولت وانقلاب جلب میگردد

نیکمرغه دې وي دمې دلومړۍ نیټې دکارگرانو دبین المللي پیوستون جشن !

بمناسبت اول ماه می :

جرقه‌ایکه از آن شعله برخاست

طبقه و هکذا متشکل ترین طبقهٔ جامعه بحساب می‌روند ودر مقیاس ملی و بین المللی از نظر کمیت و کیفیت نقش بس بزرگی در نهضت جهانی مبارزه علیه ستم سرمایه ودر راه اعاده وحفاظت صلح دارند • اتحاد طبقهٔ کارگر با دیگر زحمتکشان یعنی بادیگر طبقات واقشار تحت استثمار تنها برای تامین منافع صرفا اقتصادی صورت نمی‌گیرد بلکه این طبقات بسرکردگی طبقهٔ دورانساز کارگر تحت رهبری حزب پیش آهنگ در پروسهٔ مبارزهٔ طاقت فرسای خویش و در فرجام آن می‌خواهند به استثمار فرد از فرد خاتمه بخشند و جامعهٔ شگوفان وبدون استثمار را آباد نمایند • این مقوله که در آن گفته میشود • طبقه کارگر با آزاد ساختن خویش در عین زمان تمام‌جامعه را از همه اشکال ستم طبقاتی نجات می‌دهد، اینك دیگر در عمل به اثبات رسیده است•

امروز تقریبادر نصف‌کرهٔ زمین احزاب
هنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان
ندگی از طبقهٔ کارگر حکومت رادر دست
اگر امروز ابتکار صلح و فعالیت‌های
در ساحهٔ بین المللی در دست کارگران
کشان وبه نمایندگی از آنها بدست
ای مترقی و صلح دوست میباشد،
همه نتیجهٔ کار وپیکار انقلابی طبقه
ونجات‌بخش کارگراست که بادستیاری
دیگر طبقات و اقشار دموکراتیك و
ی این همه را برای بشریت به‌ارمغان

ست خو نین امپریالیزم امریکاو نوکران جنایتکار آن از افغانستان انقلابی کوتاه !

ست •
ملا به اثبات رسیده است که طبقهٔ
ز و تاریخ ساز کارگر در پروسهٔ

روی همین دلیل است پیش آهنگی طبقهٔ کارگر در جوامع سرمایه داری و دیگر جوامع از طرف دیگر طبقات واقشار برای رسیدن‌به

فرخنده باد جشن اول ماه می- روز همبستگی بین المللی کار گران و زحمتکشان سراسر جهان .

تا روز در صدد آنست تا برای ارضای حرص و آرزو منفعت خویش هر چه بیشتر و با ابعاد گسترده تر کار گران را استثمار نمایندودرین زمینه از دیاد مدت‌کار روزانه می‌تواند این‌هدف سر مایه داران را بهتر تامین نماید ، یعنی با طویل ساختن مدت کار روزانه و محدود ساختن مقدار مزد به نفع خویش می‌افزایندو اگر بتوانند اندکترین توجهی به‌خواست های روحی و اجتماعی‌کارگران هم نمی‌کند ولی طبقهٔ مبارز ورزمندهٔ کارگر در نتیجهٔ تشکل واتحاد خویش به این حرص وآزبی پایان صاحبان سرمایه لگام می‌زنند وبا براه انداختن مبارزات خویش مانع آن میشوند تاسرمایه‌دار بتواند همه امیال خویش را بر آنها تحویل

اسمعیل محشور

رزمندگان اتحادیه های
جمهوری د مو کراتیك افغانستان
در راه تطبیق تصا میم او
خویش مجدانه پیکار نما ئید .
ابزار تو لید را بصورت شایس
بکاربرید - باکار پیگیر و سازن
تولید را افزایش بخشید در راه
کار مساعی بخرج د هید .
زنده باد اتحادیه ها ی صنفی
دموکراتیك افغانستان .

در دوران سرمایه داری‌چون‌طبقهٔ کا
لوکو موتیف جامعه و طبقهٔ تحت
استثمار است روحیه رزمندگی و
طبقه تحت رهبری پیش آهنگ س
منتج به یمیان آمدن رژیمی میشود
استثمار انسان از انسان وجود ندا
اولین جرقه های مبارزه طبقهٔ ک
نظم ظالمانه سرمایه داری از مبارز
طبقهٔ کارگر علیه سرمایه دارو بخ
محدودیت مدت کار روزانه آغاز ی
کار روزانه یعنی ساعات کار یکرو
سرمایه داران برای مبارزه علیه ای
بر حق کار گران علاوه از اجبار
از قوت دولتی که در کشور های سر
بدست سرمایه داران است نیز ا
ومی‌کنند •

بقیه در صفحه

سازندگان واقعی انقلاب ثو رو
نوین آن شمائید ! بیائید بخاطر
آرمانهای آنها در صفوف رزمنده‌ای
ملی پدر و طن متحد شویم !

زحمتکش کشورمی گویند:

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت کارگران ارج می گذارد

ـف از زنده‌گی کار وعمل‌است

از پیـروزی انقلاب ثورماکار گران مــورد استثمار قـرار

ـ برای بهبود حیات مـا،معاش کارگران واجیران را افزایش
ـت.

از روز اول می یاروزهمبستگی گران جهان بعد از ظهـر روز ور محفل شکوهمندی درصحن مطابع دولتی به اشتراك صدها زحمتکش اعم از زن ومرد ، ـ گردیده طی آن از این روز بعمل آمد و درختم این محفل ازطرف شورای‌مرکزی اتحادیه متکشان افغانستان به چندتن از وباتجربه آن فابریکه اهداء ـباط روز تاریخی بین المللی وتدویر این محفل شکـوهمند ـده از کارگران ریاست عمومی ـ در اثر زحمات شباروزی و ـلابی خویش بر اخذ جوایـز گفت وشنودی ترتیب داده ایم ـم شما خوانندهگـان ارجمند

محمد عظیم یکی از کارگران ـ‌که ازمدت تقریبا بیست سال شعبهٔ لینوتایپ کار می کند و ـصوف اولین کسی است که را در ریاست عمومی مطابع ـخته است .

: بیست سال قبل در ایـن ـنوتایپ وجود نداشت بعد از

میگوید : در طول این مدت بیش ازیکصد نفررا در رشتهٔ لینوتایپ تربیه وتقدیم جامعه خودنموده‌ام، چنانچه لعل محمدیکی ازشاگردان ممتازمن می باشدکه همین اکنون نیز دوش به دوش من در شعبه لینوتایپ کار می کند .

می پرسم : چقدر معاش دارید وتعـداد فامیل شمارا چند نفر تشکیل میدهد ؟



انجنیر حاجی محمد عظیم : من کاروعمل را بسیار دوست دارم .

می گوید : فعـلا بحیـث اجیر فوق رتبه

تقدیری هم نمی شدیم ودولت های فرسوده آنوقت مارا در کـا ر های خـویش تشویق وترغیب نمی کردند و لی بعـد از پیـروزی انقلاب دو رانساز ثور و بخصوص مـرحلهٔ نوین و تکا ملی آن دو لت انقلابی ما علاوه بر آنکه بهبود و ضع ز نده گی ما را ازنظر دور نمی دارد ، مارا در کار های ر و زمرهٔ مان تشویق ز یاد می نماید چنانچه اعطای تحایف گرانمایه امروزی از طرف شـورای مرکزی ا تحاد یه های صنفی ز حـمتکشان افغانستان برای ما شاهد خوبی بر این مدعا است .

وی میگوید : من افتخار ا خذ ا ین تحفه گـرانقـدر را از طـر ف شـو ر ا ی مرکزی ا تحا د یه های صنفی ز حمتکشان افغانستان منحصر بخود نمی دانم بلکه این افتخاری است که نصیب همـه کـارگـران زحمتکش مطـابع دولتـی می گردد ، زیـرا ما کار گران ا مروز همه با هم یکی هستیم از لحاظ کار ، اندیشه و بسا جهات د یگر پیوند های محکمی را دارا می باشیم .

میگویم : اگر پیامی به زحمتکشان کارگر افغانستان داشته باشید .

میگوید : هدف از زندگی‌کار و عمل‌است. ومن کار و عمل را بسیار دو ست دا ر م ، بنابر این از همه کـار گـران دو رانساز افغانستان توقع دارم تا در راه‌خدمت به‌میهن مردم وانقلاب وایجاد جا معه عا دلانه نـوین فارغ از ستم واستثمار کار و پیکار ا نقـلابی نمایند .

انجنیر محمد عظیم را جع به‌سفرهای خارجی خویش چنین میگوید :

تاکنون به کشور های ، ایران ، آ لمان ـ



مستری فیض محمد یکی از کارگران سابقه دار مطبعه دولتی

او که از مدت پنجاه و سه سال بدینطر در مطبعه دو لتی کار می کند و به‌قول خودش (۷۵) بهارزندگی را پشت سر گـذا ر د است ، اکنون پدر چهار فرزند می باشد .

مستری فیض محمد میگوید ! درطول مد کار خویش برای سه بار به اخذ جوایزنقد وجنسی نایل آ مده ام که اعطای یك‌پایه‌راد تحفهٔ اتحادیه های صنفی ز حمتکشان‌افغانستا جایزهٔ اخیر مرا تشکیل می د هد .

موصوف راجع به ا قدام نیك د و لـ انقلابی خویش مبنی بر ا فزودی معاش‌کارگرا واجیران دو لت چنین ا ظهار می دارد :

در دوران های تاریك قبل ازپیروزی انقلا شکوهمند ثوردولت‌های مستبد گذشته نه تن بالای حیات اقتصادی ما کار گران‌وزحمتکشا فکر نمی کردند بلکه بار ها بار برای افزود معاشات خویش عرایض و در خواست ها یـ می‌دادیم که در مقابل هر یك از آن ها جوا منفی حاصل می نمودیم ، و لی از بر کـ

حاجی محمد رزمی

دهمزنګ ماتیری

هغه ریالستیکه کیسه چی د ثور انقلاب څخه دمخه دظالمو سرداری نظامو ظالمانه او
فرعونی بڼه ښی دکیسی اصلی محتوی جوړوی‌خودثور انقلاب زموږ‌زیارکښ اولس او پراخی
ـرګنی ددغو فرعونی او طاغوتی ظلمونو څخه‌خلاصه کړه او دیوه روښانه راتلونکی لوری‌ته
ی سیخ کړل •

زړه یی دخوښی‌او اضطراب له ګډوډاحساس
ه ډک وو، ټوله لاریی ، مځکی ته کتل او
ـصور په تال کی دکورپرخوارهی سوی وو.
خه هم له مسجد څخه دده تر کوره پوری

ـسله زیاته نه وه خوپه دغه لنډ وخت کی‌یی
ـرخو او خوږ و خیالونو په پراخ جهان کی

مره اوږده واټونه ووهل اودو مره تیرو
ـتونوته ولاړ چی د تیرو دیر شو کالو تر-
یادونه یی دراتلونکی ژوند د نا معلوم

نوشت سره یو ځای په خپل تصور کی
ـونه کړه او داوسنی هیجان دپاره یی په
ونیول • خو بیله دی چی دخپل مشکل
پاره روښانه حل پکی پیدا کړی او بیله دی
پردغه ناآرامه حالت باندی چی نن‌یی له
ـار څخه‌دده په زړه کی ځای نیولی دی،
یا خوښی نوم کښیږدی وخپلی کوځی ته
ی شو •

شریف په ډیر احتیاط سره خپل زړه ته
ښی ورکوله خو کله چی به ددغی (خوښی)
ـی برخی په چرت کی سو ،بیابه یی زړه
ـعلوم‌غم‌په‌منګولوکی ښکیل سواو دبدبختی
ب (دیو) یی خپلو سترګو ته مخامخ دحملی
تال کی لید • خکه پوهیده چی غریب او
ـخت انسان هیڅکله خوښی نسی لرلای،که
بینبه په ظاهر کی دخوښی په شکل‌وی•

مځکی له دی چی خپلی خونی ته یعنی هلته چی دده ماندینه‌دولادت له درده‌څخه چیغی وهی ورسیږی درحیم موریی مخی ته ورغله اووی ویل : هله شریفه ژرولاړسه ، اجانی بی‌بی راوله ، ښځه دی ډیره په عذاب دی، که‌اجانی بی‌بی په کورکی نه‌وه، ښارته‌یه دو ایسی ولاړ سه که نن شپه دوا او دارو راونـــــه رسیږی خدای خبر چی دابه •••

درحیم مور خپله خبره پوره نکړای شوه، ستونی یی له غریبه ډک سواو دخونی وخواته یی‌و خغستله •

شریف هم درنګ ونکړ او مخامخ داجانی بی‌بی دکور پرخوا په خغستاسو، دکلی طبیبه په کورکی‌نه وه ، اوشریف چی‌یی هر خومره پوښتنه یی وکړه پیدایی نکړه، په داسی حال‌کی چی خفګان اووارخطایی‌یی وار په‌وار

زیاتیده دښارپر خوایی په خغستلو شروع وکړه خودډاکتر څخه دمربوطه ناروغی په هکله معلومات واخلی •

شریف په ښارکی پوره بلدنه وو، اوس چی‌شپی خپل تورخادرغوړه ولی وواو بازارونه او سړکونه تقریبا خالی‌معلومیدل نو پریشانی لازیاته سوه اوپه تلواردیوه ډاکتر دکتنځی دپیدا کولو له پاره یوی اوبلی خواته وګرزیده شریف چی یوبیسواده بزګروو اوسرلوحی یی

ذهن ډک کړی وو، لالهانده غوندی دسړکونو له‌یوی خوا څخه‌وبلی‌خواته تیریده اوپه‌زړه‌کی یی پرهغو ښاریانو باندی بدویل چی له ده سره یی دډاکتر په پیدا کولوکی مرسته نه‌کوله یا یی دده پوښتنی ته سم خواب نه وایه • دښار په مرکزی برخه‌کی دیوی ښکلی ماڼی وسخ ته یومعتبرځوان‌چی‌عینکی یی‌پرسترګووی اودډاکتر انو غوندی بکس یی په لاس کی وو له موټر څخه کښته سو او هغه ښکلی تعمیرته ننووت •

شریف پرهغه باندی دډاکتر ګومان وکړ او دهغه خواته‌یی‌هڅه وکړه چـــه دخپلی ښځی دعلاج له پاره له هغه څخه مرسته و غواړی• خو داوږده موټر هیبت ، د سړی فیشـــن اودتعمیر شان او شوکت چی حتی دروازه یی هم له هند ار و څخه جوړه سوی‌وه او دهغه په‌ټولو کړکیو کی ښکلی ګلان پراته وه، دخو

شیبو له پاره له شریف څخه جرئت سلب کړاو په خپلو خړو پړو کالواو سپیره خیره یی وهغه ته نژدی کیدل مناسب ونه بلل ،

نویو کړی پرځای ودرید بیایی د خپـل جب پیسی اندازه کړی‌اوپه‌احتیاط دتعمیر ددروازی خواته رهی سوخو مخکی له دی چی هغی ته ورسیږی دتعمیر له دننه څخه یی دناربنه واو

ښځود کټ کټ خنداګانو او دموسیقی دنغمو آوازونه واوریدل ، د یوی پایی وځنګ‌ته‌غلی سواو په احتیاط یی دیوی کړکی دپردی له چولی څخه دسالون ودننه‌ته وکتل :

هلته تکی سری غالی غوریدلی وی چـــی رنګارنګ بخملی سیټونه یی پرشاو خواباندی کتار وه ، دښکلو میزوپرسرونو باندی ډول ډول میوی او راز راز کبابونه په ترتیب سره

پراته وه ، دسالون په دننه کی ښابسته‌منظری اودلځو ښځو داسی عکسونه او تابلو ګانی ځړیدلی وی چی شریف به له‌ډیری حیاڅخه مخ خنی واړاوه • دسالون په یوه برخه کـــی پرستیج باندی چی دسرو غالیو ،رنګ پـــه رنګ پردو ،دګلانود ګیډیواوحیرانو نکو منظرو او تابلو ګانو او قیمتی شیانو له هنرمند انه ډیکور څخه عبارت وو، یوه ناز نینه پیغله‌چی په ښایست او سینګار ، کی‌یی ساری نه درلود د موسیقی له څپو سره په داسی کـرشمو ر-قصیدله چی له شریف څخه یی دخو لحظو

بیابه یی خپلی معشوقی دموس
متناسب پخپلو غیږوکی رقص
دشرابو جامونه په خولوکی
تیره بیاهغه خوان چی شریف
پری‌کړی‌وو دهوسبازیو په
لاهوسوی وو چی جامونه یی
کول .

دشریف له سره سرو لاړ
یی دسالون ودننه ته کتل ،س
کلیوالی ذهن یی له‌بی‌حیایی س
خود محفل دآسمانی‌مستیوپه‌څپ
سوی وه چـــه د ځـــوانانو
له هغه معتبر ځـــوان سره
ګـــومـــان پـــری کـــړی و
خیالی مسابقه کوله کله یی د
غابونه تشول اوکله یی‌له‌پیغلو
کولی • په هغه حساسه لحظ

دډیری ښکلی او ګلالی پیغل
«ډاکتر» له غاړی څخه ایسته
خپلی غیږی ته نژدی کوله ،د
کش سو او ځوبی آهنګه ږغونو

وخیالونو نځاګانی له ذهن څخ
تخته ولویدمنګ‌غوندی‌سترګی
سر ته یی څو پولیسان ولیدل
کی چی له خولی څخه یی نر
وتی په‌زحمت‌له‌مځکی‌څخه‌راپورت
له قهره ډکو سوالونو ته‌یی
ووایه :

-صاحب ډاکتر صاحب می‌پ
-کم ډاکتر صاحب ؟
- هغه ډاکتر صاحب چی
هغه اوږده مـوټر کـی راغـ
مـــامور چـــی دوزیـــ
دشخصی موټر وخواته دشریف
سمدستی‌یی دهغه په تلاشی
وکړه او نورو خارندویانو ت

جملی وویلی‌چی دشریف‌پرسیا
کاوه •دشریف په جب کی‌یی
اوبیایی بل خارندوی ته امر
دهغه لاسونه شاته واړوی •
هر څه عذر او زاری وکړی‌هیڅ
دومره وپوهیدی چی په دغه او

ى اشاره وکړه چى «مجرم»
؟
په مود بانه اما جدى لهجه

ړى دلته منتظروو چى تاسى
راوړى اوبيا ....
کاوه چى دخارندوى په مخ
رات پښ کړىنويى په نيولى
:

تلاشى کړ،دغه چاقوورسره
دىى درلود .
کلمى داوريدلو سره دوزير
شوه ، دشريف قواره يىله
پورىپهاهانت سره ترنظر
داسى حال کىچىپه سترگواو
رعونى غرور ښکاره
تهامروکړ: محبس ته يى بوزه.
ځم دسوء قصد په مانانه
ورته معلومه شوه چى
ه ده ځکه يىنوپه ټوله لارکى
و سره ثابتول چى مانديىنهيى
ا له دغه ډاکتر څخه ددوا
دلته راغلى وو خوچايى پر
رنه نيواو په وهلووهلو يى
.

ته کله چى شريف دزندان
ى وديوال ته تکيه کړ يوه
خه يى دزولانى کړى ايسته
خلاصه شوه او رحيم دځو
ى کوټى ته داخل شو .
ف همسايه او انډيوال وو
حيران سو ، پر ځاى
ريدخوده‌ئريوه غمگين روغبړ
ل کونج کى کښيناست اوله
ښتنه وکړه :
ه يى؟ ولى،پرځه باندى

يسو تروهلو لاندى يىټول
، په زحمت يى دابل اړخ
وى ويل :
ينه ورزه زه به بيا خپله
خوچىخارندوىموپه خبروونه
ه يى راوستلى ؟
هاواوږد اسويلى ترايستلو
خو سردار خان دماما گى

امید درلودچى ده ته‌به دده دماندينى دسلامتيا اوديوه ښکلى ځوى دزيږيږويږى وركړى . خورحيم ژړغونى غوندى سوسريى کښته وا-چاوه او ځه‌يى ونه ويل ، شريف په چيغوچيغو وويل :ووايه څه پيښه ده، زما ښځه څنگه سوه ؟

رحيم سررا پورته کړ کله چى يى له‌خپلو سترگو څخه او ښکى پاکولى وى ويل:

ورورره مرگ حقه پياله ده، خداى دىو وبخښى ښځه دى پنځه ورځىتر مخه مړه شوه، تاته خداى زوى درکړ اواوس زموږ کره‌دى .

دشريف پرتوره ژيره باندى اوښکى لارى -لارى وبهيدلى . انالله وانا اليه راجعون يې وواېه اوله رحيم څخه يى پوښتنه وکړه :

-گورو کفن يى څنگه‌شو ؟

-هغه کارونه ټول مااو عمر جان وکړه.

-خداى دى خيردرکى ،خلکو ،به‌ويل چى شريف چيرى دى ؟

-خلکو به‌ويل يانه‌ويل‌خوسر دارخان داسى آوازه اچولى وه چى شريف‌دخپلى ښځىدگورو کفنى له تاوان څخه تښتيدلى دى .

شريف ددىخبرىپه‌اوريدوسره نينى غوندى کباب سو، مخ‌يى سوراوشين واوښت اودپخى ځوانى غرور يى و خروښيدى خوځکه چىله سردار خان او هغه (ډاکتر) څخه دانتقام اخستلو آتشين احساسى يى په زولنوکىبندوو نوله ډيره درده يى خپلى گوتى تر هغه وخته پورى په غاښو کىو چيچلى څوچى وينى ترينه توى شوى او بيا رحيم په زوره دهغه لاسى له خولى څخه ليرى کړ .

اودهغه لاسى له خولى څخه سرى کړ

دبنديخانى په اوږدو شپو اوورځوکى شريف دکلى دخان (سردار خان)دزوراوظلم بيانونه او هم‌دهغه نازولى سړى دناځوانى قصه چى ده د (ډاکتر) گومان پرکړى وو او دهغه په امر په دغه مصيبت اخته شو، هر چاته کول او هر وخت به يى ديوه ساړه اسويلى سره يو ځاى دا خبره تکرار ول چى : له هيچا نيکى مه غواړه په تير بياله‌اويانو څخه نورو بنديان چى اکثره وخت به پرده باندى راگزيدلىوه‌او دزړه خواله به‌يى کوله ، له هغه څخه به‌يى دهغه (ډاکتر) دنامه او چوکى پوښتنه کول خو شريف به‌په افسوسى سره ويل: نوم‌مىيى نه‌دى زده خو خارندو يانو به صاحب صاحب ورته ويل اما څه فايده که مىيى نوم زده‌وى يازه نه وى ، څه به کولاى شو ؟

پاتى په ٦٣ مخ کى



گزارش از : ر . دریا

ازیك سینمای بدآموز شکلی روان به‌سوی:

سینمای پرمحتوای، واقعیت گراوانسانی

آ شنا شویم

وکیل وا حدی تحصیلات خود را در رشته اقتصاد تو لید فلم های هنری سینمایی و تلویزیونی به در جه ماستری دراتحادشوروی به پایان ر سانیده و مدت ۹ سال می‌گذ رد که در امور پرو دکشن فلم های مستندوهنری افغان فلم عملا فعالیت دارد .

انگیزه این گفت وشنود باوی که خواننده را در جریان ا مور تولید و تو رید فلم در کشور قرار داده و مو قف هنر هفتم را د ر گذشته و حال می شناسا ند با دید و اندیشه می باشد واحدی اکنون به سمت مدیر تو لید در ریاست افغان فلم مصروف خدمت ا ست و در این روزها پرودکشن منیجر فلم هنری اختر مسخره نیز می باشد که سنار یـــوی آن از ر هنورد زریاب و کار گر دان فـــلم انجنیر لطیف میباشد ، اخترمسخره نخستین محصول مشترك افغان فلم و تلو یزیون‌است که به منظور شر کت در یك فستیوال‌جهانی تهیه می گردد واز این روی امورپرو دکشن آن نیز کاری است مشکل که با اتکابه‌تجارب واحدی این مشکل به عهده وی گذاشته شده است .

* با اعمار استود یوی جدید ا فغان فلم که به کمك ا قتصادی و فنی کشور د و ست [ا]تحاد شوروی صورت می گیرد تمام مشکلات فعلی سینمای تو لیدی ما ر فع می گردد .

* * *

* بعد از مرحله جدید تکاملی انقلاب‌شکوهمند ثور سه فلم داکومنتری ونیمه‌هنری [ا]فغانی توانسته است درفستیوال های جهانی شرکت وا متیازاتی را کسب کند .

* * *

واحدی مردی صمیمی ، آگاه و پر تلا ش
ست که تمام تنبلی را که به خاطـــرلکنت
بان در سخن گفتن دارد ، میکوشد در عمـل
بران کند واز این روی فعالیتی گستر د ه
ارد و چند تربوز را به یك دست‌برمیدارد،

سینما باشد به مشکل قبول میکند و آنگاه هم‌که می پذیرد شرط می گـذارد که مد ت مصاحبه کوتاه باشد ، طرح سوالات وپرسش ها کم و قضاوت در مسایل نیز آزادوبی‌پرده که برای جلوگیری از فرار وی بـه عنـــوان اجتناب به پاسخگو یی ، می پر دازم به‌طرح

جوابزی را بر باید یا خیر ؟

* بعـــد از پیروزی انقـلاب سترگ ثـور بخصوص مر حله نو ین تکا ملی آن فلـــم داکومنتری « انقلاب در روند تکا مـــل» در فستیوال «کارلی وال» کشـــور چکـوسلواکیا شرکت داده شد که جایزه دیپلوم را ر بود وبرخی از کشور های مترقی نیز خوا ستار کاپی های آن برای به نمایش گذاشتن د ر تلویز یون های خود گردیدند ، « نیکوکاری انجامی ندارد » دو مین محصول نیمه هنـــری افغان فلم بود که تـــوانست در فیستیـــوال پوتبند در میان سا خته های بیش از چهـــل کشور حایز در جه دو م گردد و ر با بـــنده مدال نقره که موفقیت بود چشم گیر و بـــا ارزش .

وبالاخر « تجاوز متوقف » سو مین محصول بود از کشور ما که به فیستیوال لیز یك شرکت جست و مو رد تو جه بسیار قـــرا ر گرفت .

* بدون شك سا خته های سینمایی کشورما از نظر فورم ، ارائه و تکتیك کار نـــوا قص فراوان دارد که تازه پابودن و عدم تجر به کافی پر سونل و مو جود نبودن و سا یـــل کافی از عمده علل آن به شمار می آ ید و به همین د لیل هیچ یك از محصولات سینمای ما شاید نتواند در یك استندرد جهانی به ر قابت بر خیزد ، در این صورت این جوا یز بـــر اساس چگونه ار زش گذاری ها و معیار ها و ضوابطی به فلم‌هایی که شماازآن نام بردید

القاء میکند ، ما در فستیو
مترقی جهان شر کت جسته
ها هر گز پایه بر رسی و
به یك اثرهنری سینمایی
نمی‌دهند ، چه ممکن است
اما فلم انسانی بسازد و ع
عمده فلم هایی که بعد از
مرحلهٔ تکاملی آن در کشور
این بوده که همه باز تابی
درونی کشور ما محسوب
توانسته است دید ریالستی
هنر هفتم ما راه د هد که
باتوجهی که به هنر و فر
گردد فلم های بهتر و ار ز
ما تو لید خواهد شد .

* در این اواخر شما هم
سینمایی سفری به اتحاد
می‌توانید بگویید ره آورد
وآیا در این سفر عقد نامه
بتواند شگوفایی سینمای ما
نیز به عمل آ مده است یا

... هدف عمده از این س
حکیم خلیق ر ئیس بخش س
اتحادیه هنر مندان و معاون
چنین عضویت محمود نوری
صورت گرفت بیشتر آ شنا
ازبك فلم وتاجیك فلم اتح
امکـانات دوبلـه فلم های
دری و پشتو و هم چنین ا نت
فلم هنری برای نمایش در س
بود وشاید برای شما جالب
که به انگیزه دو ستی د یرین
میان دوکشور پذیرایی از
تمام مراحل آن چنان گرم ،
آلایش بود که تقریبا گام ها
برآوردن خواست هایی که ه
میداد بر داشته شد و از ای
مشکلی رو برو نشدیم .

* چند بر نامه فلم برای
کشور ما به انتخاب گر فتید

* مادر مجموع ۲٤ فلم را
آن شمار یازده بر نامه آ نرا
تماشاگر ما سود مند و جا
انتخاب کردیم که به اساس
واحد قرار داد این فلم ها
یکی از ز بان های دری ،



صحنه یی از بخش شب جمعه نخستین محصول مستقل هنری فلم روزکاران افغان فلم

**بعد از این سینمای افغانستان سینمای خواهد بود انسانی، واقعیت
با محتوی درسطح باز تابی زندگی جامعه ما.**

* * *

**تحادیه هنر مندا ن وبالخصوص بخش سینماتو گرافی آن تمام زمینه
رشد وباروری هنرسینما را درکشور مافرا هم آورده است.**

* * *

**پلان عملیاتی سال ۱۳۵۹ تا اندازه ای زیاد بیشتر از سطح پیش
شده آن، به عمل پیاده گردید.**

• • •

سخ وا قعیت های عینی به نو عی
ز رومانتیزم سینمایی پناه جو یی
که در شرایط ما برای جوانان
ز بود ، اکنون شما در انتخاب های
معیار هایی دارید و ضوا بطی و با
ه اینکه بیننده بد آ موز شده وعلاقمند
های عاشقانه و رو یایی به زودی
تماشای این گو نه فلم هارا از دست

ذهنیت گرایی بیمارگونه و شکل های متنوع فاقد ار زش را ستین هنری در همه ا بعادخود حمایه می گردید ، ا ما از هنر مر د می خبری نبود و سینما هم جز این نمیتوانست سرنوشتی داشته باشد ، به همین جهت آنچه روی پرده های سینما کشیده می شد جز نماد هایی به خواست و فایده طبقات استثمار- کننده نبود ، اما بعد از پیروزی انقلاب

افغان فلم در امور مربوط به ... های شان گرانتر از آن است ... کشور های دیگر با آنها معامله میگردد ... شما دراین مورد چیست ؟

نظر شخصی من در این زمینه این ... که این مؤسسات باید تشویق شوند مؤ... افغان فلم نیز همین آرزو را دارد و بر ... اساس در مقرره جدیدی که مراحل نها... آن طی میگردد قیمت اجرت سا مان و ... تخنیکی و هم چنان حق الزحمه پرس... مسلکی خود را پائین آورده است تا ف... پرود کشن های شخصی ارزان تر تمام ... اما دراین مورد که این پرود کشن ... تاچه حد میتوانند پلان های خود را د... کار های سینمایی مو فقانه به انجام آو... مربوط است به اینکه دورهٔ فلم برداری ... چگونه پلان نمایند ، این پرود کشن ... حال حاضر کمبود وسایل تخنیکی ... مساله دیگری که در مورد چگو نگی ... برود کشن های شخصی چه در داخ... خارج مطرح میباشد این است که این ... مؤسسا ت چنانکه در برخی از کشور ... دیگر مانند آلمان غرب ، فرانسه و ایت... ... دارد هنر و تخنیك را از هـ... جدا می کنند ، مثلا از سا ختن دیکو... منصرف میشوند واز منازل استفاده ... که در تجربه چنین روشی در رشد ه... سینما تو گرافی مؤثر نمیباشد .

اما ما نه تنها با مو جودیت پر... های شخصی هیچ مخالفتی ندا ریم ... ها را بازوی توانای خود در انکشاف ... همگانی میدانیم ، چه بهتر که در پ... ارگان های دو لتی سینمایی کشور ... تعدادیگر ازهموطنان شریف ماکه هد... رشد وباروری هنر سینما در کشو... با تو لید فلم های هنری با محتو... تولید را دراین زمینه بلند ببرند و ... ما آگاهی و باروری ذهنی دهند .

در شرایط کنو نی افغان فلم ... کمبود و سایل از یکسو ووظایف ... انقلابی که درامور تهیه فلم های داکو م... اخباری و در نهایت هنری دارد از سو... کمتر از آرزوی خود میتواند به ای... پرودکشن ها کمك کند چه این مؤس... فاقد وسایل و ابزار مورد نیاز در ... تولید میباشند و رفع این نیاز مندی ... افغان فلم به عهده دارد در حالیکه ... های دیگر پرودکشن های شخصی پیش...

کند . این است پرنسیبی که ما از آن پیروی می کنیم .

* باتوجه به اینکه استودیوی موجود افغان فلم بیش از آنکه یك استدیوی هنری باشد استود یویی است که و سایل آن برای پرودکشن های مستند و خبری ا ست واینکه پلان سا ل ۱۳۵۹ نیز به مقا یسه گذشته و سیعتر در نظر گر فته شده بود آیا شما توانستید پلان تولیدی خود را در عمل پیاده کنید ؟

... بلی ، خوشبختانه افغان فلم در سال گذشته فعا لیتی بیشتر از آ نچه دا شت که درپلان کار پیش بینی شده بود به عنوان مثال به جای یك فلم هنری که در پلان داشتیم دو فلم هنری مر بوط به پرو د کشن های شخصی یعنی «جنایتکاران» و « خانه ۵۵۵» را تکمیل نمودیم ، ما باید د وازده بر نامه فلم داکومنتری و نیمه هنری تولید می کردیم که تعداد آنرا به چهارده برنامه رساندیم وهم چنین به جای ۲٤ فلم ا خباری سی ویك برنامه را تکمیل کردیم .



مع مترقی مردان و زنـا ن ازحقوق خوب تقاعد برخور داربوده
خوبی ازافراد ازهنگام‌جوانی تاپیری وارسی می کنند.

زنان بحیث یک قوه فعال در پیشرفت جوامع

رسول : یوسفزی

در کشور ها ی سوسیا لستی‌ورژیم های مترقی تساوی حقو ق‌زن بامرد به حیث یك شر ط اسا سی‌برای تامین عدالت اجتماعی‌محسوب **میگردد.**

• • •

با انقلاب ثور و مر حله نو ین تکاملی آن زمینه شر کت‌وسیع‌زنان افغانی در عمرا ن مجدد جا معه فراهم شده است .

• • •

بخاطر همین است که در تحت‌رژیم ثور است تساوی حقو ق و مکلفیت

اکنون نزد همگان ر و شن
ست که نمیتوا ن مسا یـل
جهان کنو نی را بدو ن‌کمك
بری فعالا نه نیـم نفـو س
حل کرد. آری شر کـت
زنا ن در امور مختلف‌اجتماع
ط لازمی برای نیل بهرگونه

ت سیا سی ، اقتصاد ی ،
ی و کلتور ی محسو ب مـی
ر قبا ل این حقیقت است‌که
تساوی حقو ق زن بامرد نه
کشور های دارا ی رژیم‌های
لستی ومتر قی به حیث امر

تحقق عدا لت اجتما عی‌بشمار
بلکه به حیث یك ضرور ت
جتما عی نیز تلقی می شود .
ب نشان داده‌است که تامین

برای شرکت وسیع زنا ن‌در
ختلف اجتما عی دریك جا معه
به حیث نخستین گا م در
ذار ازتساوی‌دی‌ژور و قانو نی

تازه وفر صت ها ی بی سا بقـه برای زنان کشور بدو ن در نظـر داشت هر گو نه تبعیض جهـت سهمگیر ی در عمرا ن مجدد ملـی فراهم گردیده ونقش زنان در یـن مقطع حساس زما نی که انقلا ب‌ملی ودموکرا تیك ما وارد مر حله حساس خویش گردیده بیش از هر و قت دیگر کسب اهمیت نموده است .

آری این مادرا ن وزنا ن اند که در پهلو ی سایر اقشار زحمتکش مسئوولیت بزرگ و خطیر در تربیه نسل آینده ودفا ع از دست آورد های انقلاب درین مر حله مهم تاریخ بعهده دارند.

دولت جمهور ی دمو کرا تیـك افغانستان طی اولین اقـدا ما ت انقلابی خویش با صدور فرا میـن انقلابی و تصو یب اصو ل‌اسا سی جمهور ی دموکرا تیك افغا نستا ن تامین تساوی حقوق زنان‌رابا مردان تائید کرده است .

اصول اساسی جمهور ی‌دمـو-کراتیك افغانستا ن‌که از دست آورد های مر حله نو ین تکا مل انقلا ب

ها در کسب تعلیم و تر بیه
حوائج ضرور ی اجتما عی در نظ
گرفته است .

دراثر مشی انقلابی‌دولت‌جمهو
دموکراتیك افغـا نستان است
زنان ا فغـا نی نقش تـا ر یخ
رادر اعمار جامعه نوین فا قـ
استثمار فرد از فرد که از اه
ستر گ دو لت انقلا بی ما اس
ایفا مـی‌کنند و دولت شرا
لازم رابرا ی آنها میسر ‌
به طور یکه مادرا ن صا حب
نیز بتوانند کار را با وظیفه م
ترکیب وهر دوراطور موفق آمی
پیش ببرند . بادرنظر داشت
غایه‌است که‌تحت‌رژیم‌های مترقی
های‌مالی‌متعددی به‌زنان در پیش
وظایف محوله چه‌به‌حیث کار
به حیث مادر صور ت گرفته
سیسا ت متعدد تعلیمی و تر بی
مراکز حما یه طفل و مادر ، شی
خوار گاه ها و کود کستا ن
منظور ایجاد تسهیلات برای ز
تاسیس گر دیده است .

در جمهور ی دمو کرا تیك
نستان همه مسا عی جد ی و
برای توسیع شر کت فعا لانه
در امور جامعه بعمل آمده و تس
ت‌بی سابقه برای زنان میهن
پیشبرد ووظا یف گو نه گـ
اجتماعی فرا هم شده است

ببر ك کار مل منشی عمو
کمیته مرکزی حزب دمو کرا
خلق افغانستان رئیس شـو
انقلابی وصدرا عظم جمهور ی
کراتیـك افغانستان طی بیا
ا ر زشمند و ا نقـلا بی
در کنفرانس سر تا سر ی ز
جمهور ی دمو کرا تیك افغا
درسال گذشته در مورد نقش
در اعمار جامعه نوین چنین گ
، ((ما در حالیکه با پیگیر
جدیت تمام به کار اعمار جا
نوین در سر زمین‌باستا نی
پرداخته ایم ، عقیده راسخ
که زنا ن زحمتکش کشور
شایسته خویش را در امر

...شتر خوا هد گردید واز
... ، کار مثمر وتو لید ی
...اسا سی تر ین شـر ط
... برابر ی زن با مردبه
...د . تنها از این طر یـق
... به‌وابستگی‌اقتصادی‌زنان
...ید ،برابـری کـا مـل
...ان در همهٔ عـر صه ها
... و زمینه شگو فا نـی
... ی شانرا فرا هم‌ساخت
...ومی کمیته مرکز ی‌حزب
...ك خلق افغانستان‌ضمـن
...همیتی که حز ب دمـو-
...ق افغانستا ن‌به نقش
... در دفا ع از دسـت

حیا ت اجتما عی افراد این کشور همراه است و دولت مرد می ما بر مواظبت های خاصی به منظوربهبود شرایط کار زنان صاحب شغل ،و مادران شیرده تا کید دارد و بـا اقدامات لازم درجهت حمـا یه از طفل و مادر و تقو یه جنبش دموکراتیك زنان در کشور دست زده است، که تشکیل کنفرا نس سر تا سری زنان جمهور ی دمو کراتیك افغانستان و تنظیم روز افزو ن‌زنان را در اتحاد یه ها وسا زما ن‌های مختلف اجتما عی ، فر هنگی و کار گری ثمره این اقدامات می تـوان شمرد.

درین جهت‌مبارزه می کند .

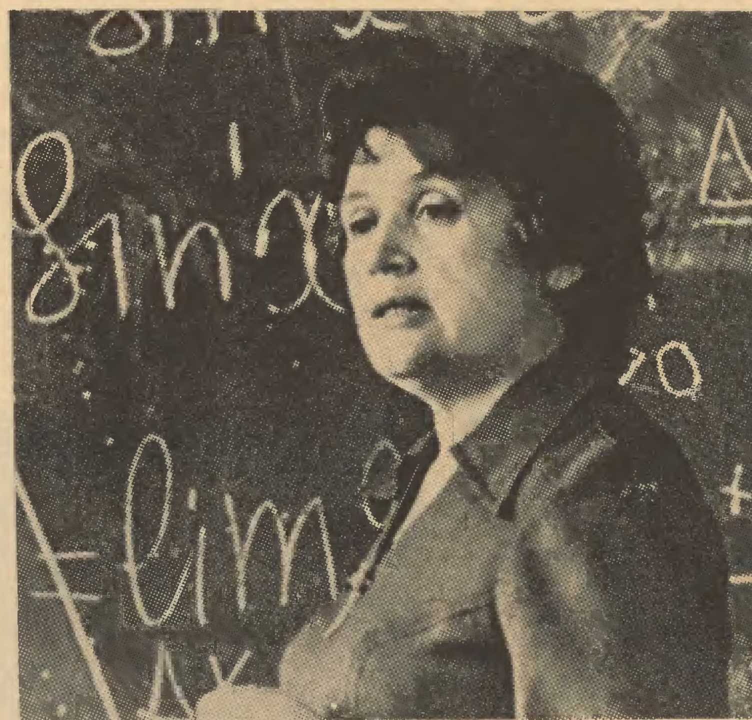
نظری به‌مو قف زنان دربعضـی کشور های دیگر.

زنا ن در کشور ها ی سو سیالستی از حقوق مساوی با مر دا ن بره خوردار اند و تسهیلا ت متعدد ی برای آن ها در عر صه ها ی‌مختلف حیا ت اجتما عی فرا هم میبا شد طور مثال در جمهوری مردم بلغاریا که تساوی کامل زن با مرد طـی نخستین اسنا د مهم حکـو متـی در (١٩٤٥) اعلام گردید زنا ن از تسهیلات و مزیت های خو بی در ساحا ت مختلف حیا ت بر خوردار اند . آنها بادر یافت مزد مساو ی بامزد مـردان بـرای عین کـا ر رخصتی های سا لانه با معاش دارند وهم دولت رخصتی های قبل و بعد از وضع حمل رابرا ی مـا درا ن منظور کرده است. زنان هنگـام عدم قابلیت مو قتی برای پیشبرد وظیفه محوله که نتیجه مریضـی تصادم ویا علت دیگر باشد ازکمك های مادی مستفید اند . زنا ن در بلغار یانه تنها از حقوق مساو ی بامردا ن بر خور دارند بلکـه از شرایط بهتر برای تقا عد نیزمنفعت می برند باین معنی که آنها مـی توانند دریك سن جوانتر و مد ت کار کمتر با عین معاش مردان‌تقاعد کنند .

بدون شك استخدا م وسیع‌زنان بلغاریا در جمیع سکتور هـا ی اقتصاد ملی این کشور و شر کت همه جانبه شان در کار ، مستقیما مربوط به فر صت شد برای کسـ... تعلیم وتربیه حر فو ی است که... این رهگذر هیچگو نه تبعیضــ... برابر زنان در بلغاریا موجود نیـ... وتعلیم وتر بیه مجا نی برا ی ... اتبا ع این کشور مسیر اسـت... نودونه فیصد زنا ن واجد شرا... رای دهی طور فعا ل در انتخا با... ایالتی ومحلی شر کت می کنند... سیاست این کشور در موردکشانیـ... زنان درسا حات منجمنت واد... نیز دوام دارد .

سیستم سو سیا لستی دربلغـ... یـك تـا ثیـر مثبت ... خـا نواده هـا نـیز گذ اشتـ... (نودو پنج) فیصد زنا ن شو هر... کار ومعاش دارند . درهشتادوشـ... فیصد خانواده ها ، زنان وشوهر... عواید خانواده را با رضا یت ه... تنظیم می‌کنند که‌بادر نظر داشـ... این امر زنان در بلغاریا نه تنـ... از لحاظ قانونی مساوی با مردا... شده بلکه درعمل نیز شریك مسا... آنها گردیده است .

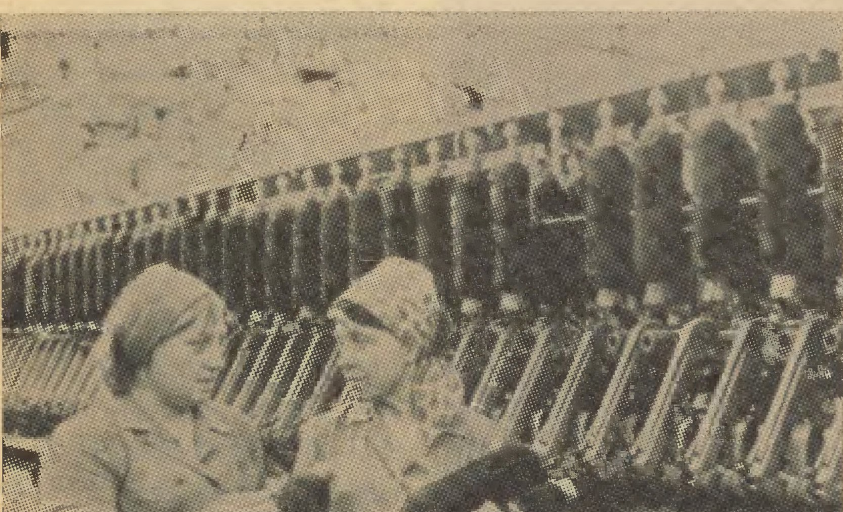
کذا در اتحاد شورو ی کو شـ... های فراوا ن برای شرکت‌روزافز... زنان در امور ملی و بین‌المللـ... صور ت می گیرد . یکی ازتسهیلا... خوب برای مادرا ن صا حب شـ... دراتحاد شوروی مو جودیت بیشـ... (...ر۱۲۰...) شیر خوار گـاه... کودکستان است که جمعا(چار ... ملیون طفل وکودك را برا ی مد... های طولانی در روز کـه مادرا...



...د دا کتران و معلمـان تعلیم وتربیه رادر اتحادشوروی‌زنان ... تشکیل میدهند. این زن معلم یـك مکتب است

...نقلاب ثور ومر حله‌نوین
...ت درکنفرانس سر تـا
... جمهو ر ی د مو -
...نستا ن خطا ب به زنان
...حزب به نقش شما زنان
...ع ازدست آورد ها ی
... ما ار ج وارزشی‌بزرگ
...امروز پدرا ن ،برادران
...و هرا ن شما از آرمان

کذا الغا ی‌مناسبات قر تـوت فیودالی وماقبل فیو دا لی وروا بط منحط اجتماعی که‌قبل از انقلا ب ثور در جامعه ما حکمفر ما بود و یکسر به نفع برتر ی مرد واسارت زن در قید مرد ورسو م نا درست اجتماعی می چر خید وزنان در بدل پول خرید وفروش می شد ند ، از زمره اقدامات نهایت سود مند ی



د ۱ : ژباړه

اضطراب او هیجان

.پورتنی کاپیوی خارجی غدود یو قسمت
یت ډیر بنست مومی ، تیموس غده‌کوچنی
ی‌او «... دغه دبدن عکس‌العملونه یوعمومی
ت لری •

په خاصو مواردوکی‌یوازی دانطباق دجریان
ت دی چی په عکس العملونو کی داختلاف
ب گرزی . کله‌چی‌دانطباق نظامونه‌په عادی
ه عمل کوی دغه شدت دعدم تعادل سره
اسب دی ، کولی شو چی دغه پدیدی‌دغه
دلاس دحرکت سره مقایسه کړو چی دیاد
ریان په مقابل کی دبیړی ځمځی وهلی ،
خومره چی باد دبیړی تګ لاری ته‌تغییر
کړی هغو سره باید ځمځی وهونکی د بیړی
سم تګ لپاره هلی خلی وکړی .

دغه پدیدی په لمړی سر کی متضادی‌ښکاری
په واقعیت سره باید ومنو چه دانطباق
یانونه دغریزی عکس‌العملونو له خوابرابر-
ری .• (دمثال په توګه دزړه منظم حرکت
ضلاتی ا و عروقی دستګاو عادی انقباض)
ریك اساس لری •

سر بیره دحرارتی‌انرژی ځخه‌له‌کا تالیزوری
نه هم استفاده کیږی چی همانه(انطباقی
وخت) دی • ددغ، «سوخت» عادل تراوسه
وری ندی پیژندل‌شوی •

لاکن ځنګه کولای‌شو چی‌دغه‌واقعیت توضیح
، وچه «روانی محض هیجانونه» په بدن‌کی
وشیمایی عکس العملونه مینځ ته‌راوړی چی
زیکی» پدیدی که تنکسونه سره (ساړه،
تواړه کموالی ، دتوان ځخه وتلی کارونه)
شان دی مخکی موږویل چی‌دهرفرداجتماعی
طباقی نظام دژوند یو لړ قواعد پخپل فکرکی
اتی که له دی جملی ځخه یو مروجی فرضیه
داخلی حافظی په باره کی ومنونو اتکل‌کولی.

کړو یعنی ددی کار لپاره باید همانغه انطباقی انرژی مصرف ته ورسیږی •

کله چی مونږ پیدا کیږو له خپلو (ژنو)سره یو اندازه «انطباقی سوخت» پیدا کوو ددغه سوخت اندازه په مختلفو افرادو کی فرق‌کوی لاکن دغه‌فرق ډیرلږوی، ددغه سوخت‌داخلیدل بدن ته دیوی مخصوصی مکانیسم تر دقیق کنترول لاندی وی چی طبیعت دهمدغه کار لپاره یی پیدا کړیده •

کولای‌شوچی‌دغه‌مکانیسم دیومعدنی خاسره چی پهمرتب ډول سکاره راکوی مقایسه‌کړو،

همدغسی د«انطباقی سوخت» مقدار په‌مختلفوهم وضعی نظامونو کی تقسیمږی او هغوی ته دا امکان ورکوی چی دبدن لازم «بیا جوړیدل»

ترسره کړی اودورژنی ژوند جنجالونه سره حل کړی ، پدی جال کی زمونږ وجود لکه یو ماشین دایم دامادہ باش په حال‌کی وی ، د«انطباقی سوخت» مصرف لږوی او د هغه

زیرمی ډیرو عادی ژوند لپاره کفایت نکوی •
اما زمونږ ژوندعموماددغی آیډه‌آل طرح په مخالف قطب کی واقع‌کیږی له دی کبله زمونږ

انطباقی نظام ځان د عدم تعادل سره مخامخ وینی او زمونږ دانطباقی سوخت زیرمی‌دبیرته عادي‌کیدلو وضعی دپاره کفایت نه کوی .
پدی حال‌کی دیو «خطرنشی» په‌وجودکی

ځان‌ښیی، ټول‌دانطباقی سوخت‌زیرمی دبحرانی نکتی خواته ځی ، دغه عمومی بسیج انسان‌ته داامکان‌ورکوی ترځوچی خارق‌العاده‌کارونه‌سرته

ورسوی او دیوی ناځاپی پیښی دتښتیدولپاره گرچې سپورت یې نه وی کړی کولی شي گروای گروای ځایونه توپ واچوی، یو هیجان وهونکی پوه هم خینې پیچلې مسئلې پهعمدغه شان سره حلوی .



متاسفانه ټول تغییرات چی
راځی له ځانه ځینی نښی نښان
ټول انطباقی انرژی په‌ضرررسی
مصرفیږی ، اماپه نورو ځایو ک

انطباقی انرژی به کندی سره
کار بدن زړوی او عادی کار قط
توګه فکری ستومانتیا کولی ش
اختلالات په قلبی عضلوکی پید
خپل وار سره بیوشیمایی تغی

راوړی چه دغه تغییرات دوین
ځینی تغییرات مینځ ته راوړی

کوم شی ندی‌خودقلب دجریان
کیږی ، داکتران ځینی لوی لو
واقعات وینی‌چی ورویسته‌دمعدی
سبب گرزی •

ددغی پدیدی ارتباط دانطبا
والی سره چی دهم وضعی نظ
یعنی هغه نظام چی دکوراش
(لکه چی ټول انطباقي انرژی
پرضد بسیج شوی وی) منتفی

ټول ضررونه بدن ته‌تاوان
ضررونه (چه پرو فیسوسلیه
پاتیولی وای) دردونه او کړا
راولی اوکله کله دشوك سبب

حالت‌کښی بدن نشی‌کولای چی
انرژی سره سره دعدم تعادل
تاوانونه چی‌شدت‌یی‌لږاوعمریی
له ټاکلی مودی نه مخکی زړوی
وړی .

صحیح دی چی دوخت دتیر
حیاتی انرژی چی‌له‌سخته نارو
دی یا شوك یی لیدلی دی بی
بدن همیشه ددغه اثر ځان سر

دوینی فشارونه ، دمعدی
ناروغتیاهریو په خپل وار سر
حسابیږی چی (بیرته والی)
تر څو پوری چی بدن ژوندی
ځانه سرم لری •

اماځینی نور مواردهم شته
ترین نتیجی هم مینځ ته راوا
چه‌که یوموجودچه بحرانی وض
کولی شی چه دډیرکوښښ ل
سوخت» تولید او ډیر کړی

دی نتیجی ته رسیږو چی

...قه ایکه از آن شعله

رانین نافذه دردولت هایسرمایه
جهت طولانی ساختن هر چه
وادار نمودن کارگران برای
کار روزانه وایجاد اجبار غیر
وادار نمودن کارگران ، برای
شتر ، ثقیل ترو مولد ترتدوین
لستان درسال ۱۳۴۹ میلادی
ن کار برای کارگران زراعتی،
نه از پنج صبح الی هفت شام
د (در قرن چاردهم انگلستان
کشور بود) باید متذکر شد
کام سرمایه داری تازه بهحیات

جشن اول ماه مــی ـ جشـــن
طبقهٔ کار گر بین المللی بخاطـ
و ترقی اجتماعی .

توان گفت ته درچنین بود لذا
هری که تاآنوقت امکانات کـار
رابه صورت مستقل داشتند به
ار این قیدبه اصطلاح قانونی
پس از آنکه نظام اقتصادی-
یه داری گسترش وانکشاف
ستقل ازکارگران وپیشه وران
ید و مجبور بودند مطابق میل
بان سرمایه عمل‌نمایند یعنی
چه بیشتر رژیم سرمایه داری
گی وقیود بدست وپای کارگران
و فقر ومسکنت گریبانگیرشان
بیشتر وابسته به ماشین وبردهٔ
شدند .
پهلوی تحمل دشورای های
ه از ماهیت واصول نظام‌سرمایه
سود از روی مجبوریت بین خود
سر بدست آوردن کار را براه
ا کار گران در صورت بیکار
به نیستی کامل بدهند (درآن
ا واتحادیه های کارگری برای
ـــع کارگران یاوجود نداشت
یار ضعیف بودند)موجود یت

آوردن سود بیشتر بکار های بلند تراز طاقت
شان میگمارد . تذکرداد. زنان وکودکان در
ابتدا حتی تانا وقت های شب بسود سرمایه
داران بکار گماشته میشدند • ستم استثماری
واجبار های متنوع سرمایه داران علیه طبقهٔ
زحمتکش کارگر سبب شد تاسنگر رزم میان
کارو سرمایه روز تاروز گرم ترو پر حادثه‌تر
شود • سرمایه داران با دیدن وضع انفجاری
که در آن بی گمان سرمایه داران به گورنیستی
سپرده میشوند دست بکار شده و دولت های
سرمایه داری که نمایندگان صاحبان سرمایه
هستند قدم بجلوگذاشته وبرای طویل ساختن
عمر جهنمی رژیم سرمایه و جلو گیری از
انفجار وضع باتدوین قوانین جدید مدت کار
روزانه را تا حدی محدود ساختند • در ین
زمینه اولین قانون محدودکنندهٔ مدت کارروزانه
درسال ۱۸۳۳ میلادیدر انگلستان تدوین شد،
به موجب این قانون مدت کار روزانه کار گران
از ساعت پنج ونیم صبح آغاز وتا ساعـــت
هشت ونیم شب ادامه مییافت وتنها یکنیم
ساعت ظهر برای صرف طعام چاشت وقت‌فارغ
برای شان موجود بوده وسیزده ونیم ساعت‌کار
متواتر . بادرك ومطالعهٔ آن قانون ظالمانـــه
هـــر کس مـی تـو ا نـد حدس بزندکه قبل
از این قانون عـــادلانـهٔ چـــه شرایط جهنمی
بر کارگـران و زحمتکشان حکومت می کرد
هکذا با مطالعهٔ این قانون میتوان به فطرت
وماهیت سرمایه دار و رژیم سرمایه داری به
خوبی پی برد • این قانون حرص و آزبی
پایان مالکان سرمایه‌رابرای کسب‌سود بیشتر
نمایان میسازد •
همان طوریکه قبلا نیز گفته شد در نتیجه
این شرایط جهنمی وطاقت فرسا و هـــم
چنان بار شد شعور سیاسی و تشکل کارگران
مبارزات صنفی وسیاسی طبقهٔ کارگر در هرکنج
وکنار جهان که رژیم سرمایه در آن حکومت
میکرد اوج وگسترش یافت • کارگران‌صنایع
شهر شیکا گوی ایالات متحده امریکا برای
محدود شدن مدت کار روزانه وایجاد تسهیلات
در شرایط کار ، در سال۱۸۶۶ میلادی بتاریخ
اول می دست به مظاهره ونمایشات زدندودر

عده ای از کارگران ، قهرمان و زحمتکش شده
وعده ای دگر شانرا نیز به زندان ها روانه
ساختند • بعد ها درسال ۱۸۸۹ دریك کانگرس
انترناسیو نال دوم که در پاریس مرکزکشور
فرانسه دایر شده بودطی فیصله ای مـدت
کار روزانه به هشت ساعت تقلیل داده شد•
هکذا در همین کانگرس فیصله بعمل آمدتاجهت
ارج گذاری به روحیهٔ رزمندگی کارگران قهرمان
و مبارز شهر شیکاگو و یا دبود از رزمندگی
شان روزاول‌میهرسال‌رابمثابه جشن‌همبستگی
وروز بین المللی طبقهٔ کارگر جهانی باجشن
هاو تظاهرات تجلیل گردد • از همان سال‌به
بعد روز اول می هرسال بمثابه روزهمبستگی
بین المللی کارگران جهان در هر گوشه وکنار
جهان بر گزار میگردد • درین روز علاوه از
یاد بوداز اعمان قهرمانانهٔ کارگران شیکا گو
ودیگر قهرمانان راه نجات انسان برای تامین
تشکل ووحدت طبقهٔ کارگر نیز عمل میشود •
باید متذ کر شد که مبارزات قهرمانانه
کارگران شیکاگو و هکذا دیگر مبارزین راه
نجات زحمتکشان هر گز به نتیجهٔ قطعی یعنی
ریشه‌کن ساختن استثمار و ستم طبقاتـــی
منتج نشد مگر بعداز آنکه کارگران وکلیه
زحمتکشان گردان پیش آهنگ خویش یعنی
حزب طبقهٔ کارگر را تشکیل کردند و تحت
رهبری آن با براه انداختن مبارزات متشکل،
علمی و انقلابی برای براندازی نظام فرتوتو
ظالمانهٔ سرمایه داری ونظام های ماقبل‌سرمایه
داری عمل نمودند . طلیعه پیروزی قاطع کار
برسرمایه همانا پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر
میباشد که تحت رهبری حزب قهرمان‌بلشویك
در روسیه تزاری درسال ۱۹۱۷ به پیروزی
رسید • ایدیالوژی پیشروعصر ما با پیروزی
انقلاب کبیر اکتوبر بمثابه مشعل رهنما در

فراز راه کارگران ودیگر زحمتکشان جها
افشانی نموده وسبب شدکه سیستم‌استع
سرمایه داری در هم شکند و مردمان
یکی پس از دیگری‌استقلال سیاسی واقتص
خویش رابدست آورند •
هکذا در تحت تاثیر انقلاب کبیر اک
مبارزات بی امان طبقهٔ کارگر سرمایه
مجبوربه پذیرفتن خواست های بر حـ
طبقهٔ کارگر منجمله محدود شدن مدت
روزانه در کشور هائیکه رژیم سرمایه
حاکم است ، گردید، درسال ۱۹۲۲ درن
کار وپیکار انقلابی‌زحمتکشان جهان وموج
کشور قدرتمند کارگران و دهقانان جهان
اتحاد شوروی ، محافل بورژوایی عده‌ای
کشور های جهان بامضای موافقت نامه
بین خویش که بنام «موافقیت نامهٔ واشنگ
یاد میشود ، مدت کار روزانه را هشت س
متقبل شدند •
در کشور محبوب ومرد خیز مابا پیر
انقلاب شکوهمند ثور وبخصوص مرحلهٔ
وتکاملی آن که قدرت حاکمه از دست ط
استثمار گر به طبقات زحمتکش واقشار
کراتیك انتقال یافت ، ستم سرمایه و ملا
نیز برای همیش رخت بربسته وطبقهٔ ک
جوان کشور امکانات همه جانبهٔ برای
پیکار انقلابی واعمار جامعهٔ نوین وبهروز
جشن اول ماه می روز همبستگی بین ال
طبقهٔ کارگر رادر کشور محبوب و قهرما
حالا باشکوه وجلال‌خاص‌درتحت درفش‌جمه
دموکراتیك افغانستان بشکل‌واقعی‌آن بر
می شود •
پیروزباد مرحله نوین انقلاب ثور، ا
مرحله نجات مردم، انقلاب ووطن، شکوهمن
اول می روزهمبستگی بین‌المللی‌کارگران‌جه

زندگی ساز

ای کارگر ! ای بزرگر
ای افتخار جاودان !
ای زندگی ساز جهان !
نیروی تو بالنده است
بازوی تو سازنده است
هرگزنمیگردد زوال
این قدرت بازوی تو

بیتو جهان ویران شود
این زندگی زندان شود
آن دشمن دیرینه ات
آن بای و خان
آن غاصبان
آن دیوانه استثمار تو

شگفتی های رنگ جها

استفاده از نسخه‌های ابن‌سینا

در طب معاصر

آیا طب معاصر می تواند از نسخه ا یکـه
قرن قبل توسط ابن سینای بزرگ‌نوشته
ده است استفاده کند ؟ البته نسخهٔ‌مذکور
وی پوست حیوانات نوشته شده‌که اکنون
پیوتر هر یك از تر کیبات د رون نسخه
عد تمام تر کیب را بد قت مورد آ زمایش
ار داده وجواب می دهد . اگر چه ا ین
سخه یکهزار سال قبل نوشته شده ا مـا
ی‌توان آنرا کهنه بحساب آ ورد .
دانشمندان لابر اتوار فار مکو لـوژ ی
ستیتوت خواص طبی نبا تا تیرا کـــه
جکستان از نگاه داشتن آن خیلی غنی می‌
شد مورد پژو هش خود قرار داده ا نـد.
نظر ابو علی سینا ازین نبا تات می‌توان
امور طبی استفادهٔ خیلی و سیع نمود.
تر کیب ۱۵۸ نسخه‌ایکه بمطالعهٔ کمپیوتر
ار داده شد در حدود ۲۰۰ نبات طبی‌شامل
ده و ماشین توانست ا همیت طبی ا کثر
ن نبا تات را واضح سازد .
به اساس تو صیهٔ ابو علی سینا از جمله
جزء مر کبهٔ یکی از نسخه های امراض



ابـوعلـی ابـن سینا

مرکباتی می باشد که تاثیرات مشابه را دارا
بودند . به این ترتیب اگر بدن در مقا بل
تاثیرات یکی ازین مرکبات بی تفاوت می‌بود
جزء مر کبهٔ دوم یاسوم حتما تاثیر خودرا

یك‌حیوان بی‌نظیر

اخیرا در ایالت ما گا دانسك (شمـــال
شرق شوروی) چوچهٔ هفت ماههٔ حیوا نـــی
باستانی بنام ما مونت کشف گردیده که در
بین هرمی از یخ به شکل اولیهٔ خودباقیمانده
بود .
دلچسپی به زندگی این حیوا نات‌نه‌تنها
در اتحاد شوروی بلکه در کشور های دیگر
نیز درین اواخر ا فزایش یا فته است ،
جاپانی ها ، انگلیسی ها ، فرا نسوی هــا
پروگرام سیاحت های خاصـــی راترتیب داده

ازین حیوان عظیم الجثه فلم
دربارهٔ علت ازبین رفتن این
روی زمین مباحثاتی را به را
مثلاً بعضی از دانشمندان عق
ماموت ها تا آخرین عدد در
گیر مانده واز بین رفته اند
می گویند این حیوا نات در
قسمت های از زمین مرده اند
اکثر این تعبیرات هیچگونه ا
نداشته واز واقعیت دور می ب

درازترین انسان قرن بیست

«گریستو فرگرینر» جوا ن بلنـد
قامت انگلیسی یك جفت کفش می
خواهد که نمره اش از پنجاه بیشتر
باشد و برای گرفتن اندازه های تن

باسکتبال دستم از همه
رسد و گول های زیادی
چرخه آواز لوله های ط

زین ترین انسان قرن ۲۰

۲۴۲ کیلو یی روزی یك
غذانمی خورد مگرسالی
و به‌وزنش ا ضا فه می

ك آری روز بروز هـــم
می شود جورج در هنگام
ی دوم وقتی به نیروی
یس پیوست جوانی لاغر
قدو استخوانی بودوزن

او٦٥کیلو بود، حالا جورج ٥٢ سال دارد و به رژیم غذایی اعتقادندا رد وی سالها است که در حالـــت ایستاده پاها یش را ندیده است‌دور کمراو ۱۸۰ سانتی است جـو ر ج عاشق سینه چاك فوتبال است.

ودرمیدان فو تبال جـــو کـــی مخصو ص به او گذاشته اند.

واقعیت‌های تاریخی

مان مر کزی جا سو سی‌ایالات
، تاریخ کودتا ها، مدا خلات
ی های سیاسی ا ست . ایـن
ه جریدهٔ ((ناتی سیـاش))
های خرابکارانه ادارهٔجاسوسی
ور های مختلف جهان واز آن
عنوان سا خته است .
طر نشان می سازد که سازمان
سی ا مریکا یکی از و سایـل
تجاوز گرانه ا میر یا لیستی
می باشد . این ساز مان‌درراه
ژیم های که به ذوق ا یـالات
می باشد بهر و سیلهٔ ممکـن
ستار ا نسان ها د ست می ـ

روز نامه یاد آور می شود این مو ضوع برای هیچکس پو شیده نیست که‌سی.آی.ای جنایات زیادی را مر تکب شده ا ست تـــا بتواند آزادی خلق ها ، تما میت ا رضی و حاکمیت ملی حکو مات را در هم بشکند . مثال های چلی ، ایران ، کانگو و انگو لا فراموش ناشدنی است .

روزنامه خاطر نشان می سازد درموزمبیق که جاسو سان سی. آی. ای با نـژادپرستان پریتوریا رابطهٔ نز دیك داشت بـــد نبـال از پا در آوردن ر ژیم متر قی و د موکراتیك وازهم گسستن د ست آورد های ا نقلا بی که راه سوسیالیستی را بر گزیده ا نـــد، تلاش های ز یادی کرده اند .

یك عدد عجیب

ز معـــلمیـــن پـــو هنتـــو ن

میشود یعنی دو رقم آخرین عدد اصلی دراول

عشق چیست

یك گزارش علمی جدید در باره کشش های عاشقانه

بدون اغراق هشتاد در صد اشعار وادبیات جهان در باره عشق است که البته همه‌اینها درباره عشق بین زن و مرد نیستند و لـــی قطعاتی نظیر رومئووژولیت یوسف وزلیخا ، شیرین و فر هاد ، وامق وعذرا و . . . . از ناب ترین نوشته ها واشعاری هستند که در ادبیات جهان راجع به عشق بین زن‌ومرد سروده شده و یا نوشته شده اند . با این ترتیب باید گفت که عشق یکی از قدیمی ـ ترین و در عین حال ز یباترین را بطـه‌ای است که ممکن است بین یك زن ومردبوجود بیاید و نکته خیلی عجیب در باره آن‌اینست که تا همین اواخر هیچکس سعی نکر ده‌بود پرده از راز ما هیت این احساس پرشکوه بردارد و به فهمد که چطور می شود که‌دو نفر عاشق می شود و دل به‌هم میبازنـــد و علل روانی و شیمیائی عشق چیست ؟

محققین در سال های اخیر تو جه خاصی نسبت به این مسئله نشان دادندومخصوصا انستیتوت روانشناسی لندن طی بیست سال گذشته در زمینه بر رسی روانی عشق‌مشغول تحقیق بوده است و نتایج این تحقیق بزودی در یك گزارش چهار صد صفحه‌ای منتشر خواهد شد .

این تحقیقات از همان ابتدائی ا مر ز یـر نظریك زن و شـــوهر که خودبه راستـــی عاشق یك دیگر ند وهر دو داکترروانشناسی می‌باشند شروع شد . این زن و شو هـــر ((گن ودیوید ویلسون)) نـــام دا ر نـــد در گفتگوی که با این زن و شو هرصورت گرفت این طور بیان داشتند .

اولین قد می که به سوی عشق وعاشقی برداشته می شود ((کشش)) استوحرکات چشم و طرز نگاه صورت (اشاره ها)اولین رابطه را بین یك زن و مرد به و جود می‌ـ آورند مردمك چشم ما و قتی با شخصی‌جالب توجهی مواجه می شویم ا تساع پیدا میکند. بزاق بیشتری پیدا می کند ذهن ا نسان در این لحظات با هوش تر می شود ویك حالت غمی وشادی که توءم با ارزش شم

مرد می‌کند و برای این کار از ضوابطو
ها ئی که به طور طبیعی در نهادش
دارد استفاده می نماید واگر او را وا
شرایطی که برای شو هر آ ینده اش

کرده است تشخیص داد قدم بعدی را بر
دارد و باجرات بیشتری خود را به طو
عشق می زند .

البته نباید تصور کنید ار زیابی د خ
مدتها وقت می گیرد . او این ارزیاب
فقط در عرض چند ثانیه پس ازان که نـ
معنی دار بین او و پسری رد و بدل ش
انجام مید هد به هر حال اگر نتیجه ارز
مثبت بود قدم بعدی که آ شنائی بیشتر
خود به خود بر داشته می شود . بر
نشان داده است که اعمال غریزی ا
در این مرحله همیشه به نوعی استد
منطقی ا ست (منطقی از نظر خو د ش
این ارزش یابی و قتی مورد تائید غرای
ونهاد د ختر قرار می گیرد که لا اقل
در صد از شرایط پسر مورد نظررابا‌امک
روانی وامیال خود قابل تطبیق تشخیص
تجربه ثابت کرده است که نگا هدا ش
جانب احتیاط در ابراز علاقه ای که در
شخص پیدا شده است موجب می گرد
ین عشق پخته و کا مل بشود و سا
متمادی دوام بیاورد به این ترتیب به
ها و پسر ها واقعا تو صیه میشود که
جاده عشق با تمام شکوه و جلالی که
خیلی تند نرانند وهم چنان به عشق
نوجوانی تن در نه د هند و بهتر است
«ارزش یابی» عشق در نگاه اول کمی
حوصله بخرچ د هند گا هی او لین ف
اولین ا حساس بهترین فکر و ا حس
نیست .

اهمیت عشق برای مرد ها خیلی بیش
زن ها است . در یك مصا حبه که باگ
از د ختران انجام شدوقتی از د ختر
پرسیده شد که اگرمردی واجـــد ویژ
مالی و فزیکی مورد نظر شما با شد و

هنر و مر د

د ا.ا ژباړه

بار توك بلا د مجارستان يو موسيقي پوه

« اى وطنه ، كه نن ونه پاڅيدى،
يواځى به دو مره مجال پيداكړى
دخپل قبر شناخته و ليكى ... »
ساندور پتوفى) .
دا د شاندور پتو فى آواز دى
به خوانيمر گ شاعر آواز چى
له شوره ډك سر يى دخپل
يځلى وطن، په‌خاطر په ميړانه
نده او دزړه ورو او انسان
ونكو ځوا نيمر گو شاعرا نو
پوشكين، لرمنتو ف، گار سيا
كا ، بتوف او با يرون په ليكو
يى خپل نوم دا بدى وياړ ، د
ريت د عظيمى اونه فنا كيدونكى
زنى په لړ كى و ليكه هو ، د
ندور پتو فى آواز ، دهغه شاعر
ز چى انسان ور باندى گرا ن ؤ،
سان اسيرو ل و رته ننگ
سيده، خپل ځان، خپل شعر،خپل
، خپل روان ، اوخپله وينه يى
پل مجارستان او بشريت د آزادى
عدالت په خاطر و بښندل او څه
ميړانه يى وبښندل .
كه شا ندرو پتو فى دشعر
س او دحماسى ترانو ناقو س د
دى د كاروا ن مخى ته ذطلا يى‌په
ه و شر نگاوه ، نو دا آواز،
جارستان د زړه ور ولس يوستر
سان پالونكى موسيقى پوه‌اوآزادى
ښتونكى مبارز ، بارتوك بلادخپله

په برخه كى رښتينگى لرى .

همدا و جه ده چى دارو پاديرو سترو مو سيقى پوهانو، لود ويك فون بتهو فن . شوبرت ،شومان ، چايكو فسكى ، شوپن، ليزت ، كورساكوف ، بورو دين ، او در ژاك د خپلو خپلو و لسو نو د فو لكلورپر بنسټ ډير عظيم شا هكار ونه او جاويدانه آثار منځ ته راوړى دى او له ځانه يى په ياد گار پريښى‌دى

اوداسم هغه كار دى چى د مجارستان ستر مو سيقى پوه بار توك بلاهم سر ته رسو لى دى. پدى معنى چى بار توك هڅه و كړه چى دمجارستان موسيقى دارڼيا د مو سيقى له معيار ونو سره برا بره كړى او داسى يى وروزى اوتلطيف يى كړى چى دخپل ولس او جهان دمو سيقى د گنجينى د شتمنى‌سبب شى .

هو ، دا كار بار توك بلا وكړ او په ډيره شايستگى سره يى وكړ . هغه بار توك بلا چى نه يواځى يى دمجارستان ولس سلمه كا ليزه نمانځى ، بلكه بشريت دهغه انسانى اوهنرى مقام ته سر ټيټوى‌اودرناوى يى كوى او په روان كال كى دنړى په سو يه د كنسر تونو په‌ترتيبولو، او دموسيقى د پرو گرا مو نو په اجراء كولو سره دهغه شخصيت او خلاق كار نمانځل كيږى .



بار توك بلا په ۱۹٤۳

بار توك بلادخپل ه
له پيل څخه دمجارستان
دفو لكلور نا پايه سر چين
شو او له همدى كبله ي
شتمن فولكلور پر بنسټ
دموسيقى دبشپړ ولو پ
وكړ . هغه دخيل يوه بل
زولتان كو دالى په ملگر
مجارستان كى يو لړ سفر
او دخپل هيواد له فو لك
موسيقى سره آشنا شو
دهمدغه ملگرى په مرستا
مو سيقى او فولكلور يك
ثبت كړه . زو لتان كو د



ك بلاله هنري خلاقيت څخه
هغه وروسته تر لومـړي
نګړي‌په پراخه پيمانه‌شهرت
وه .

وسته بيا بار توك بـلاد
كلو نو لپاره دبودا پسـت
ى په اكا ديمى كي دپيانو
انى شو . هغه درواني پيرى
ى يو زيات شمير آهنګونه
بستو نكو لپاره جوړ كړل.
تر پايه پورى دخلكـــو
او فولكلور يكي مو سيقى
دار پا تى شو او خپله مينه
يى ورسره ونبود له. هغه
ان داصلي او فولكلوريكى

دربنو دموند لو اوپيژندلو
خى هلى ځلى وكـړى او
بيا يى د ګاونډيو هيوادو
د شما لى هيوادو او تركى
ى په زده كړه او پيژندنه

. هغه ګاونډيو هيوادو ته
و كړل . هغه درومانيا پـه
يمو و ګرځيد او دسلوواك
انوى يى و ليدى اودتر كى
غرنيو خلكو او كوچيانو
نا شو .

لر ګيو د شا زاده» ،«خلاق
،« داوبو درايش مانى » او
ر آثاريى خورا زيات‌شهرت

ر توك موسيقى پوه ملګرى
ردا لى دهغه د آثارو په باب
چى نه د موسيقى او ر
ونه منتقدين ، بار تـــوك
نى په خير نه پيژنى چى‌اوه
رى خو دا دروازى دى‌قلفى
ى وى » د كودا لى دخبرو
ى‌چى دبار توك دمو سيقى
ټول خلك په ډيره سادګى
يد ل .

اما نړيوال د بار توك‌بلادوه
نى : بار توك ديوه هنرمنه
قى پوه په توكه : بار توك

بمناسبت صد مین سالگرد

انا پاولوا

قوی جاودان

ترجمه مهدی شفا

انا پاولوا ملاحت سحر آمیز این نام همردیف هنر عالی قرار گرفته در طول ز مان ا همیت خودراازدست نمی‌دهد . حر کات خارق العاده در رقص پاولوا برای معاصرین داستان های بیشماری در باره رمز هنر او بوجود می آورد .

زمانیکه از با لیرین سوال شـد شهرت آ فا قیش را در چه می بیند به سادگی پاسخ داد که«درصمیمیت به هنرش » . واقعا احساس واقعی وعمق پر معنی هنر او نشا نـهٔ آن پدیدهٔ هنری کلتور میهنی بود کـــه لازم می افتد از تعیین پوشکین ذکر کنیم« روح در حال پرواز است ».

مربی آموزشگاه‌تیاتری پیترسبورگ اناپاولوا از کودکی سعی می ورزید تاسنت های پر افتخار مکتب رقص کلاسیك روسی‌را جذب نموده‌تهداب پیشین را در صحنه های معا صر تطبیق کند . ز مانیکه این بالیرین در صحنه تیاتر مارینن می ر قصید همه غنای رقص کلاسیك را در ك کرد . منقدین آ وا نیکه هنر ر قص او را بر رسی می کردند نه تنهـا کمال تخنیك رقص او را بلکه‌خارق‌ـ العادگی نقش .اوج الهام سحرآسای سبك واستعداد او را در ترسیـم پلاستیك پانتو میم د را ما تیکـی ستایش می نمودند .

البته به دارندگان بسیاری ازین خواص ر قا صان آنوقته بود ند که واقعیت زیباشناسی را در طـو ل قرن نوزدهم دارابودند ، و لی‌بپایهٔ جهان بینی روا نی و هنری‌اناپاولوا نمی‌رسیدند . درتیوری او ایدیـال رومانتیك ترسیم شده ودررومانتیزم او شور روانی نهفته بود .

بالیرین تراژیدی شخصیت‌را به سرعت احساس نموده بطور جـبران ناپذیر آ هنگ را بصورت دلخراش باتضاد های اجتماع احساس‌مینمود. روش با لیرین بیشتر بمو ضوعا ت هنری اکترس دراموی ویرا کمیسار ژفسکایا همنوائی داشت .

استعداد هنر مند بر جسته مانند اناپاولوا در چهار چوب کهنــه ـ پرستان موافق نبود ، در سال۱۹۰۵ که جوان بود ولی به آ زادی
اشتیاق داشته بین کسانیکه
آرتیستان بالت را به عهده
درینمورد تقاضای زیادی تقـ

نمودند و بعد از شکست انقلا
روس پاولوا مانند فو کین و
به صحنه تیاتر محبوب‌شان‌بر
مدت زیادی در خارج سفر ن
آغاز جنگ جهانی اول بکلی ا
وطن جدا سا خت .

زندگی اناپاولوا در سفر
دور ودراز ی‌سپری شد.اوا
جهانی را حاصل نمود و لی
بالیرین از پرو پاگند هنر عالی
روسی مهمتر چیزی نبود . د
جائیکه بود در اروپا وامریکا،
وچین ، برما و هند ، مصروآس
همه جا دلچسپی به ر قص کا
پیدا کرد .

بعد از مسافرتش در بسـ
جاها ستود یو ها ، مکاتب وگر
بالت زیادی بو جود آ مده پاو
کوچکترین شهر ها و قرا به
رقص مصرف شده می خواس
هنرش اکثر مردم آشنـا شو
بالیرین میگفت « میخواهم برا
برقصم ...»

بقیه در صفحه ٦۰



ی غتی غتی خما ږ یسترگی
ا تو جه جلبوی . ور نژ دی
. ښه ور ته گورم . نه !اشتباه
ه کړی . سره ښښتی تو ری
ر وځی ، یی دی . جگه نری
چی چار گل یی پی ټو مبلی .
رمی گرد مخ او هسکه غاړه،
چاودی شونډی . له پیکی‌نه‌یی
خو ړند دی او توری اوږ دی
ی دمټو په اوږدوکی د مجنون
ه خیر راخوری دی .دتورکمیس
ن یی شکیدلی دی او زما نظر
خپلو تر کمیسه لا ندی ښکلا
ور کاږی .
داسی حال کی چی موسکی‌ده
مو سکیو شونډو د پاسه یی
ی ترخی‌خندا سیوری و ینم .
شا ته لری ، یوه توره زړه
ی ده . یو اوښ هلته لــــری
ی کین ا ړخ ته په گونډو دی
هرا شو خندو هی ، یوه بو ډی
ری تبی باندی‌ډو ډی پخو ی او
دی ښی ا ړخ ته ځو وزی گرځی
ه چی دو زو خوا ته د ولاړ غټ
ډی سپی نیت هغوی ته ښــــه
ی .
هو ، دا کوچی‌ده . زما خپلــه
ی ، زما دخپل وطن کوچی ، لکه
ه چو کاټ کی یی زړه تنگ
وی . بیا هم ما ته گوری اولکه
ست غواړی . زه ست ور ته‌کوم
را وو ځه چی را ووځه خبری
و کړو . زما هم زړه دلته‌تنگ
زه هم ستایو و طنوال پردیس
راته وایی :
"ه دلته څه کوی ؟
ځواب ور کوم:
ــ نه پوهیږم . دنیا لو یه ده،
م ستا په شان لا لهانده گرځم.
بیا هم ترخه موسکا. ډاریږی،
و شر میږی چی راووځی. له‌گڼه
خخه ډاریږی . ښایی هـــــم
لون‌له گڼه گوښی ځخه ډاریږی .
ښایی هم دسا لون تودو خه ،
گار د لو گیو او دو یسکی تند

ښکاری . هروار چی دخپلو شرابو
له جا مونو ځخه غړپونه و کړی نو
خپلی سری او له شهو ته ډ کــــی
شونډی په ډیر ظرافت سره پـــــه
سپینو دو سمالو پاکی کړی . ز ه
دکو چی لالهانده ستر گی و ینم‌چی
په تلوسه ، هغه کاغذی پاســــــته
دوسمالو نه ځاری ، چی دغه ښځی
یی وروسته دخپلو شونډوترپاکولو
هیسته په یوه ټوکری کی غورځوی.
زه هما غسی و لاړیم او دکو چی
ستر گو ته گورم . ورو پوښتنه تری
کوم :
ــ نوم دی څه دی ؟
په موسکا ا وشرم سره‌ځواب
راکوی :
ــ موسکا .
په سالو ن کی ټول نا ست‌او
ولاړ میلمانه ، ښځی او نارینه ،
ځوانا ن او پیغلی اوماشوما ن پــــه
بی غمی سره خبری کوی ، یو گورم
چی دیو ی ښکلی ښځی چی طلایی

وینی نو ژر تر ینه‌ښښتی او شپونکی
تر شونډو لاندی زمزمه کوی :
ــ د گودر هربو ټی دارو دی.
چی یی لگیږی د جنکیو پلونه ...
او په موسکا پسی منډه اخلی.
وینم چی دموسکا شونډی ر پیږی‌او
لکه چی له خو به پا څیــد لی وی
ژر ژر خپلی ستر گی رپوی . ددی
اوږده فکر مزی یی په سالون کی
دیوی مستی پیغلی کټ‌کټ او سند-
ریزه خندا ور پریکوی چی دیوه‌ځوان
په کومی خندنی خبره ، باندی داسی
بی دریغه خاندی .
موسکا ما ته گوری . لکه چــــی
پوښتنه کوی :
ــ څه چل دی ؟
زه هم نه پوهیږم . څه ځواب
ور ته نلر م . یو ځل بیا ست و رته
کوم :
ــ راوځه کنه !
دا وار لکه چی زړه وره شوی
وی ، په شرم شرم سره وررورو



«(آ) ته تقدیمیږی .» الف. الف

موسکا



وینښتان یی دی ، په غاړه کی لاس
اچوی اوخبری ورسره کوی . او
کله کله یی په اننگو باندی ښکل
کړی . په زړه کی وایم چی کاشکی
دغه صحنه موسکاونه وینی .خووینم
چی دموسکا پر تندی باندی دشر م
او حیا خو له‌ځلیږی.بله خوایوځلمی
وینم چی دیوی پیغلی په لنډوخرمایی
ځنو کی گو تی تیروی او ورو ورو
یی په غوږ کی دمینی سندری وایی.

رانژ دی کیږی . خپل چاودی او
خیرن لاسونه تر ټیکری لاندی‌پټوی.
له لا سونو ځخه یی دغو شیو سوړ
بوی‌لگیږی. چی‌هره‌خواستر گــــی
غړوی وینی چی دټولو ښځواونارینه
ؤ ځوانانو او پیغلو لا سونه تـــک
سپین ، پاك او عطر جن دی .له‌خپلو
خیرنو لا سونو ځخه سخته شر -
میږی .
هره‌خوا چی ستر گی غړ وی
وینی چی دټولو په لا سونو کــــی

دچا را ته پام دی که‌نه ؟
ځواب درکوم :
ــ داخار جیا ن دی .
نه پو هیږی. حق هم لری
ونه پوهیږی . دیوه اوږده
ترڅ کی یی مور د سفر په
د ښته کی ز یږو لی ده او
چی ځان پیژند لی دی ، و
ځوځانو ځخه ډك ډاگو نه ،
کمرونه ، سیندو نه او کږ
یی لید لی دی . توری کیږ
او ښانو کاروانو نه .
کو ښښ کوم چی ه
هوم . خوسر یی پدی خبره
صیږی . پوهیږم چی دا «
هم انسانان دی خو دهغوی
ولی ښکلی او پاك دی، و لی
نوی او پاکی دی ، و لی یی
اومخونه سره او سپین او
ولی یی دماشومانو لا سونه
او چاودی ندی ، و لی یی
جامی ندی په غاړه، ولی
سپین دی او په سل گونی
پوښتنی . . .
هر چا ته په ویره ویر
دښځو گا ټی چی تر چلچر
لاندی ځلیږی او دسپینو
غاړ کی او د ښکلولا سونو
زور بنگړی‌یی ستر گی و
ښځه ذات ده نو . په اول
ستر گی پر گاټو ښښلی .
ټولو ته وازه ختلی ده. پوښ
ــ بهر ته نه ځی ؟
ژر موا فقه کوی :
ــ دلته می سا بندیږ
چی ووځو !
غواړم چی له اتم پو
په لفت کی را کښته کړم
ور ننو ځو. دبد گمانی ښ
ستر گو کی وینم . خو زه
ورکوم :
ــ پدی « ماشیــن»
کو زیږو !
پوښتنه کوی :
ــ دا څه شی دی ؟
او تر هغو چی زه

ده . خیرنه پښه یــــی
لاندې چیته شویده .
ت‌نه را وځو او په بازار
. ار ت واړ دی چــــی
ه کتاریو په بل‌پسی‌روان
دواړو غاړو ته دنگی او
در ید لی دی اونیونی
گکو نه وهی . زه هځه
یی لولم :
« ستورو رستورا ن» ،
چرگ‌تیاتر» « مو لن‌روژ»
نیا» ،« دعلاء الدین‌خراغ»
بان » او ... او ...
کا له لاسه ټینګ نیو لی
ی چی و رك می کړ ی .
بینو او هیندارو له شانه
یرو نه سترگکو نه‌وهی.
لیږی او ټپیږی . رستو-
خلك دربو لی . سره‌کړی
ښیښو له شا نه په‌لوښو
ل شو یدی. او ز ه وینم
ډیری و لړی له ز و ر
ی تیروی . ..ځو گا مه
د سکس خونه ...
خو او بر بنډو ښځــــــو
اودمین دلالان .هځه‌کــوم
کا ستر گی پرهغو و نــه
حو بیا یی هم وینی او په
وم سره مخ هیسته ? ری
ته هم څه نه وایی . ښی
تیاره کوځه ده . وینم‌چی
پوری لوځی اوبر بنډ ی
ی دی‌کچه خنــدا و ی
پ و لی . داخل موسکا
ی او پو ښتی می :
ی د لته څه کوی ؟
وهیږم څه ځواب ور کړم.
هم ور ته نه شم ویلی .
سره وایم :
بدی ښځی دی ....
بیا دیږی :
ځل می له آبا سره‌کښته
» کی ښار ته تللی وم.
حی یی را ښو دلی وی او
ی یی و چی دا بدی ښځی

دی او دغ ونډیو په سرو نو او لمنو
باندی شلی (دلر گیو ماڼی) پر تی
دی . دغه کلی ډیر ښکلی او زړه
را ښکونکی دی .
پر ځنگلو نو او غونډیو باندی
نظر غړو م . موسکا می تر متی‌نیولی
ده . ددغو کلیو او غونډیو په با ب
خبری ورسره کوم . ځاځکی اور ی
اودموسکا په خپل تورټیکری کــی
ځان نغاړی او را ته وایی :
- یخ می کیږی . .
زه ډاډ ورکوم چی یوه تاوده
ځای ته به و لاړ شو او هلته بـــه
خوراك و کړو . هغه ما پوښتی :
- دلته هم نجو نی په زوره
و دیږی ؟
- یعنی څه ؟
- زه‌په تعجب سره پوښتنه ور-
څخه کوم .
ځواب راکوی :
- په موږ کو چیانو کی خورادود
دی چی یا به نجونی په وړکتوب کی
ورکوی او یا به یی په زور ودوی .
- عجیبه ده !
- و لی ، تا ته دی خپل ملك
ندی معلوم ؟
زه په بیړه موا فقه ور سره
کوم :
- همداسی ده ، خدایږو . زما
هڅو فکرنه و، همدا اوس‌زماانجلی
را ته ستر گی په لار نا سته ده .
موسکا را ته وایی :
- زه می هم پلار په وړکتوب
کی خپل تربور ته ور کړی یم ..

ښایی په لنډو ور ځو کی زموږ واده
وی ...
زما نظر بیا هم د لرگیو ما ڼــی،
خواره واره کلی او په شنو ځنگلونو
پټی غونډی ځانته ور کاږی خــــو
دموسکا په خبره سوچ کوم .داوخت
دلر گیو کورونه او ماڼی داسی راته
ښکاری لکه چی توری او خوری وری
کیږدی وی . ..
د آ لپ له څوکونه یوه سپین
بخنه لړه پردغو کلیو باندی خپره
ده . اوما ته داسی ترنظره را ځی‌چی
دکیږ دیو څخه لو گی پور ته وی.
دخپل هیواد د کو چیانو ژوند مــی
سترگو ته دریږی او تصور کوم چی
دا لو گی د هغو اوروټو څخه پورته
دی چی تر تبیو لاندی بلیږی اوډوډی
پخیږی . . په حسادت سره موسکا
پوښتم :
- سړی دی ښکلی دی ؟
تندی تریو کړی او ځــــواب
راکړی :
- دا سی ښکلی لکه د« آدم
درخو» په نکل کی آدم خان .
د سترگو له کنجه می ځاری
اوزما حسادت‌لکه‌چی خوند ور کوی.
او مو سکا دوام ور کوی :
- دنگه ونه ، توری ځنی، غټی
غټی ستر گی لیندی او گڼی وروځی
او خیا لی بشره .
ارت ټټر او کاږه بریت...
او زه د غه تصویر خپل ذهن
ته سپارم .
- څه نو میږی ؟

زه موسکا ، په‌څپه مری
هیجان سره پوښتم .
ځواب راکو ی :
- کجیر !
او زه یو ځل بیا په خپل ذ
کی د کجیر تصویر را ژ وندی کو
خو په همدی وخت کی وینم چــ
همدغه کجیر دیو ی کیږ دی خوا
ټوپك په لاس و لاړ دی . او زما
خوا ته ننبه نیسی . هیڅ نه پوهی
چی څه چل دی ؟ په تعجب سره‌و
چی موسکا زما لاس پریږ دی او
کیږ دیو خوا ته منډه اخلی. نه
هیږم چی څه نکل دی . دموسکا
په تور ټیکری کی ورو ورو لړی
کوچنی کیږی . مخ می ځوان کو
ته ا ړ وم . په همدی وخت کــــ
کو چی ډز را باندی کوی. دټو پل
شپیلی نه خړ لو گی پور ته کیږ
د ځوان کو چی د ټوپك ډز می را
سد کوی او چی مخ می بیر تــ
سالو ن ته ا ړ و م ، و ینم چــ
دموسکا ځیره په چو کاټ کی ر
موسکی مو سکی کیږی .

دننه په سالو ن کی د ښځ
نارینه وله شوره‌ډکی او سند ر
خنداوی خپری دی .
هلته یو پیشخــد مت د ش
میانی دنوی خلاص شوی بو تل
مری نه گوټ گوټ شراب تو
چی پر ملمنو یی وویشی...
برن - د۱۹۷۸ مارس
دگوم لیگین کلی .



پیوسته بگذشته:

بااتحادیه‌نویسندگان آسیا، افریقا آشناشوید





کامل‌باشن دراماتیست ونویسنده
ساندوست

انعقاد ششمین کنگره نشا نداد
نویسندگان آسیا ـ افر یقا در
ـار ی خلقها ی سراسر جهان و
در شناسایی فرهنگ و اد ب
سیا وافریقا موفق بوده اند ،آنها
ین جلسه ایما ن راسخ دا شتند
در آینده کار شا ن دل گر م‌کن
خواهد بود وباخوش بینی بـــه
ده کار ها ی شانرا دنبـــا ل
اهند نمود .

کار ششمین کنگره اتحا دیـــه
یسندگان آسیا ـ افریقا نشا ن
. که جها نیان متر قی تصمیـــم
رند باهم باشند . امروز نو یسندـ

جهان مارا وزند گی فر زندا ن‌آینده مارا تهدید میکند بایستی با خـبر شوندتا در مقابل این خطرا ت قد علم کنند ،پیش از آنکه‌خیلی دیـر بشود بشریت را از نابودی رها یی بخشند . این کار را نویسند گـان آسیا، افریقا بدرستی انجا م داده‌اند در آثار این نو یسند گا ن‌رهنمود های برای رسید ن به صلح جهانی وهشدار به جهان سرمایه‌آمده‌است.

در ششمین کنگره ادبا ی آسیاـ افریقا ، انتو نیو فرانکا عضوبوروی سیاسی حزب کارگر انگولا، کا میل یاشین رئیس کمیته تسا ند نو ـ یسندگان شورو ی بانو یسند گا ن آسیا ـ افریقا ، انترو ابر یومعاون رئیس اسامبله عمو می اتحاد یه نو یسندگان انگولا ، مانویـل رو ی مانتریو ، ابو سلما شا عر فلسطینی داکتر بهی شام سا هنی سکر تـر جنرال فدرا سیون نو یسند گـان مترقی هند ، ماریا اژنیا نتو شا عر ونویسنده انگولایی، البرتو ا گـو ستنهو نتو رئیس حزب کارگر (ام ـپـال ـآ) ورئیس جمهور انگو لا الکس لاگوما سکر تر جنرا ل‌انجمن نویسندگان آسیا ـ افریقا از کار کنگره وفعا لیت اتحادیه نویسندگان ابراز رضایت کردند وکار ایـــن نویسندگان را ستودند .

احزاب کمو نستی کشور ها ی مترقی ،احزا ب سوسیا لیستی‌کشور

نویسندگان آسیا ـ افریقا ابـرـاز داشتند :

مانو یسندگان آسیا ـ افر یـقا برای این گرد آمده ایم تا در اشاعه بهترین ایدال های انسا نها یکبار دیگر حرف بزنیم واز موقف انسان وانسانیت حر ف بزنیـــم و از آن دفاع‌نماییم . ما گرد آمده ایم تـــا برای تعمیم صلح جها نی بکو شیم مابا هم هستیم تا نقا ب از چهـره امپریالیزم ، صهیونیزم ،را سیز م کلونیا لیزم ونیو کلو نیا لیـزم و آپار تاید بیفگنیم و آنانرا رســوا نماییم .

ما از تحدید سلاح اتمی باامضای قرار داد سالت ۲جانبداری‌می‌نماییم امروز هر نویسنده ویا نقا شی به خواسته های اثری که آنراخلق‌کرده است باید از انسان و محیط اشـــ هوا داری کند وبداند که انسا ن امروزی به یقین به صلح و آرا مش نیاز دارد .

نویسندگان امروز ی بایستی‌رسالت هد فمندخویش را که حفا ظت انسان وانسانیت ودفا ع ازصلح‌است‌انجام بدهند از گفتار بی معنی بپر هیزند وعاقلانه بیند یشدند و قلم را در ابراز واقعیت هابه کار بگیر ند .

در جریان بیست سا ل گذ شته از شرو ع تاسیسین اتحادیه نـوـ یسندگان آسیا ـ افریقا کار ما فوق العادگی خاصی داشته است و از

سوسیا لست جهان اسـ
امروز نویسندگا ن ـ
پرکار عضو یت افتخار
را دارد آنها بـرای امر
می نویسند . واز انسان
صلح پایدار ی گیتی
نمایند .

گنجینه های ادبیا ت
افریقا پربها است و بـ
سراسر جهان متعلق اس
معتقدیم اشترا ك مسا
ادبیا ت معا صر آسیا ،
به سزایی می کند .

آری ادبیا ت فردا ی
امروز خواهد بود .

نویسندگا ن متر قی
کشور مترقی جهان در
سهم دارند :

افغانستان ، الجریا ، ا
انگولا، بنگله‌دیش ، بی
مصر ، ایتوپیا ، گانا ،
اندونزی ایران، عراق،
کینیا ، لبنان ،مدغاسکر
منگولیا ، مورا کو ، مو
فلسطین ، جمهوری دمو
جمهوری مردم کوریا ،
سیرالیون ، افریقا ی
سریلانکا ، سودان ، سو
ترکیه ،ویتنام، زمبیا ،و

لوتس ارگان نشراتی

مجله لوتس ار گا ن
نویسندگان آسیا ـ افر
ماه یکبار تـوسط بیرو
موقتی نویسندگا ن آس
نشر می شود .

اهداف

۱ ـ معر فی و آشنا
جهانیان با فر هنگ و
آسیا وافریقا .

۲ ـ نجا ت دهی کلتو
آسیا وافریقا از چـــنگ
استعمارنو (فـرهنگ اس

۳ ـ بار ور سازی
وافریقا ومعرفی مهره ه

د کارگر
دورځې
لنډه
پیژندنه

(م-آ) لیکنه .

زموږ دوخت انسان اوس یو هلی څلی کوونکی ، پیاوړی اومبتکر انسان‌دی، نوپه دی برخه کی ستره ونډه دکارگر انسان اوکارگری خوځښتونو په غاړه دی، ددغه د قدر وړ او جوړوونکی انسان دستر مقام دنمانځنی په‌ویاړ موږدمی دمیاشتی لومړی ورځ ته دقدر په سترگو گورو او په لنډډول یی تاریخی یادونه کوو .

دپانگوالو او کارگرو له منځ ته راتلو وروسته ددوی ترمنځ طبقاتی مبارزه په نه - بخلاکیدونکی ډول رامنځ ته شوه، ددغه ستر حرځښت په لومړی سر کی څه ناڅه گډوډی او خپل سری لیدل کیده خو دورځ په ورځ سیاسی پوهی دزیاتوالی او داستثماری‌منگولو له زور او کړاوڅخه دخلاصون په هیلو سره به کارگری‌گروپونو دخپلی کرکی په‌څرگندولو سره دسرمایه دارانو ماشینونه او فابریکی خرابولی او دزیات استثمار کیدوپه مخ‌کی‌یی خنډونه راپیدا کول ، ددغه بهیر په ترځ کی کارگران په دی بریالی شول چی څه نا څه سره منظم او یوموټی شی دپانگوالو اودهغوی ددولتونو خونړی منگولی له خپلو غوښو څخه وکاږی چی ویی کړای شول چی د صنفی اتحادیو جوړول او خپلی سیاسی غوښتنی پرهغوی باندی په زوره ومنی .

دلومړی ځل له پاره په ۱۸۵۹ کال کی داسترالیا د ساختمانی موسسو کارگرانو پانگوالان دی ته اړکړل چی د ورځنی کار ساعتونه (۸) ساعتونوته را کم کړل چی دهمدغه بریالیتوب له مخی یی هر کال داپریل په یوویشتمه دویکتوریاپه ښار کی جشن کاوه، دغه راز دشمالی امریکا کارگرانو به له ۱۸۸۵ کال راپه دیخوا هرکال دسپتامبر د میاشتی لومړی دوشنبه جشن نیولو او په دغه ورځ به یی له کارکولو څخه ډډه‌کوله .

په ۱۸۸٦ کال کی چی په امریکا کی کارگری اعتصابونه او مبارزی سختی روانی وی دمی په لومړی نیټه یی اعلام وکړ چی تردی وروسته به هیڅکله تر (۸) ساعتو زیات کار ونکړی . څلور ورځی وروسته امریکایی پولیسانوپه شیکاگوکی د کارگری خوځښت په لیکوخونړی حملی او یرغلونه وکړل گڼ شمیر کارگران یی ووژل څه ټپیان شول او وریسی یی دهغوی لارښوونکی هم ووژل .

... ددرناوی په خاطر او د

نو دهمدغو پریکړو او هلوځلو وروسته د ۱۸۹۰ کال څخه راپه دیخوا هرکال دغه ورځ دهغو کارگرانو د یادولو په درناوی د پراخو او هر اړخیزو مراسمو په ترځ کی نمانځل کیږی .

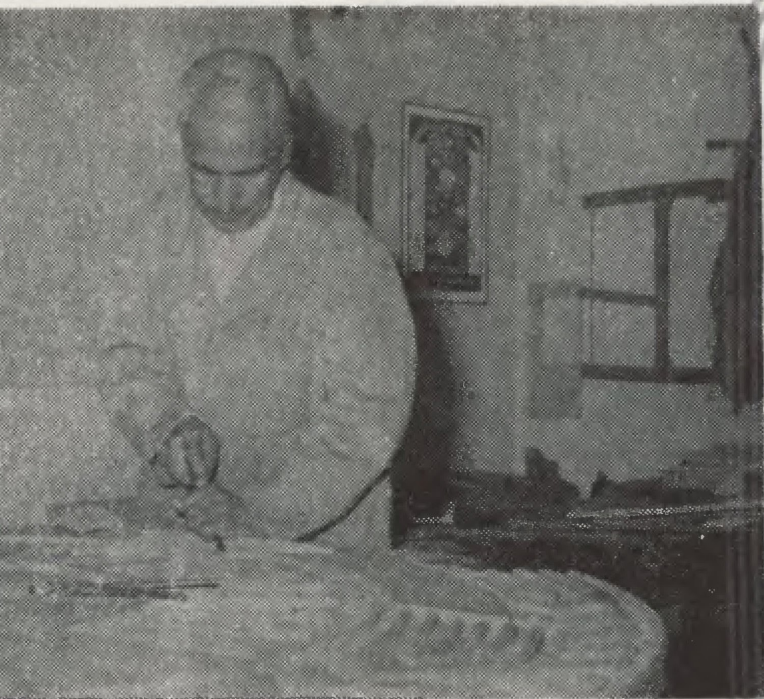
په‌ټوله نړی‌کی چی‌اوس‌کارگری خوځښتونه په کلکوگامونو پرمخ روان دی خپله دغه‌درنده ورځ نمانځی، دخپلو حقوقو دترلاسه کولو له پاره هلی ځلی کوی استثماری اواستعماری ضد سره توغونه یی پورته کړی اوتل دحاکمه او استثماری ځواکونو پر سر ماتوونکی گوزارونه کوی، دغه خوځښتونه نورنه غواړی چی ددوی له ستړیا، خولو اوستومانیو څخه د استثماری ډول‌گډه واخلی‌چی په‌خوشخصی او دمفتخورو په جیبونو کی ولویږی .

دغه تاریخی ورځ تل دنړی په هرگوټ‌کی ددغی لاری دتلونکو له خوا په درندومراسمو سره نمانځل‌کیږی، په‌تیره بیاپه هغوهیوادونو کی چی هلته ددولت او لارښوونکی کدرونه‌یی دکارگری طبقی څخه وی او یا دهغوی په نمایندگی خپل دولتونه رهبری کوی په ځلیدونکو او نه ستړی کیدونکو هلو ځلو سره دغه خوځښتونه لاپیاوړی کوی اوبه‌پریوالَه سویه ددغه ډول خوځښتونو سره دمرستی او پرمختللو لاسونه ورکوی .

زموږ په گران هیواد افغانستان کی دغه تاریخی او ځلانده ورځ دثور انقلاب څخه دمخه دملی اودموکراتیکو ځواکونو له خوا که څه هم دترقی ضد دولت او عناصرو به یی دلمانځلو مخه نیوله جشنونه نیول او ددغی تاریخی ورځی یادونه به یی کوله، ښه می په یاددی چی دداود دستمگری په وروستی دوره‌کی چی په ملی او دموکراتیکوخوځښتونو سخت بندیز لگیدلی و دښارپه بیلو بیلو هوټلونوکی دغه‌تاریخی ورځ دخونفری‌گروپونو اوابلاغیو په ویشلو سره ونمانځل شوه .

کله چی دثور دملی او دموکراتیک انقلاب پلوشی زموږپه لرغونی او وروسته پاتی‌ساتل شوی هیواد کی خپری شوی په‌تیره بیا دثور انقلاب دتکاملی پړاوڅخه وروسته نه داچی داستثماری او استعماری ځواکونو ټغر ټول شو کارگران او ټو ل وطنپالو ملکی عناصر داستثمار څخه وژغورل شول، بلکی ددوی ټولو په ژوندکی څرگند بدلونونه راغلل او هره ورځ په دغه هکله گټور کارونه سرته رسول کیږی .

کار گران جهان روزاول می را اشکوهمندی خاصی تجلیل می نمایند



محمد عارف «صادقی» : اتحاد طبقه کارگر گره‌کشای هر مشکل آن ها است .

پنج سال قبل از امر وزیعنی درسال
یلادی به تعداد سی وپنج هزار کارگر
ت متحده امریکا برای بدست آوردن
های بر حق انسانی و کارگری
از تحت سلطه سرمایداری استثمارگر
شرایط بهتر کار وفعالیت به تظاهرات
ردامنه داری دست زدند وانزجار عمیق
نسبت به استثمار بیرحمانه دسترنج
علنا ابراز داشتند .

س حماسگیر جهان سودو سرمایه که
خور ننگین سرمایه داران مستبد تغدیه
بدون آنکه بر حقانیت این تظاهرات
ی سابقه کارگران عمیقا بهاندیشد و
حقانیت خواسته های انسانی آن هادر
ـاع از کارگـران قرارگیرد بسبار
و بابی رحمانه ترین شیوه یی بر -
ی زحمتکش تظاهر گرایالات متحده
یورش برد و بدین ترتیب در روزاول
ی ١٨٨٦ تراژیدی شیکا گورا ببار

د آنکه در اثر این حمله بیرحمانه
سانی پولیس وحشی صفت حمایتگر
داران خونخوار تعداد زیادی از کار-
ان شیرین خودرا از دست دادند و
یادی را متمل گردیده عدهٔ زیادی ازآن
ول های زندان ها فرو برده شد ند

تظاهرات از خاطرهٔ تابناك وجاودان روز اول می درسراسرجهان تجلیل بعمل آورند و بر اساس همین فیصله تاریخی است که روز اول می «یازده ثور» را کارگران کشور های جهان بحیث روز همبستگی بین المللی خود وسمبول کار ، صلح، آزادی وبرادری جشن می گیرند و از آن باشکوهمندی خاصی تجلیل بعمل می‌آورند .

ما به پیشواز این روزبزرگ تاریخی‌جهانی یعنی روز همبستگی کارگران سراسر جهان برآن شدیم تابه بعضی از فابریکه ها و کار خانجات کشور آزادهٔ خویش برویـــم وبا کار گران دور انساز میهن عزیزمان افغا نستان محبوب و دوست داشتنی کـه آزادی واقعی خویش را بـا پیـروزی انقلاب آزادی بخش ثور تحقق بخشیده اند. بپای صحبت هاوگفت وشنودهابنشنیم وببینیم که کارگران زحمتکش افغانستان آزادو انقلابی درردیف دیگر کارگران جهان از این روز عظیم تاریخی چگونه استقبال می‌نمایند و به مقدم این روز بین المللی چه پیام هاو گفتنی هایی دارند که بر کارگران کشور خودو کارگران سراسر جهان ابراز می‌دارند .

فابریکه افغان ترکانی تصدی یـکی از بزرگترین فابریکات تولیـدی کشور بشمـار می آیدکه کارگران آن از طـریـق تـولیـد

اسم من محمدعارف‌وتخلصم صادقی می‌باشد ویکی از کارگران شعبه موبل کلاسیك ایـن فابریکه می‌باشم .

می‌پرسم : از چند سال بدین طرف دراین فابریکه کار می‌کنیدوآیادراین‌رشته تحصیلاتی هم دارید یا خیر ؟

میگوید : ازسنه ١٣٢٢ یعنی از مدت‌سی وهشت سال بدین طرف دراین فابریکه کار می‌کنم ویکی از فارغ التحصلان مکتب صنایع آن وقت میباشم .

می‌پرسم : این تابلو یی را که اکنون بکار آن ادامه می دهید چیست و از چند روز بدین طرف در ن کار می‌کنید ؟

بیدرنگ جواب میدهد : تابلـویی را کـه می‌بینید نشان ملی دولتی جمهوری دموکراتیك افغا نستان است که از مدت تقریبا بیست روز بدین طرف بالای آن کار می‌کنم وبطور تخمین کار آن را تا هنوز بیش از هفتاد در صد انجام داده ام .

میگویم : روزاول می روز همبستگی بین‌المللی کار گران جهان است شمابه پیشواز این روز تاریخی کـدام پیـامی به کـارگـران کشور و جهان دارید ؟

تولیدی خود فعالیت زیاد بخرج بده
کار کنند و زحمت‌بکشندتاسر انجام
های دیرین خو د یعنی ایجاد جامع
فاقـد استثمار انسان از انسان در
جهانی نایل آیند .

وی می افزاید : درهمین روزتاری
که در کشور های مترقی جهان از
پر کارو برجسته با اعطای مدال ها
تقدیربعمل می‌آید وکارگران موردنوازش
قرار می‌گیرند که اینگونه نوازش هاو
هاباعث آن‌میشود تا کار گران‌بکار
زیاد بگیرند وباقبول زحمات شباروزی
عمران واعتلای کشوروجامعه خود مص
شایانی گردند .

وی می‌افزاید : بعد از پیروزی
شلکوهمند ثور دولت جمهوری دمو
افغانستان قدم های بزرگی را در ج
کارگران کشور برداشته است ، بط
تاسیس اتحادیه های کارگری ، صند
تعاونی کارگری ، تساوی حقوق
کارگران واجیران باماموران دولت
اعطای کوپون هشت سیره به کارگ
اجیران عایله دار از جمله خدمت
ناپذیری است که دولت انقلابی مابر
گران زحمتکش کشور انجام داده است
ترتیب بعد ازپیروزی مرحلهٔ جدید و

رخنده باد جشن اول می ـ جشن همبستگی بین المللی کارگرا

کارگران دور وپیش خود احوال
می‌آوریم بپای صحبت یکی از
تمند خود که دراین شعبه یکجا
متکش خود مصروف کار می‌باشد
ا هم به تبادل افکار می‌پردازیم •
کارگر ما شاه بی بی نام دارد
ش اظهار می دارد مادر یك طفل
وهرش نیز جوانی است کــه در



ی : دولت جوان وانقلابی ما واقعاً یك دولت کارگری است .

ت کارمی کند واین اولین سا لی
ن خواهر ما در فابریکه افغان
ی بکار آغاز نموده است •
: دولت جوان و انقلابی مــا
ت کارگری‌است که‌به مقام والای
ارج‌بزرگ می‌گذاردبادرنظر داشت
ست که دولــت ملی و مترقــی
ان کشور موقع آن را مساعد
مدوش برادران خود در کار های

میهن ما هرگونه مشقات روز گار رابردوش داشتند ، شرایط کار آن ها بسیاردشوار و طاقت فرسابودو کارگران مابه آیندهٔ خــود اطمینان نداشتند ولی با پیروزی انقلاب ملی ودموکراتیك ثور دراین‌وضع‌تغییر قابل ملاحظه یی بمیان آمدو کارگران زحمتکش افغانستان بربسا آزادی های خود نایل آمدند .

ولی امین این جاسوس سر سپرده‌سازمان جهنمی جاسوسی ایالات متحدهٔ امریکا و باند خونریزوی با ضدیت دیرینی که‌با آزادی انسان محنت کش از یوغ استثمار و استبداد در نهاد داشتند خواستند آزادی هایی راکه مردم مادر اثر پیروزی انقلاب آزادی بخش‌ثور بدست آورده اند از ایشان بگیرند ولــی از آن جائیکه جریان حرکت تکامل تاریخ به نفع اردوگاه صلح ،دموکراسی و آزادی‌و به‌نفع کار گران وزحمتکشان جهان و زیان وزوال

شرایط مساعد را در ساحهٔ کارو عمل ما کار- گران بوجود آورد تاما بتوانیم در تحت چنین شرایطی بکارسازنده خودادامه بدهیم وسرانجام جامعه خودرا در قطار ملل رافعه جهان قرار دهیم •

دستگاه پله وچوکات یکی از شعبات دیگر فابریکه افغان ترکانی تصدی را تشکیل‌می‌دهد که در آن‌دوماشین‌بزرگ‌و چندین‌ماشین کوچك دیگر مصروف کار می باشند .

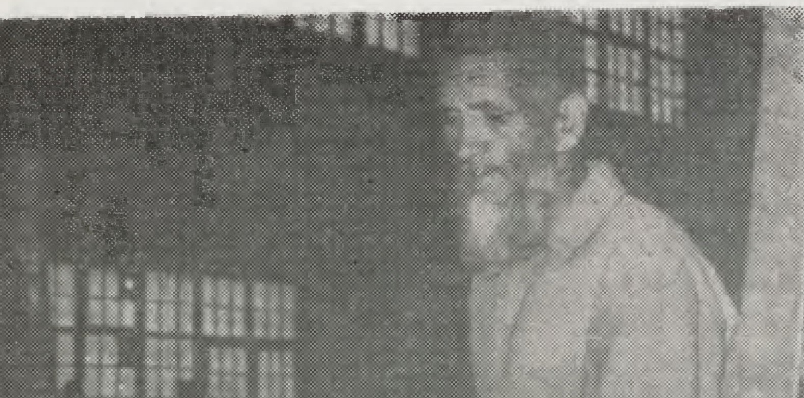
عبد الشکور یکی از کارگران این دستگاه است وطوریکه از چهره او برمی آید شاید در حدود بیش ا شصت سال با گرم و سرد روزگارپنجه نرم‌کرده باشدوبقول خودش‌سابقه نه سال کار رادر این دستگاه داشته صاحب چهاراولاد می باشد .

ازوی تقاضا نمودیم تا بزرگترین پیروزی زندگی خودرا بحیث یك کارگر ابراز بدارد میگوید :

بزرگترین پیروزی ایراکه در مجموع همهٔ کــا ر گــر ا ن کشــو ر شــد ه ایــم پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور می‌باشد که باپیروزی این انقلاب مردمی ماکار گران و زحمتکشان افغا نستان‌وبه نماینده‌گی‌از ماحزب دموکراتیك خلق افغا نستان قدرت سیاسی را از سلطه جباران وستمگران بدست آورد و زحمتکشان افغا نستان رابه‌سر نوشت خویش مقدر گردانید •

میگویم : روز اول می روز همبستگی کار- گران جهان است دراین باره چه م
دارید ؟ میگوید :

روز همبستگی کارگران جهان که
حمایت وپشتیبانی از مقام والای کارو
در سراسر جهان‌و کشورمحبوب ماباشک
خاصی برگزار میگردد مارا بیاد آن
می افگند که درسال ۱۸۸٦ کارگران
برای تقلیل ساعات کار خود و اخراج
از کارگران از کار مظاهرات عظیمی
انداختندو ودر اثر حملات بی رحمانهٔ
آن جا تعداد زیادی از کارگران کشته
وتعداد دیگری از آن هابه زندان فرو
وسه روز بعداز این حادثه وقتیکه ک
شهر شیکاگو می‌خواستند تلف شده کا
بخاك بسپارند بارثانی مورد حملــهٔ وح
پــو لیس واقــع گــردیــدنــد کـ
اثــر ایــن حمله ددمنشــانــه پولیس س
نفر از کار گران دورانساز بجرم حــ
خواهی به قتل رسیدند •
سالی بعداز این حادثه المناك کارگران
متحدهٔ امریکابه اعتصاب دامنه داری
زدند تااینکه این روز بنام روز بین
همبستگی کارگران جهان مسمی گردید .
وی می گوید : ماکارگران افغا نستان
خوش هستیم که روز بین المللی هم
کارگران جهان را به دنبال سومین
پیروزی انقلاب شکوهمند ثور تجلیل‌می
باقیــدارد



اول ماه‌می یاروز همبستگی کارگران جهان

آنجائیکه کارگران چرخانندگان چرخ تاریخ
واز آنجائیکه کارگران سازندگان هستی
ین وتعین کننده اند و همچنان هزاران هزار
نوابـغ ، تاریخ دانان و سیاست مداران
در آغوش پرمهر خویش می‌پرورانند ـلهذا
رد که به مناسبت اول ماه می یا روز
ستگی کارگران جهان سپاس‌ها وشادباشهای
ان را نثار شان سازیم وگل صفا و صمیمت
پای شان پاشان نمائیم .
بگویند زنان برده شدند قبل از آنکـه
ه بردگی به میان آید علت این امردرچه
• در تولید : زیرا عــدم سهم گیری
در امر تولید نقش زن را روز تاروز
تر جلوه میداد حتی انعکاس این موضوع

آورند .

کلمه مادری که‌به مثابه یك کلاه از طرف جامعه پدر سالاری زنان رادر چار چوب فامیل محصور میداشت با جدیت مبارزه پیگیر زنان تقدس کلمه مادری به ایشان رسید و هویت اصلی زن تثبیت شد زنان در امر مبارزهـ تربیه طفل ـ بالا خره کار های شاقه پشت ماشین سهم گرفتند ، زنان وقتی توانستند باسهم گرفتن در تولید کسب هویت وشخصیت کنند که زمینه آزادی آنها با مبارزات پیگیر ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر مهیاگردید.

ستم های طبقاتی ودراین شمار ستم تفوق مرد برزن وقتی حل میگردد که تضادطبقاتـی محو گردد • محو شدن ستم طبقاتی درافغاـ نستان وانتقال قدرت سیاسی از طبقه زور گو به طبقه رنجبر موجب گردیدکه زنان نه تنها بدور سازمان خویش فشرده شدند بلکه در پشت ماشین بیش از پیش باروحیه انقلابی شروع بکار نمودند • دولت انقلابی شرایط کم کردن ساعات کار برای کارگران را مهیا ساخت و همچنان مساعد ساختن زمینه در قسمت رخصتی ولادی‌ودیگر رخصتی هادرمورد زنان ـ گرفتن کارهای شاقه از زنان افزودی

زنان افغانستان‌از‌تولیدکارگاه های قالین‌بافی گلیم بافی ، دست دوزی ، تربیه اطفال و غیره مسوولیت‌هاگرفته تا پشت ماشین‌مزارع تولیدی ـ افتخار آمیز تر از مردان درخدمت خلق وجامعه بوده اند .

در جبهات جنگ بحیث عم
خدمت نموده اند .
اکنون زنان کارگر افغانستا
وتام خویش رااز مشی دولت
جمهوری دموکراتیك افغانستان
وصریحا اعتراف داشته ،وارج م
حزب دموکراتیك خلق افغانست
سعادت، حیثیت، و شرف کار
نستان و تامین کننده تساوی ح
و همچنان حزب دموکراتیك
و سازمان دموکراتیك زنان
تضمین های اجتماعی را برای
در بردارد .
بههمین‌اساس زنان‌کارگرهمه
دموکراتیك‌خلق‌افغانستان‌راتائیدن
عمیق وهمه جانبه خویشرا ابرا
درین زمینه هر گونه فداکا
واز خود گذری را بدولت انقلا
میدهند ودر محوونابودی اشخا
تاسر حد مرگ و پیروزی پی
بلند بردن بنیه اقتصادی کشور
وتربیه نسل جوان وسایر م
اجتماعی دو شادوش دولت ان
یك سنگر قرار گرفته تا آخرین
خواهند رزمید .
زنده باد انقلاب نجات بخش
تکامل آن .

اتحاد وهمبستگی

سو گندبتو مادر وطن ! زاد گاه دلیران مأمن آریایی های دلیر !

نوید باد ! نوید پیروزی ، نوید آزادی.

تو آزادی ••• آزاد از شراهریمنان ، از هر گوشه وبیشه ات آوای سرور وشادی و پیروزی به گوش میرسد .

برج وباره ات، کوهپایه های سر بـــه فلك کشیده ات خاك های پرفیض وجویبار های خروشانت نوید میدهند ، نوید پیروزی

بپذیر به تو تعهد می‌سپارند
تعهد شهامت وایثار! تعهدیک
های گرم واراده خلل ناپذیرو
وفطری شان است .

مادروطن بپذیر! تعهد فرزند
این تعهد را بنا به خواسته های
وانسانی بسته اند فرزندان ش
اتحاد وهمبستگی به هم داده و
توده های محروم ورنجبر به نا
یاد کرده‌اند که‌پس‌ازین تاپای
وتمیز دشمنانت می‌کوشند .

مبارزه دوشیزه قهرمان علیه فاشیزم

ریستانیا ینوه مبارز ضد فاشیست
ریا بخاطر آزادی بلغاریا در جنگ
ی جان شیرین خودرا از دست داد.
تانیا دختر ایوان انقلابی کــه
تیرباران گردیده است وما درش
شوهرش تیرباران شدازغم‌واندوه
رود حیات گفت .

نیاکه‌درآنوقت طفل‌خوردسال‌بودتربیه
اله اش بدوش گرفت . فامیل خاله
یك فامیل غریب و بیچاره بوده
عضای فامیل آن ها دارای عزم واراده
.

انیا درسن ۱۶ سالگی شامل سازمان
بلغاریا شده وبعداز اینکه تحصیل
ویه بکلوریا تمام نمود در مرستون
بحیث معلم عزتقررحاصل نمودو
شامل حزب کارگران بلغاریا شدو
۱۹٤۲ حمله که از طرف فاشیست
بلغاریا صورت گرفت بعضی از
خاطر آزادی و دفاع از وطن با قوای
ا افتخار شهادت را بدست آوردند.
وقت نظر به انتخاب رفقای کــه
د کریستانیا را به حیث منشی یکی
ای شهر سوفیه‌انتخاب نمایند چنین
که از مبارزه خسته شده است‌ولی
خسته نگردیده بلکه او توانسته
ات و امتیازات زیاد تری راکمایی
این ترتیب اعضای کمیته مرکزی

فاشیستی جمع آوری نماید ولی از اینــکه ارتباطات بسیارکم‌بود او نمیتوانست اطلاعات جمع شده رابه آسانی‌به‌بلغاریا بفرستد باآنهم توانست که اطلاعات جمع شده را توسط‌خابره به بلغاریا انتقال بدهد .

در ۲۲ اپریل ۱۹٤۳ خانه کریستانیا از طرف پولیس آلمان محاصره گردید وازخانهٔ اواسنادی‌زیادی راجع‌به‌سیاست‌آلمان فاشیست بدست آمد و کریستانیا را به زندان افگندند.

در اتاقیکه کریستانیا درآن‌زندانی بود بروی دیوار آن یك ساعت را رسم کرده بودند که نام این ساعت را مرگ و زندگی گذاشته بودند .

این ساعت دربین خود یك خط سیاه داشت و آفتاب همه روزه به ساعت ۹ بجه از کلکین بالای آن خط سیاه می‌تابیدو وکریستانیا باخود می گفت که آیا این روز مرگ است یازندگی ودراین زندان به همرای وی‌یك نفر بلجیمی بود که در یاد داشت خود راجع به کریستانیا چنین میگوید :

در ۱۸جون۱۹٤۳باخواهر خوانده بلغاریایی خود که نام او کرستانیا بود آشنا شدم اورا هر روز که به تحقیق میبردند وموقعیکه دو باره بر میگرداندند ، سروروش پرخون بودو نمیتوانست‌خودش بپای خودبه‌اتاق بیایدبلکه آنرا به صورت بیهوش بالای تذکره انداخته به اطاق رهامی نمودند چون او را زجر و شکنجه زیاد میدادند او صحت خودرا از دست داده بود و هم این عمل هروز بدون وقفه صورت میگرفت . در ۲۲ اکتوبر ۱۹٤۳ بعداز

وقت کریستانیا با چشم های پراز اشك به فکر کشور خود شد که چه وقت صدای‌آزادی بلغاریا به گوشش خواهد رسید .

در ۳۱جنوری کریستانیا رابه محبس دیگری بردند وبعدازین‌روزدیگرآواز کریستانیابه‌گوش کسی نرسیدو هیچ ازاو خبری بدست نیامد

در این او اخر حکومت بلغاریا توانس
یك اخبار آلمانی و هم توسط یك ر
آلمانی از کریستانیا اطلاع بدست
رفیق آلمانی راجع به کریستانیا
است وقتیکه کریستانیا را از ز
مبعید به زندان گلی آوردند من در
نجار کار میکردم در ۲۲ اکتوبر ٤٤
فاشیست ها به من امر گردید که

درست نمایم و مشخصات این تابوت
گفتند که تابوت را برای یك دختر
که دارای جسد خورد می‌باشد بس
همین روز بود که کریستانیا از طر
گران فاشیست تیر باران گردید و
که این تابوت را برای او درست

این قهرمان را در یکی از قبرستا
مخصوص به زندانی هابود دفن کردن
تابناك این رفیق شهید و قهرمان هم
وجاوید است .




ورزشکاران مکاتب مسلکی
وزارت تحصیلات عالی و مسلکی


کلب میوند



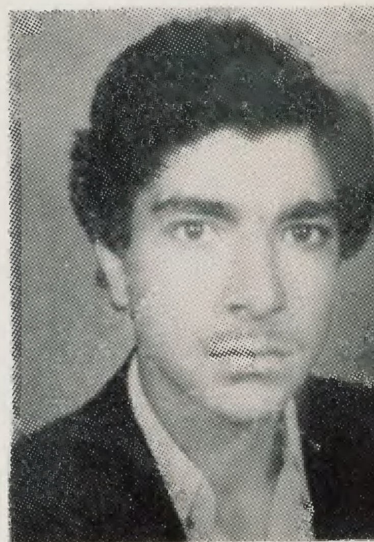






مردهاره یك گپ است

ما در ین شماره مصا حبه داریم بانو جوان پر شور وبا استعـداد
تاحا ل باوجود کوتاهی زما ندر بین هم قطارانش خو ش درخشیده
ار مستحق جایزه مطبوعاتی وسه بار تقـدیر نامـه هـایی از هنـر
ا شی را صاحب شده و درسال ۱۳٦۰ نیز کاندید جوا یز کلتـوری
ر ی میباشد .
ین جوا ن ابو بکر ((شبنو رد)) نام داشته که در صنف دوازد هـم
ه عمرشهید مشغول درس است


بو بکر شبنورد

زاو میپرسم که چند سال میشود
به هنر رسا می مشغـــو ل
نید ؟
یب پنج سال میشود که سرو
رم بـــا برس و تابلو است و
کارم درین پنج سال باجهـان
هاست .
از ابوبکر شبنورد سوا ل شد
انگیزه باعث شد ک، شما ایـــن
ا بر گزیدید ؟
کی شمارا در ین راه یـــار ی
ه ومشو ق اصلی تان کی بوده
. بعد از لحظهٔ مکث در جوا ب
ید :
فتی متعلم صنف پنجم بودم ،
رسم هنگا میکه رسمی رازوی

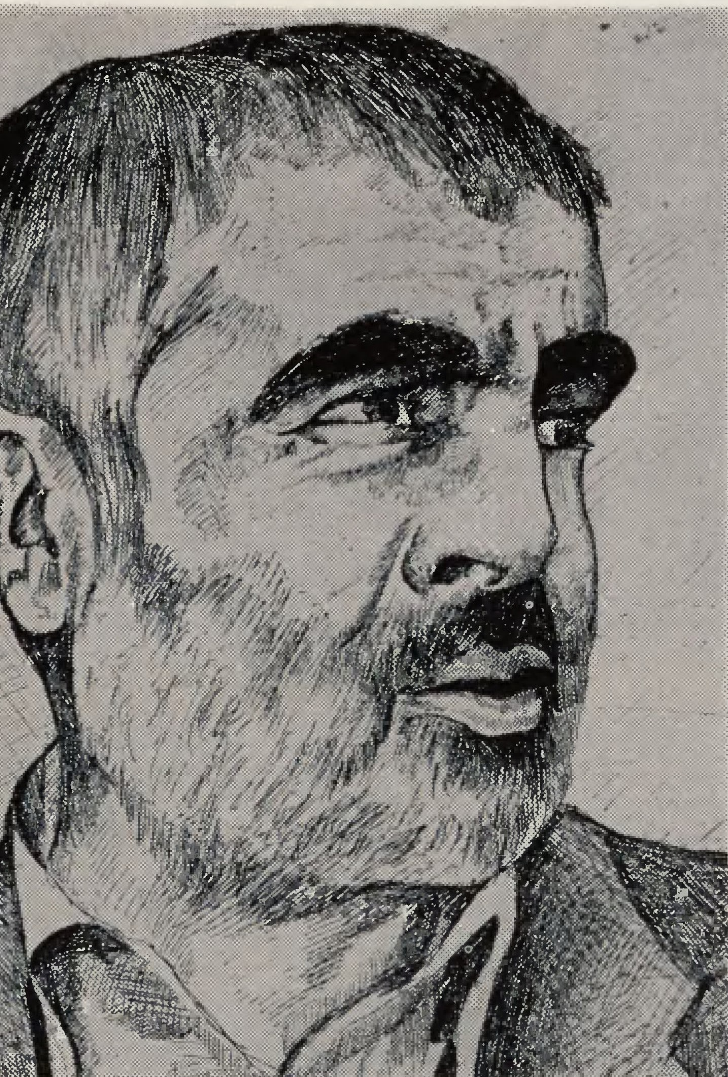
لحظه از من پرسید که در کـــدا م صنف هستی ودر صنف خود چندم نمره میباشی !

گفتم در صنف پنجم و او ل نمره صنف خود میباشم بعد از لحظـــه مکث گفت فردا بارسم خود در دفتر مجله بیا ، فر دای هما ن روز رسم خود راکه مشتمل به ((پور تر یت احمدشاه بابا)) و چند رسم دیگـــر بود به دفتر مجله بردم ودرزمینه کار هایم مصاحبه صور ت گر فت .بعد اندك مدتی وقتی عکسم رابا هما ن پور تریت وصحبت ها یم درصفحه شاگردا ن ممتاز مجله دید م ازدیدن آن، انگیزه پشت کار در ین زمینه برایم خلق شد که تا حا ل این راه را تعقیب میکنم .

ودر ارتباط با سوال دیگر تان باید بگویم . در رسامی مستقیما کسی مرا یاری نکرده وتنها در مکتب و آنهم در حدود ساعا ت رسم کمك بعضی از معلمین خود رابايد یاد آور شوم. ومشوق اصلی که در این راه گفتارش الهام بخش هنرم بوده است مادرم میباشد .

غیر از هنر رسا می ایا بکدا م هنر دیگر از قبیل موسیقی شـــعر خطاطی مجسمه سازی وغیره دسترس دارید یاخیر ؟

نه خیر ، غیر از هنر رسا می متا ـ سفانه به هیچ یك از هنر دیگـــر دسترسی ندارم اما علاقمند همه هنر


تصویری از ساربان



پیروزباد کارگران و تمام زحمتکشان سراسر جهان که در راه صلح ـ دموکراسی و ترقی اجتماعی بر ضد استثمار جسورانه می رزمند

ر مند، زم ی از گلو ی هنر
ی از حر کات هنر مند و یا
رك قلم او تراوش می‌کند و
را در طول عمر ش کــه
عمر انسا ن است به ســه
سیم میکنیم . یك هنر راـ
دوم هنر کاذب و سوم هنر
د هنر است که در هنـــر
هنر مند هنر ش رادرخدمت
احولش‌قرار میدهدوخواست
طرافش را منعکس میسازد
نعکاس بدون هراس پدیدار
.

هنر کاذب است که ایـــن
ما ن معین ومکا ن معـــین
ناهی درخدمت اقلیت خاص
رد قرار میگیرد که هنرمند
نظر داشت خواست انسا ن
به خاطر مـوقـف ، ثرو ت
نها ی خود ی خود هنرش
ر میاندازد که عمر ایـــن
از عمر هنر مند ش کوتاه
از آن جایکه هنر ما ل مردم
هر هنر مند کاذب ما ل‌مردم
قشر ضد مرد م تحو یـــل

هنر برای هنر است که‌این

ـخوب شبنورد خودشما از کدام سبك پیروی میکنید !

ـ باید اعترا ف کنم که من‌هنر مند نیستم اما آرزو دارم که هنرـ مند شوم و راستی باید بگویم کــه واقعیت واقعیت است و کسی کــه آنرا می بیند و نمـی خوا هـــد آنرا منعکس سازد و یا وا قعیـت هارا مطابق منافع خودش انعکا س میدهد کار غلط است من از طـبقه نیستم که واقعیت ها مخالف منا فع من قرار گیرد و هم کم و بیشس درك حقیقت برایم میسر است‌لهذاآرزویم این است که پیرو مکتب حقیقـت گردم ودر آینده یك هنرمندریالیست باشم . میخوا هم انعکا س دهنـده کوچه های تار ، خانه های گلی و نیمه ویران وانسا ن های پاو سر برهنه واز همه اولتر انعکا س‌دهنده واقعیت ها و حقیقت ها باشم . نه اینکه هنرم چون گذشته ها انعکاس دهنده مشتی هوس پرور کاخ نشین یاخاصه نو ش های فاخرپو ش‌باشد.

ویا تابلو هایم تحریك کنـــنده غراییز منفی اقلیتهای بـــاردو ش مردم وزیب دیوار کا خها گردد .

سخن به درازا نکشد دراین‌کوره

البته در ارتباط با هنر تان .

ـوقتی انسان به‌یك راه میرود در مسیرش چیز ها ی را می بیند که به یقیین برا یش خاطره ساز است

اکنون که پرسید ید من نیزناگزیرم ازیك خاطره که هیچو قت فرا موشم نخواهد شد برایتا ن حکا یه کنم: در سا ل ۱۳۵۵ در رادیـــو و

مجلات با تبلیغات بلند بالا ا
کردند که هنر مندا ن جهت گ
جوایز مطبوعاتی آثار خودرا
وبه نمایش بگذارند که در آنج
خورد سالان نیز حصه داده
من‌که دران وقت تازه شا گر
هفتم شده بودم آثار م را ز
گرفته و چیز یکه به چانته
آنجا بردم وکاندید جوایز گر
خوب بیاد دارم که یك رسمز
در حال چوری فرو شی نشا ن
ودیگر ی تابلو ی که میدا ن
رانمایش میداد و چند تابلو ی
وکوچك دیگر وقتی آثار م را
بردم بابر خورد سرد روبرو
غیر ازاینکه تشویق نشدم . ت
اولی ام بکلی مفقود شد وتاب
دیگرم یعنی میدا ن بز کشی
پاره بدستم دادند واز تابلو
دیگر م اثری نبود. این بودتن
یك هنر مند تازه کار . وقتی
اصرار کردم که‌تابلو هایم را
مسترد کنید زیرا من در تر
آنها زیاد کار کرده بود م و د
آنها رنج فراوان کشیده ام ـ
بقیه در صفحه



ثبات حق

خواهی اگر شود زمانه خرم از تو
مگذار رسد به هیچ دل غم از تو

رای پر ثبات حق اگر لازم شد
بگذار برسد دل عالم از تو

رسالت کارگر

ح ماشین را بگردش آورم
ی تولید است دایم در سرم
ر اعمار وطن پیش میروم
رگرم من کارگرم من کارگرم
مند از کارم وفور نعمت است
رگرم من کارگرم من کارگرم
د دو خیال د کشر پیشه دو
ن همشاه همکر تو هم تقاو
ر دشمن را بدل می برورم
رگرم من کارگرم من کارگرم
ن نقط عزمی کنم در حال خود
در دست ما رو حالا شود

سطح ذهن خویش هم بالا برم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
خط مشیم خط مشی کارگری است
جنبو جهد من بسوی بهتری است
گر چه جسما ضعیف و لاغرم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
افتخار دارم که بعد از انقلاب
شد رها زحمتکشان از منجلاب
دوستدار نظام خلقی کشورم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
از جان دل وجان دشمنم
هیچ استثمار انسان می کنم
کود کن دلسوزکرم ...
کارگرم من کارگرم ، من کارگرم

داد محمد (رسا)

کارگره

ستا په متو کی قوت دی
ستا تښکل ، تښکل دی
دروازی شته کار گره
انسانی ژوندون لپاره
ستا په زیار او زحمت باندی
ستا په توده همت باندی
د تمدن هر ه قطره دی
ای کار گره ژوندی او سی
که خوراك دی تل لوگی دی
اراده کی پوخ انسان یی
دبز گرد سره یو خای

ستا پسه متو کی ...
ستا په عـزم کی ...
جوړونکی د جهان ...
نه محکبن ددی کار ...
د د سبزی و لسو ...
کلا لی شی هیواد ...
خپل ولس ته ددو ...
نوم دی ښکلی په ...
نو لوی شان لری ...
ټینګ ایمان لری ...
اتحاد ستا ستر ...

دغه اصل فلسفی دی
دلار شود ښکلی کلام دی

جاویدان

جاوید و پایدار
آیین زندگی
نابود بردگی
در نظم نوزدهی
بی رنج وبندگی
این است شعار ما
ای کار گر جوا ن
ای مرد قهرمان
ای نور چشم خلق

روح وروان ماست
این است شعار ما
ماییم در تلاش
پیکار میکنیم
در راه زندگی
ای مرد جاویدان
دهقان و کارگر

آزادگی

خوشا آزادگی آزاد بود ...

طلوع مقدس

کارگر

ـر فـــرد توانـــا
و شد زیبندگی ها
ـودههجون گلستان
تویابد رنگ وسامان
قلب خارا را شگافی
دریا را شگـافی
و سرمـای زمستان
ی و گـــرمهٔی سوزان
تلاش‌و زحمت‌و کار
می‌نمایـی رنــج‌بسیار
بود نفت فـراوان
ول‌دست تست یکسان

ززحمت گربود دست تو سوده
جهان را مشکلی از هـم گشوده
بگوای فرد افغان وطـن دوست
که رنج‌کار کردن‌بر تو نیکوست
خشا تجلیل ایـن روز جهانی
بکن بر افتخارت شاد مـانـــی
شود کشور زتو آباد و معمور
همه اهــل وطن مسعودومسرور

اسطوره نیست

بتاریخ وطن بنگر
به گنج پرزر وزیور
به شان وشوکت و جاهش
به آن گردان بیباکش
به تاریخ وطن بنگر
بیاد آور ملالی را
ملالی های میهن را
که رز میدند
که جان دادند
که این میهن شو د آباد

شودمام وطن دلشاد
به تاریخ وطن بنگر
بیاد آور زعیا را ن
زمرهان خراسان

ز «بو مسلم»
که در راه وطن جان داد

اگر «نیزک»
اگر «سنباد»
اگر (ایوب)
اگر آن فاتح میوند
که سر را در ره مردم
زکف دادند
برای عشق سوزان وطن جانرا فداکردند
که ماند نام شان جاوید
به سان تابش خورشید
که تا آندم جهان باقیست
زمین و آسمان باقیست

* * *

به تاریخ وطن بنگر
به گنج پر زرو زیور

وطن

ای دل، ای دل

اگرمردنتواند خوشبختی رادر خانه‌خودبیابد، آن‌رادرجای دیگر جستجومیکند

ازدواج که‌خود یك پدیـــــده سنتی و اجتماعی است ، از نظر تو لید مثل و ادا مه نسل بشر در قالب خانواده و جا معه اهمیت بسیار دارد و در بر خورد با حر کـــا ت زیر بنایی در هـر جـامعـه دست خــوش تغییرات و دگر گو نی های میشود . بطـور کلی ازدواج در جوامع در حال رشد و توسعه در سنین جوا نی صورت می پذیرد واز همان آغاز تا تولید مثل ، ابعاد خانواده ها رو به افزایش می گذارد .

اما گاهی دیده شدکه در همین کشور ها جوانان از ازدواج و تشکیل خانــــــواده گریزانند و کوشش می نمایند تا حدود ی ازآن دوری اختیار کنند .

علت این گریز جوانان از ازدواج درچه نهفته است و چه عوا ملی باعث میشود که جوانان بعضا بدبین به ازدواج گردند

به خاطر اینکه خو بترو واضح تر ا مساله حیاتی برای خوانندگـــان ما گردد از زبان دو جوان که فعلاباهم‌نام هستند ولی جرئت این را ندارند که‌با ازدواج کنند بشنوید .

و قتی از دختر دراین مورد که ج از ازدواج فرار میکند پرسیده شد در گفت: ازدواج و پیو ند زندگی چیزی ک، بدون مطا لعه و ارز یابی دقیق بـ مبادرت ورزید . ازدواج لباس یاکالانیس از بازار آن را خرید و بعد ازپوشیدن از مدتی دورش افگند . در شرا یـــ کنو نی که زن و مرد هردو مسوو لیـ مشترك در قبال خانواده دارند نباید بخ خو شبختی خانواده رسك کرد و بدون

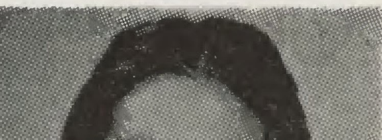
اندیشه‌های جوانان

سعادت وخوشبختی ماوقتی تکمیل شـــده میتواند که همه مایك نظر ویکدل باشیم و خوشبختانه امروز جوانان ماعم ازدختر وپسر بایك رنگی ویکدلی بدور حزب پر افتخار ، حزب دموکراتیك خلق افغانستان جمع شده اند وبرای آینده بهتر وشگوفان تر جد و جهد می نمایند .

به پیش بسوی صلح ، خوشبختی وسعادت همگانی .

چه سعادت بلندتر از این که امروزب سرمشاهده میکنیم که جوانان مابه حقا زندگی آشنا شده وامروز این قشر دی وفعال جامعه ما بـــرای ســـربلندی و س افغانستان آزاد، مستقل وآباد تلاش می تازندگی وجامعه نوی رابرای وطن‌داران ارمغان آورند ودیر نخواهد بود آن روزی شاهد خوشبختی رادر آغوش کشیم و کنیم وبگوئیم این است معنی کار و برای بهروزی جامعه .







ناسی جوانان

پیوسته بگذشته

جوانان وخودارادیت

ی در با ر ۀ انضبا طمافی د را چنین نشود : فکر باید در برابر کارنادرست نش شو ید ورنه حکو نه درست را از نادرست، ازباطـل وراست را از فرق وتمیز کنید یــك شا گر دا ن مکتـــــب افات جنسی دست بقتل حاوز ا ت گو نا گو نی که عد ه بحکم قضامحکوم ند و عده هــم فــرار جا ن بسلا مت بر ند اماز ب و فشار قاضی و جدان ند بگر یز ند .))

تصمیم کار سهل وساد ۀ ی بسی او قات منا سب شـده است واز د ست ت که افسو س نمیتواند را بکند .

هنو ز هم جوا نا ن مادر

کنید تا من چه با ید بکنم ؟))

اگر همچو سوا لی بمن را جمع شود مشوره مید هم که شما نخست دلا یل وا لد ین تا ن را بگو شس هوش بشنو ید و اگر د لا یـــــل آنها معقو ل با شد و از رفتن بشما خطر و لطمه وا رد گر دد بهتراست آنجا نرو ید وا گر مسا له برعکس آن باشد قناعت آنها را فـرا هـم نموده جای که می خواهید برو ید.

هر گا ه چنا ن فر صتی میسـر باشد که د لایل هردو طر ف ر ا بتوانیم بشنویم درزمینه قـضا وت خوبتر کرده و مشوره بهتر میتوا- نیم بد هیم.

۸بعد از آنکه دو شیز ۀ وا لدین خود را بنا بر عد م ا عتماد ایشا ن بر او در مو ضو عی فر یب داد ه بو د و دلش آرا م نمیگر فت تا از آن قضیه آنها را آگا ه نسا زدزیرا شکنجه وجدان اورا هرآن خـو رد می سا خت . بس او بصور ت غیر

زد .

در مورد این مساله حیاتی که
د تصمیمش رادر مورد ازدواج
وال شد که در جواب چنین

ای شکی نیست که ازدوا ج یك
و اجتماعی است و به خاطر
باید صورت بگیرد ولی شرایط
ایجابات دارد که باید هر جوان
بط زند گیش دراین مورد خو ب

آینده را هیچکس نمیتوا ندپیش
ولی تاجا ییکه به انسان ارتبا ط
ند جوانب مختلف زندگی را
ید در مورد ازدواج و تشکیل
از دقت کامل کار گرفت
ی که در برابر ازدواج جوانان
طرز تربیت و دید مختلف
جوانان مخصوصا دختران
ا خود میدانید که جوانان
ده های مختلفی با طرز تر بیت
تربیه وپرورش یافته اند وکم
د که دو جوان باعین طرزدیددر
یافت شود . همین دید های
ی که عده از جوانان جرئت
ست به ازدواج زنند .

می پرسم ، حال‌که شما نامزد
پروبلم و مشکلی روبرو ی تان

قرار گرفته که ازدواج نمی کنید ؟

میگوید : با اینکه حرف های نامزدم راقبول دارم ولی صد در صد آنرانمی پذیرم، زیرا هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که بتواند سد راه عشق گردد . اگر بین دو جوان عشق واقعی وجو دداشته باشد مسایلی از قبیل تربیت متفاوت وطرز دید مختلف همه وهمه‌اش در مقابل عشق واقعی چیزی نبوده وکاری از پیش برده نمیتواند .

– ازشما می پرسم که آیا بین شما این چنین عشق وجود دارد ؟ اگر دارد چرا ازدواج نمیکنید واگر ندارد پس چرا با هم نامزد شدید ؟

یك موضوع را همه میدانند که عشق و دوست داشتن یك طر فه بوده نمیتواند . همانطوریکه ازیك دست صد ابر نمی خیزد عشق یك طرفه نیز مفهومی ندارد. ولی‌مشکل است که امروز عشق واقعی را از عشق غیر واقعی تفکیك نمود . مخصوصا یك عده جوانان که زیاد احساساتی میباشند همینکه دختر مورد نظرخودرا یافتند باهزار حیله ونیرنگ باهزار چرب زبانی و... می خواهند دختر مورد نظر خودرا وادار به ازدواج کنند . در ابتدا آنقدر قربان صدقه همدیگر میشوند که انسان فکر میکند اگر در جهان عشق ودوستی واقعی است همین است . اما متاسفانه وقتی این دو جوان باهم ازدواج گردند و مدتی از ازدواج آنها گذشت آن علاقه و اظهار عشق نمودن ها فروکش می نماید وجای آنراگریز از خانه ودوری از همسر وخانواده میگیرد . از همین رو است که امروز مساله ازدواج برای جوانان مخصوصا دختران یك امر حیاتی وخیلی با اهمیت تلق یمیشود . وتاجای‌امکان کوشش می نمایند که در مورد ازدواج فکر نمایند تا نشود که در آینده پ
گردند وزندگی شان تلخ گردد .

– قبلا گفتید عدهٔ از جوانان مخصو



بقیه در صفحه ٦٢

حقیقی ملت کسی است که به
التیام بگذارد، ای جوانان امروز
ماقربانی می طلبد وفداکاری
واهد بیایید برای آبادی کشور
افزون آن از هیچگونه ایثار و
ی نه ورزیم . همانطوریکه همیشه
اشته ایم بازهم در این راه‌سهم
ردهای ملت التیام بگذاریم واین
است که در راه استقلال کشور
فداکاری دریغ نه ورزیم ...



مطالعه را فراموش نکنید

نمیدانم این سخن چقدر بجا و مطابق به خواست شه اخواهد بود که‌گفته‌اند «خوشبختی وبدبختی بدست خود شما است» این شما هستید که با رفتار وکردار تان برای تان خوشبختی وبدبختی می آورید . جوانی که درست فکر میکند و معقول می اندیشد همیشه در زندگی موفق وپیروزمند است . ممکن است‌گاهی عواملی چند سد راه پیروزی گرددولی بصورت دایم این امرحقیقت نداشته جنبه موقتی دارد .

گفتیم معقولیت و درست اندیشیدن عا مل مهم خوشبختی محسوب میگردد چه ایــن امرمربوط خانواده باشد ویا خارج از خانواده بهردو حال باعث سعادت انسان میگردد .

وشوهر جوان هر دو به مطالعه عادت داشته باشند ومدت زمان معین را برای مطالعه اختصاص بدهند این کار وعمل آنها چندین فایده دارد . یکی از فایده های این کارباز داشتن زن وشوهر از گفتگو های بی جاوبی مورد است که گاهی این بگو مگو هابه جاهای باریك می انجامد وسبب میشود که زندگی خوش خانوادگی دستخوش ناراحتی گردد .

وقتی زن وشوهری یك ساعت یاکمتر ویا بیشتر از وقت خویش را صرف مطالعه‌میکنند وبعد از اینکه ازمطالعه فارغ میشوند ممکن است موضوع صحبت آنها صرف در چهارچوب کتاب وموضوع مطالعه آنها دور بزند . که این کار زن وشوهر باعث میشود که آنها را از

آن راه ناصواب باز میدارد واورا به ح
زندگی آشنا میسازد . جوانانیکه به م
عادت دارند ویك قسمت از وقت خویش
مطالعه اختصاص میدهند در زندگی از
آموزی بیشتری برخوردار میگردند .

کتاب ومطالعه ذهن را روشن می
ومیتوان ازمفاد کتاب در زندگی خانو
استفاده کرد. شاید یکعده این طور تص
که کتاب رابه زندگی خانوادگی چه وش
بگویند که نمیشود زندگی خانوادگی
لابلای صفحات کتاب درست کرد .

اماعدهٔ غیر از این فکر میکنند. و
این نظریه چنین میگویند . هیچ چیز د
نیست که کتاب به آن اراتباط نداشته
پس به جوانان ماست تا با کتاب بیش
گذشته آشنایی حاصل کنند ووقت خو
مفت ورایگان از دست ندهند. اگر هر

ممثلهٔ با ذوق



نام اصلی وی خورشید است ده سال از همکاری وی با افغان ننداری می‌گذرد ممثلهٔ بـــاذوق وبااستعداد وخیلی صمیمی است .

در اکثر نما یشنا مه ها نقش های اول‌را داشته وبا کمال مقبو لی توانسته موفقا نه‌بدرخشد .

طوبی یکبار دیگر در نما یشنا مه مخصو ص اطفال «کلا سر خك» بـا حركات فریبنده، تبسم میلح‌وبازی‌ما- هرانه اش تحسین همه رابر انگیخت امادر جریان نمایشنا مه مریض شد وبه‌شفاخانه بستری گردید اطفالیکه نمایشنامه را دیده بودند سخت‌علا- قه مندا‌وشده بود ندو او رادوست داشتندبعد از پر س‌و پال بخا نه اش آمدند برایش گلها هدیه‌کردندوبسیار کودکانه خوا هش‌کردند که دیگر مریض نشود و قسمیکه طو بــــی بمن گفت: چه خو شبختی‌میتواند بالا تراز ین‌باشد که‌توبخا طرمرد مــت زحمت بکشی‌ومورد تقد یر آنهـــا واقع‌شوی.

طوبی ازدوا ج نموده ویك دخترك مقبول دارد وشو هر طو بی نیـــز هنر مند تیاتراست .

طوبی‌غرض تداوی فعلا به هندو- ستان رفته‌است .

بندوستاره‌جذاب‌هندوستان



بندو ستاره مقبول ، ر قـا صه‌خوب که در مد ت کم در خششـــ خاصی داشت و مخصو صا درنقش‌های منفی خیلی موفق باز ی میکنند



امل ساین اکثرا به ک دیگر مسا فر ت نموده هایش خیلی مورد تو جه شده ناگفته نبا ید گذاشت چند آهنگ فارسی نیز اج از لطافت خا صی بر خور

چند ین بار از وی تقا آمده تا ستاره سینما شود خودش به این موضو ع دلچسپی نشا ن نداده اس

امل ساین اصلا آهنگها ترکی را میخوا ند و در قس خیلی سخت گیر است لباس های خیلی زیبا و شرقی درتهیه وآن استفاد

برای آواز خوا ن پر آو لبا س مشکل ترین کار اس

ناتالیاارینباس

ناتالیا ارینبا ساد وا شفق در فلم ((شبیکه مهت میشد)) ناتالیا ارینبا ساد زیبا وبا استعداد شورو تماشا چیان کابل اورا از ((نخستین آموز گار))، خوب میشنا سند و دوس



تارگان

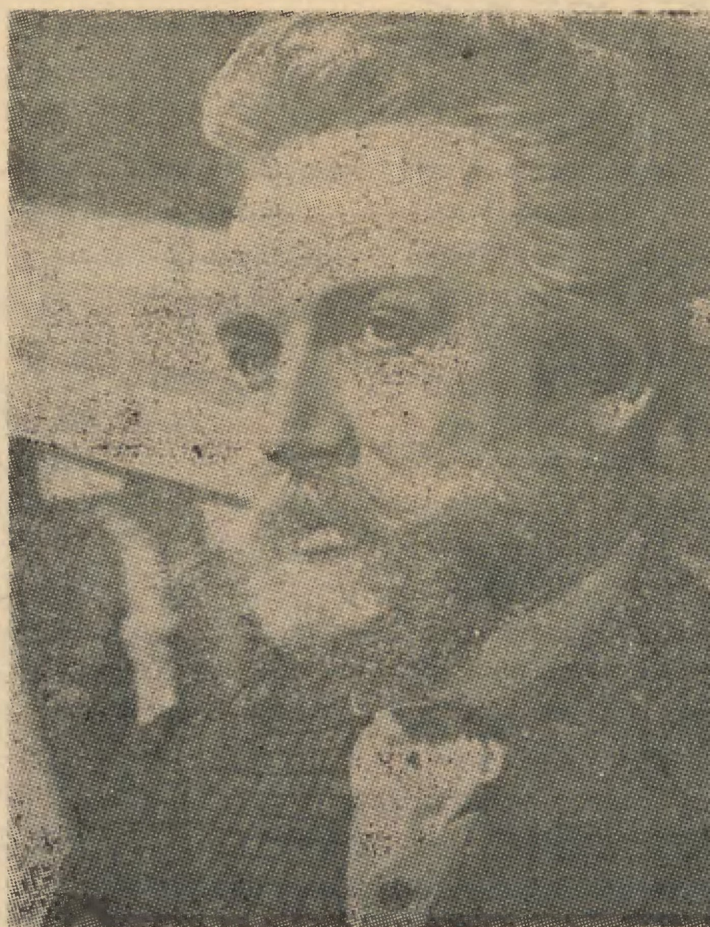
فسانه

هتا ب گر فته میشد))
ت که سنا ریو آنــــرا
تشکی به‌اسا ســس
شاعر مرد می باشکیر
ی موستا کریم نوشنه
ل زانو ف رژیسور آن

وقایع که از آن حکایت میشوددر آخر قرن هژده اتفا ق افتاده است . اما مفکوره آن که مبارزه به‌خا طری آزادی رو ح انسا ن کا ملا جد یـد است. ناتالیا نقش «شفق» راخیلی هنر مندانه بازی می نما ید .

همچنان درین فلم مو بار یا کوا، دلارام قمبر وا نیز حصه دارند .

سموکتونوفسکی در فلم چایکوفسکی



ی سمو کتو نو فسکـــی
نا شد نی سینمــــــا
تحاد شوروی این اکتور
را در فلم های ((ها
ایکو فسکی)) ،((حماـ
ق)) تما شا چیا ن و
ن کابل بخا طر دا رند
ر سینما ی کابل‌ننداری

را خیلی عا لی باز کر د ه ا ســت.

سا ل گذ شته تیا تر هنر ی مسکو به‌آلمان د مو کراتیك‌والمان فد رال سفر نمود و دو نما یـش عا لی را برا ی تما شا چیا ن‌عرضه نمود این دو نما یشنا مه چخو ف ((سه خوا هر)) و ((ا یوا نو ف بود)) که مو قعیت ز یاد برا ی

اکتور جوان وموفق سینما



گیورگی تا راتورکین آموزشگاه تیاتر جوانان‌را تمام کرده است و فعلا درتیاتر جــوانان فعالیت‌دارد. در فلم های « سو فیا پـیرو - فسکایا» ، فراموش نا شد نــ... مجازات ومکافات « رمان و ظیفو... بازی خیـلی نــموده و استعـ... خودرا خوب تبارز داده است .

لیکه کوژارادزی

لیکه کاوژارادزی محصله کنسر وتوارتبلسی است و از دوازده سالگی به عالم سینما راه پیدا کرد و تاحال که چند ین سال می‌گـذرد نقش زاد رادر فلم ها خیلی ماهرانه بازی‌کرده



يك داستان از «الكساندرپوشكين»نويسنده شـهير روسى

ترجمه از «حجار»

طوفان برف

مختصر ی راجع به نویسنده :
«الكساندر سر جيو يچ پوشكين»به تاريخ (٦جون ١٧٩٩) در مسكوتولد شده و به‌تاريخ(١٠ فرور ی
١٨٣٧ به عمر سی و هشت سالگی در شهر (پتير زبورگ) در اثـــريك دو يل از جهان در گذشت .
«پوشكين» نـويسنده ، شاعر ودرام نويس توانا ی بود كه تاريخ‌ادبيات اوراپيشقدم (دوستويفسكى)
و «لئو تو لستوى » می داند . او درعمر كم خود آثار زيبا دی بو جودآورد كه بسيار ی از آنها از شهكار های
ادبيا ت جها ن بشمار ميرو ند .
معرو فتر ين آثار او عبار تنداز:«اويگن اونگين» ،«بوريس‌گودونوف»،«د ختر كا پيتا ن »،«دو بروفسكى»
«مامور پوسته رسانى»و «طوفان‌برف» كه ترجمهٔ آن در اينجا تقد يـــم‌خوانندگان عزيز ميشود .
((مترجم))

در اوآخر سا ل (١٨١١) كه‌برای
يك دوره عجيبی بود «گاوريلا ـ
وريلو ويچ‌ـرـ» كه شخص پاكدل
خوبی بود در بالای مزار ع واملاك
خصى خود موسوم‌به(نينا رادوفو)
دگی می كرد . اودر تمام منطقـه
سبت مهما ن نواز ی و صفا ی‌قلب
رد شهر ت داشت . همسا يگا ن
واره اورا ملاقا ت ميكردند ، تادر
جا بخورند ، بنوشند ويا‌باخانمش
پنج «كوپك» قطـــعه باز ی ،
رستون» نمايند . بعضى ها هـم
ای‌آن اوراملاقات ميكردند تا دختر
را كه (ماريا وريلو فنا) نـــام
ست ويك دوشيزهٔ هفده سا لـه
رنگ پريده و اندام زيبا بود ،
شا كنند . اين دختر به حيـــث
و س مناسب ديده می شد واكثر

سپر ی می كرد . طبيعی است كه
مرد جوان نيز باهما ن عشق‌آتشين
اورا دوست ميداشت و والد يـــن
معشوقهٔ او هنگا ميكه از علاقــه و
عشق طرفين باخبر شدند ، دختــر
خودرا منع كردند كه حتی به‌اوفكر
هم نكند و همچنا ن باخود او نيز
يك وضعيت سرد نموده وبا مقايسه
يك مامور متقا عد هم بد تر از او
پذيرايی می كردند .
عشا ق با همديگر داخل مكا تبه
بودند وهر روز با هم ملا قا ت‌های
محرمانه در جنگل صنوبر ويا در
نزديكی يك كليسا ی كو چك‌كهنه
می‌نمودند . در آنجا به همد يگـر
از عشق وفادار ی ابد ی قسم می
خورد ند،از سرنوشت خود شكايت
می نمودند وبا همديگر پلا نها ی

فكر سعاد ت آميز او ل در مغـــز
مرد جوان رخته پيدا كرد و ايـــن
نظر «ماريا گاور يلو فنا»را كه‌يك
دختر احسا ساتی ورو ما نتيك بود
خوشش آمد .
زمستا ن فرا رسيد و ملا قـات
های مخفيا نهٔ آنها را قطع كرد .
اما تبادلهٔ نامه های آنها زياد تـــر
شد. «ولاديمير نيكو لا ييويچ» در
هر نا مهٔ خود به دختر ك زار ی و
الحا ح می نمود كه زن او شود .
آنها با هم مخفيا نه از دوا ج كنند
يك مدتی مخفی بمانند وبا لاخـره
به پا ی والدين بيفتند و طبيعـــی
است كه قلب آنها هم با لاخره از
اين همه مقاو مت وقهر ما نی وبد
بختی عشا ق به تر حم می آيد و
آنوقت می گويند : «اطفا ل من ،

آنوقت هر دو از زا
ميروند و در عقب باغ
مخصو ص رو ی بر ف
حركت بود ، می يابن
دوفو» پنج ورست . (
نيم كيلو متر) دور تر
(شا در ينو) و از آنجا
پيش كليسا ی ميرو ند
«ولاديمير» انتظار آنها
شام قبل از روز م
گاور يلو فنا» تما م شب
بود. او البسه خودرا
يك نامه برای يك زن
احساس كه دوستش ب
ديگر برای والدين خود
در اين مكاتيب از آنه
بسيار احساسانه و ظ
نمود و از اين تقصير خ
از يك عشق بزرگ بو
خواست ودر اخير ياد
اوآن لحظه را از خوشب
لحظات زندگی خود ميد
به او اجازه داده شود
پاهای والدين عزيز خو
بعد از آنكه اين هر دو
بامهر«تولا»، كه در بالای
شعله ور باكلما ت منا
شده بودند ، بست ، قب
صبح خودرا با لای بس
ودر يك خواب نيمه بي
رفت. اما رويا های وح
را هموار ه بيدار ميكرد
او خواب ميديد كه
لحظه ای كه ميخوا ست
كالسكه برفی بنشيند و
شود، اورا مانع می شو
وزوز با لای بر ف ها می
يك زير زمينی تاريك
اندازد واو باسر و قلب
آنجا می افتد .... و يا
راميديد كه با رنگ پر
خون آلود به روی سبز
است ودر حا ل مردن
جانگذازی الحا ح می نما
ازدوا ج باأو عجله كند
تصاوير وچهره های وحش

را رسید . فکر ی که‌اکنون
ین مرتبه روز را در حلقه
د به پایان میر ساند ،قلب
ر میداد . او خود رازنده
میکرد . در خفا از تما م
ر اشیا یی که دور و براو
نه بودند ، ودا ع مینمود.
حاضر شدوقلب‌دو بشدت
، باآواز م‍ُ تعش توضیح
یخوا هد چیز ی بخورد و
ادر خود شب بخیر گفت.
بوسیدند وقرار معمو ل
ا نمودند . او نزدیك بود
ن شرو ع نماید.دراطاقش
ی یك آرام چوکی‌انداخت
ك از چشما نش جار ی
مة او به او تو صیه کردتا
وجرئت خودرا از دسـت
ام چیز ها آماده بود .بعد
ت دیگر باید «ماشا »برای
انهٔ والدین ، اطاق خود
خترانهٔ خود را در عقـب
... در بیرو ن بـــر ف
بارید ن آغاز کرده‌بود .
می کشید ، شیشه ها ی
لرزیدند و تکان‌میخورند.
ها برا ی او به حیث یك
ك پیشگو یی وحشتنا ك
کرد . در منزل بزود ی‌همه
وبه خـوا ب رفـــتند .
ی شا ل دور گرد ن خود
یك بالا پوش پو شید .
ندو قچه ساما ن تز یینی
ست گرفته وبه طر فـزینهٔ
شد .

و دوبستهٔ دیگر را درعقب
د . آنهابه با غ رفتند .
ف ا دا مه داشت . با د
طرف مقابل شان میوزید
است این گنا هـکارا ن
از رفتن مانع شود .او به
درا به آنطرف باغ‌رسانید
پهلوی باغ کالسکه بر فی
ا می کشید . اسپها ی
ده‌ نمیخوا ستـــند آرا م
گادی ران «ولادیمیر» در

گذاشته و به سراغ عاشق جوان ما میرویم .

«ولادیمیر » تما م روز رادرگردش‌و تکاپو بود. صبح نزد کشیش قریهٔ «شادرینو» رفته و به زحمت باا‌وبه یك موافقت رسیده بود . بعد از آن به جستجو ی شا هد ین عقد دربین ملاکان در همسا یگی های خود بر آمد . اولین شخصی را که به‌ملاقا- تش رفت «دراوین» افسر متقا عـد چهل ساله ای بود که او فورا رضا- ئیت خودرا برای این موضو ع‌اظهار کرد . اوبرایش گفت که این سر- گذشت اورا بیاد شو خی هـــای دوران افسرا ن (هوسار) قد یـــم می اندازد . او «ولادیمیر» را برای طعام چاشت نزد خود نگهدا شت وبه او اطمینان داد که یافتن‌دوشاهد دیگر آنقدر مشکل نیست حقیقتا هم بعد از صرف طعام آقا ی«شمیت» که مسا ح مزار ع بوده با بروتها وموزه های مهمیز دار خود و پسر رئیس پولیس که یك جوا ن تقریبا شانزده ساله بود و اخیرا بخد مت سربازان سواره در آمده بود نزد ایشان آمدند . آنها نه تنهاپیشنهاد «ولادیمیر» را پذیر فتند ، بلکـــه قسم خوردند که آنها حتی حا ضر اند تاجان خود رابرای او نثار کنند.

«ولادیمیر» به گر می آنها را به آغوش کشید وآنو قت به منز ل‌بر گشت تاخودرا آماده سازد . شام- گاهان فرا رسیده بود.گادی‌مخصوص روی برف سه اسپه خود را باگادی ران وفادار خود «تریشکا»بااطلاعات دستورا ت به «نینا رادو فو»فرستاد وهدایت داد تابرا ی خودش یـ
کالسکه یك اسپـهٔ کوچك را
سازندوآنوقت تنها بدون کا لـ
چی سفر رابه طر ف«شادرینـ
پیش گرفت که بعد از دو سـ
(ماریا گاوریلو فنا) هم بایدبه
میرسید جاده برایش معلوم بـ
تمام مسا فت تقریبا بیست دقـ
طول می کشید .

اما هنوز «ولادیمیر» منطقه د
راتر ك نکرده ومزار ع وسیع
مقابل خود داشت که یك باد سـ
شرو ع بوزید ن کرد وچنا ن
طوفا ن بر ف شدید ی بو قـ
پیوست که او هیچطر ف خـو
دیده نمیتوا نست .

باقی



صحنه یی از مظالم غیرانسانی فاشیزم .

نوشته ی م • باز ، غوربندی

۹ می روز غلبه بر فاشیزم

وزی انقلاب کبیر اکتبر درسال ۱۹۱۷در
پهناور اتحاد شوروی چنان چرخش عظیم
ی است که تاریخ در طول سده های ایکه
سرگذاشته چنین حادثه رانبت ننموده
ه باترتیب تحولات و د یگر گونیهای
ی ، اقتصادی و اجتماعی ببار بیاورد.
زی انقلاب کبیر اکتوبر بودکه ضربت

بر جهان سرمایه وامپریالیزم فرودآورد
آنرا متزلزل ساخت زیرا با پیروزی
نقلاب نه تنها روابط جدید اقتصادی بوجود
لکه تکیه گاه خوب وبا اطمینانی برای
شورهای تحت تسلط استعمارواستثمار

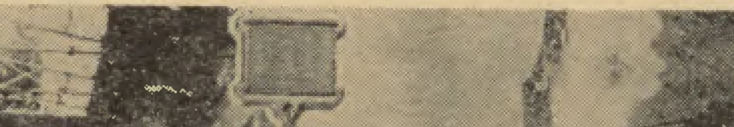
بیشرمانهٔ محافل ارتجاعی درجریان جنگ دوم
جهانی است. فاشیزم ودیگرمتحدینش که هدف
آقایی وباداری بالای جهان داشت ومیخواست
آقایی وباداری را بالای جهانیان تحمیل کند
ازهمه مهمتر مبارزه را بمثابه هدف سیاسی
خوددر قلم اول مبارزه علیه کمونیزم واولین
کشور سو سیا لیسی در جهان قرار داد زیرا
فاشیست هامیدانستند که کشورکبیرسوسیا-
لیستی تکیه گاه تمام نیروهای مترقی ودموکرا-
تیك در جهان است که بافاشیزم خصومت و
دشمن آشتی ناپذیر دارد • سیاست ضد
شوروی فاشیزم از طرف حلقه های ارتجاعی
وامپریالیستی مورد تایید قرار گرفت چه بعد

جون سال ۱۹٤۱ بطور ناگهانی بالای کشور
اتحاد شوروی حمله نمود و معاهده عدم تعرض
راکه درسال ۱۹٤۰ با اتحاد شوروی امضاء
نموده بودنقض کرد سکوت سپیده دم ۲۲ جون
درمرز های غربی اتحادشوروی بافیر توپهای
قوای متجاوز هتلری شکستانده شد هزار ها
طیاره با پرواز ویورش مرگبار وویرانکننده
بسیاری از شهر ها دهات ، قصبات ،خطوط
آهن، میدانهای طیارات وتاسیسات مربوط

به آنرا بمباردمان نمود درین ی
نازی نیروی بزرگی رابه ضد کش
سوق کرد طبق احصائیه ایکه بدس
درین حمله ناگهانی ۱۹۰ فرقه ک
فرقه تانك وقوتهای موتوریزه
۵ره ملیون سر باز و افسر ، پنـ
طیاره وبیشتر از ۳۵۰۰ عراده تان
توپ و هاوان شامل بود که وارد ج
حملهٔ ناگهانی فاشیزم به خاك ش
صاعقه در تمام خاك شوروی پخش
اتحاد شوروی را در چنان شرای
کشاندکه آلمان نازی قوت نظامی
قویتر از شوروی داشت و قو
نازیها در جنگ ایکه افروخته بو
ساله را کسب کرده بود نازیها
بودندکه میتوانند باحملهٔ برق آس
شوروی نفوذ کنند ولی بعدا ثابت
تخمین فاشیست ها غلط بود و آ
رفته بودند . نظام سوسیالیستی،
زودتر اردو، کمك همه جانبه مر
خردمندانه حزب کمونست اتحادشو
خودرا نشان داد• که درنتیجه فاشی
آنرامورد شك و تردید قرار داد
فکری بمیان آمدکه تفوق نظامی و
نازی موقتی است نه دایمی •

مردم اتحاد شوروی در ماه ج
تحت رهبری ح•ك، اتحاد شوروی
نفر راکه اعضای وفادار حزب
بودند به نیروی نظامی اتحاد ش
کرد. وتدابیری برای تربیهٔ نظامی
جبهه گرفته شد اعضای حزب
این وظیفه را هم داشتندکه هدف
وخانمانسوز را که از طرف فاش
شده بود بمردم واردوی شوروی تو

قوای فاشیستی در سالهای
تلاشهای زیادی بخرج داد
ستالینگراد،ماسکو، بلوروسیه واو
تصرف کامل ودوام دار خود بیاو
مبارزه ومجاهدت شجاعانه اردوی
شوروی قوای نازی به شکست
گردید اردوی شوروی مخصوصا ق



رین قطره خون و داشتن آخرین‌رمی
ایی‌شان دفاع نمودندمگریکی‌ازکارکنان
دوی‌شوروی اینطوربیان نموده بود :
نشینی رادر یافت ننموده ایم‌این‌بدان
ت‌که بایدتاپای جان ایستادگی‌نمائیم
ن بهتر ازعقب نشینی است.» قوای
نظرداشت که مسکوولنینگرادرا باخون
سان نماید و زمینه پیشرفت برای
عدگردد امابه‌اساس مبارزه بی امان
روی دریك جبهه وسیع از لنینگراد
سیاه در حدود ۵۰ فرقه دشمن از
وتابه فاصله های صد تاسه صدو
متری عقب نشینی‌نمودکه درنتیجه‌آن
مسکــو ، توله و ایزان کــا ملا
ید و قسمت های لنینگراد ، کورسك،
آزادی رسیدند وبهمین‌ترتیب باوجود
ر نظامی نازیها، فاشیستها بمهارامنفجر
رمی هارا چون باران فیر میکردند
ندکه ستالینگرادرابه تصرف خویش
ودر نوامبر ۱۹٤۲ مرحله دفاع از
د خاتمه یافت ودرسال ۱۹٤۳ جنگ
ستالینگرادباپیروزی اردوی شوروی
رسید • شروع سال ۱۹٤۳ را
ال تحول گفت‌چه‌درین سال در جبهه
هه شوروی موفقیت های چشمگیری
موده بود وبه تناسب سال گذشته
٤۷ هزار تانك ، در حدود ۳۵ هزار
دادزیادوسایط تخنیکی بقوای‌شوروی
بود در آستانه سال ۱۹٤٤ افزایش
نقطه نظرپرسونل ، توپچی وطیاره
نظه بود وبدینترتیب قوای مسلح
وز بروز موفقیت های بیشتری را
نمود که مردم شوروی به آن افتخار
عده از مورخین غربی وبــورژوازی
این حقایق تاریخی در سالهای‌بعداز
ی‌می‌نمود تااهمیت پیروزی شوروی
اورد ویابه‌کدام نحوهٔ دیگرجلوه دهد
چنین توضیح میداردکه این پیروزی
رمای شدید وعدم موجودیت‌راه ها
ای قشون متجاوز غیر عادی بود اما
کرد که چنین شرایط بهر دوطرف
دنه بیك طرف . طوریکه قبلااشاره
۱۹٤٤ سال پیروزی است درجریان
یروزیهای زیادی‌نصیب‌اردوی سرخ
ای هتلری راشکست های فاحش
بر فاشیزم طور همه جانبه آغاز
سال ۱۹٤۵ قشون سرخ شوروی

و۶۳۰۰۰ تانك وتوپ موتردار و۷۵۰۰ برونده طیاره جنگی‌اشتراك‌وسهم‌فعالانه‌گرفته‌بود. آلمان نازی باتبلیغ اینکه هیچ قدرتی در جهان‌یافت نمیشودکه آلمان رامغلوب سازدبه‌اطراف‌برلین قدرتهای بیشماری جابجا کرده بود لیکن این وقتی بود که هیچ چیز نه توپ وهاوان، نه طیاره نه مرز های مستحکم نه احضارات محاربوی نه فرقه های متعدد ونه مذاکرات سری با قوماندانی های امریکایی و انگلیسی نمیتوانست که آلمان را از شکست حتمی‌نجات دهد •

بتاریخ ۳۰ اپریل در حالیکــه دقایق اول صبح آغازشده بوداردوی شوروی‌ناحیه مرکزی برلین رادرتصرف خوددرآوردودرلحظات اولی پــرچــم ســـرخ پیــر و ز ی بــر فراز قرار گاه قشون مسلح آلمان فاشیستی بر- افراشته شد بااین شکست ننگین ، عده ای‌از فاشیست هافرار عدهٔ انتحار کردند وبعضی ازایشان دستگیر گردیدندکه در جمله‌انتحار- کنندگان هتلر نیز شامل بو د. بدینترتیب قوماندانی آلمان نازی به تسلیمی بلاقیدوشرط مجبورگردید وبتاریخ ۸می ۱۹٤۵ در نزدیك برلین نمایندگان قوماندانی عمومی قوا مسلح آلمان سندتسلیمی بلاقید وشرط رابه امضاء رسانیدند استالین دریك بیانیه به نمایندگی از حزب کمونست اتحاد شوروی چنین گفته بود: «قربانیهای عظیم ایکه بپاس آزادی و استقلال وطن ماداده‌شده‌محرومیت هاورنجهاییکه خلق مادر جریان جنگ تحمل کردند زحمات طاقت فرسای ایکه مردم بخاطر وطن درعقب جبهه ودرجبهه بخود متقبل شدند هرگزبیهوده نبوده وبا پیروزی کامل بردشمن به انجام رسید.»

حزب کمونست اتحاد شوروی وقشون سرخ بعدازآنکه‌متجاوزین‌راازخاك خودبیرون راندند رسالت بزرگ انترناسیو نالیستی خــود را فراموش نکردند و مکلفیت انترناسیو نالیستی خود دانستند که بکمك زحمتکشان کشــــور های همسایه بپردازند. کشورهای چون پولیند چکوسلواکیا، رومانیا، بلغاریا، یوگوسلاویا، اطریش وناروی راکه ساحه یك ملیون کیلو متر مربع را احتوا میکرد و ۱۱۳ ملیون نفر درآن زندگی میکرد ازشرفاشیزم نجات داد . و همچنان به اثر اعلام جنگ به جاپان کشور های شرقی از ملیتاریزم جاپان نجات یافت.
طوریکه درفوق تذکردادیم مردم‌اتحادشوروی

بیش از۶۰ملیون انسان درکام مرگ فرورفت که تلفات مادی و معنوی را بر ملل جهان تحمیل نمود •

خلاصه اینکه مرد م اتحاد شوروی هرسال ۹می یعنی روزفتح و پیروزی برفاشیزم را جشن میگیرند ویاد آن افسران وسربازان ایکه قهرمانانه بخاطرآزادی میهن شان رزمیده اند

گرامی میدارند . خلق اتح
کشور های صلحدوست و ت
پیروزی قشون سرخ برفاش
وباارزش تلقی میکنند چه
فاشیزم وتمام دار ودسته آ
گردید •



بیگانه

پیوسته بگذشته

به دهکده محل تعبید ش
یم ، و به پولیس تسلیمش
. او از کسی به نام ریاز -
ب پرسید که آیا در آنجاهست
برایش گفتند که این شخص
دارد . سپس پو لیس محلی
سید . از او پرسید که آیا در
دارد جایی اقامت کند . دختر
ی)) پاسخ داد . ولی ادامه‌داد:
یخواهم ریازنتیسف‌راببینم)) .
ی شانه هایش را بالاانداخت.
بقچه‌اش را بر داشت وبدون
حتی خدا حافظی آ نجا را
گفت .

بخش چهارم

سه گو خاموش ماند ، تا ببینند
ن به داستانش گوش مید هم
.
او پرسیدم :
دیگر اورا هر گز ندیدی ؟))
(باآنکه آرزو می‌کردم نبینمش
او را دیدم)) .
. به زودی بار دیگر اورادیدم
یگر ما را به همان بخش کشور
نادند . این بار محصل‌تبعیدی
ه نامش زگر یاژسکی بود انتقال
دیم . او جوان خوش بر خورد
د بود. آهنگ می‌خواند و گاهی
دو پیاله هم می نوشید . او را
به تبعید گاه دور تر می‌بردیم.
از سفر ها هنگامیکه ازشهر

خبری از او نیست . ولی زنده‌هست
مردم در باره اش گپ های زیادوکم
می زنند . و لی می توان د ر وا زه
شهر را بست و دهان‌مردم رانی.))
حالا یادم می آید که می گفت :
((می‌خواهم در بین «ازخود»
بمیرم)) در آنموقع به شدت‌عصبی
می شد . گپ عجیبی بود در بین
((از خود)) . به همین دلیل‌خواستم
بار دیگر او را ببینم . برایش بدی
نکرده بودم و او هم مرا به نظرخراب
نمی دید .

یك آدم خوب مرا ر هنمایی‌کرد.
او درگوشهٔ شهر در یك خانهٔ‌کوچك
که دروازه کوتاه داشت زندگی می-
کرد . آنچه که بیشتر از همه د ر
این خانه جلب تو جه می‌کرد ، آن
بود که اتاق روشن ، پاك و ستره
بود. دریك کنج آن تخت خواب
گذاشته شده بود . آنچه بیشتراز
همه به‌نظرمی‌خورد کتاب بود که
بر روی میز و رف ها کوت شده
بود . گوشه‌یی از خانه که پاك و
نظیف بود به کار خانه ، جا ییکه
یك چوکی باغی نقش بستره دوم
را با ز ی می‌کرد، اختصا ص
یافته بود . و قتیکه درون‌اتاق شدم
دختر روی تخت خوابش نشسته
بود . خود را در شال پیچا نیده و
پا هایش را جمع نموده بود چیزی
می دو خت . تعبیدی د یگر که
زیار نیسف نامیده شد، روی‌چوکی

مینمود.مردپرسید.
((چه شده هست ؟ آرآم بگیر))
مرد هنوز مرا ندیده بود . بعددست
مرا ر ها کرد و خودرا جمع تر
نمود . برای مرد گفت : ((فکر می-
کنم که آنان مرا مرده پندا شته
اند)) .
در این لحظه مرد رویش‌رابطرفم
گشتاند و چشم هایش به‌من افتاد.
روی پا هایش جهید و چنین‌بنظر
می آمد که قصد کشتن مرا دارد .
مردبلند بالا و زور مند بود ...

آنان فکر کردند که من‌برای‌بردن
دخترآمده ام . و لی و قتی که دید
ابری از ترس مرا هم فرا گرفته
است، خودرانگه داشت . د ست
دختر را گرفت و گفت :
((آرام باشید)).

رویش را بطرف من دوردادواین
کلمات از لبانش بیرون شد :
((و تو جوان بیعار برای چه
آمده یی ؟))

برایش شرح دادم که‌خودم‌آمده‌ام
وکدام مقصد خاصی ندارم . و من
کسی هستم که دختر را به این جا
آورده ام . دختر درراه بسیار
مریض‌بود و به همین خاطر می -
خواستم بدانم که حالا چطور هست.
مرد کمی نرم شد. ولی دخترهمچنان
گرفته باقی ماند .

مرد که این مطالب را فهمید با

انتخاب کردم . حالا می رو
من فکر بد نکنید)) .
مرد به پا خاست و بعد
نگاه جستجو گر به من ، د
دراز نمود و گفت :
((اگر بار دیگر گذرت
افتاد ، از ما خبر بگیر .)
دختر با تبسم مسخره آ
((فکرش نمی کنم بار
سو گذرش بیفتد .))
مرد اضافه کرد :

(این مطالب درست اس
اگر دلش می خواهد بگذار
رویش را به طرفم گشت
اضافه کرد :

((ببین همه چیزدرست

ازان پس ، دیگر چیزی
نفهمیدم . عیب شما این ا
بین خویش با زبان ظریف
گپ می زنید . در حالیکه
خواست بیشتر بمانم و

رابفهمم . ولی این حر
ممکن بانظر بد گمانی می‌د
لذا آنجا را ترك گفتم

ما بار دیگر آ قای زک
را در راه رفتن به تبعید
دیدیم و لی پیش از اینکه
مطالب بیشتری به دست
اینجا باز گشته بود . در
پولیس یکی از پاسبانان
وبرایش هدایت داد :

ه‌روز های دشواری‌را می‌
فکر می کنم به زو د یها
بدرود خواهد گفت: و اگر
یش‌رابربالینش نیا ورد .
ه‌گردنم در آخرت بسته
ند .))
گفتکوی ما ر یازنتسیف‌از
آمد . او مرا خوش آمدید
افه کرد :
ا پس آ مدید ؟ چـرا باز
)
باگام کوتاهی وارد خا نـه
بدنبالم آ مد .))
ا دیدنم گفت :
باز همان مرد عجیب آمده
و او را خواسته بودی ؟))
واب داد :
و خودش آمده است .))
این تو هین به شدت‌درد
عصبی شدم .
تیزه من برایت چه‌کرده‌ام
بالایم قهر هستی؟ فـکر
ن دشمنت هستم ؟))
شمین، وخودت وضع‌را درك
البته تویك‌دشمن‌هستی !))
س لرزش داشت و ا زا ن
ناتوانی می بارید . کومه
شدت سرخ شده بود ولی
فه شیرین داشت که مـن
ردم به‌آنسوی د نیا بـــه
روم . فکری در ذهنم‌آمد:
بادی نخواهد نمود . از او
خواستم که مرا ببخشد .
هسود که اگر بمیرد ومرا
برایش گفتم :
ببخش . اگر رو یهٔ بـــد
باشم مرا عفو کن .)) من
مسیحی خوب با او گپ
بار دیگر او عصبی شد ...
ر؟ حالا! هر گزنی ! تـــو
قع داشته باشی ! ممکن‌من
لی ذره‌یی از عفو وبخشش
برای تو و جود ندارد !))
خاموش شد و پس از لحظه
حن آرام ونرم‌ادامه‌داد.

دیگر آنان در عالم خـویش
ند . فقط آ دم تحصیلی‌کرده

((او حالا به دیدارت بحیث یك ژانـدارم نمی آیـد . او ترا مانند دیگران به تبعید گا هت ر سا ند. او فقط اوامر را اطاعت نمود. و لی حالا بدون اوامر آ مده است. نا مت چیست ؟))

((نامم استیپان است))

((و نام خانوادگی))

((پترویچ .))

((خیر . استیپان پتر ویچ تـو اینجا که‌آمدی کسی ترادنبال نمی‌کرد. نظرم درست هست ؟))

بلی درست حدس ز دید . اوامر، خلاف این گونه د یدار هاست. اگر آمرانم از این حرکتم بوی ببرند ، روزم سیاه خوا هد شد .))

او رویش را به سوی د ختر که از چشمانش نگاه نا با ورانه می ـ بارید نموده گفت :

((می بینی که حدسم د ر ست بود؟))

دختر د ستهایش را به شدت از میان دست های مر دبیرون کرد و گفت :

((من چیز نوی نمی بینم . این‌تو هستی که همه چیز را تصور می‌کنی به‌نظر من یك گژدم گژدم است . بلی ما دشمنان همدیگر هستیم ! کاراین گونه آدم هااین است که مارا زیـر نظر بگیرند ووظیفه ما این هست‌که طرح های شان را خنثی کنیم. ببین او ایستاده است و به همه چـیز گوش می دهد . من یقین دارم ا کر می‌دانست که ما را جع به چی گپ می‌زدیم ، فورا می رفت و آن راطی راپوری به‌مقام‌های بالایی‌می‌رساند))

ریازنتسیف رویش را به طرف من گشتاند و برق عینك های ذره‌بینش چشمم را خیـره کـــر د . نکا هایش تند و لی پر از محبت‌بود پرسید :

((تو چه می گویی ؟ و لی لازم نیست که ابراز نظر کنی . بعقیدهٔ من تو کمی تو هین شده یی .))

براستی اگر اوامر و سو گند ی را که یادکرده بودم ، در نظر می ـ گرفتم هر گاه از کسی و لو پد ر ، ی‌بود خلافی سر می زد آن را بایـ

((خوب نیست . این ا لبته‌چندان مهم نیست که او را نمی بخشی‌یابا او آشتی نمی‌کـنـی. ممکن ا ست از این حرکت تو قلبش جریحه دار شود واز تو رنجی به دل بگیرد . اگر او دشمن هم هست یك انسان می‌باشد . اگر تو اینگونه رفتارکنی ازهمه کس تجرید میشوی!))

دختر گفت:

((اگر من چنین هستم تو هم یك آدم خود نما هستی . آنچه بـرایت اهمیت دارد کتاب هایت هست و بس .))

این کلمات او را عصبی سا خت وناگهان از جایش جهید .. مثل‌اینکه او را ضربه کاری تکان داده با شد. دخترك از این کار هراسان شد و کمی خود را جمع نمود .

((تو مرا خود خواه می گویی ولی خودت میدانی که‌من چنین‌آد
نیستم.))

((من فکر می کنم چنین هسـ
ولی ((تو)) براستی حقیقت می
گویی ؟)) ((می گویم ولی توبیش
به آدم سر بهوا یی مانی ...))

دختر لحظه‌یی مکث کردتافکر
را متمر کز بسازد . سپس د ست
رابه‌طرف وی دراز کرد. مـــرد
را گرفت . د ختر بـــه چهره ا
موشگافه دید و گفت :

((متیقنم که تو راست میگویی

من احساس کردم که بیـکـار
احمقانه ایستاده ام و آندو را می
بینم. گلویم رابغض مـــی‌فشرد
سپس او رو یش را به طرفم‌گشت
واین بار بدون آ نکه از نگا ه
بیزاری و تنفر ببارد د ستش را
سویم دراز کرد و گفت :

(باقیدارد)



جواب به نامه های شما

پست

سلام علیکم خوانندگان و همـــکاران بزر گوار !
آرزوی سلا متی و مو فقیت شما مـــی پردازیم به پاسخ نامه های رسیده یی این

ت عزیز محمد ظاهر ایـوبـی متعلـم‌صنف دهم لیسه عمر شهید !
بزینه سلام ما را هم بپذ یرید و بهارپعرام و شاد برایتان خواهانیم . همکـــار
ا چنین مینگارد :« روز های شگفتـن گلهای رنگین را ، باز رسیدن فریاد بلبلان
راو بهار پربرکتوپرسعادت رابه کارکنان ارجمند مجله ژوندون مبا رك بادمیگویم
ان خوش باد ، روز تان و هفته تان‌همچنان ..» سلامت باشید همکار مهر بـــان.
ب و عنایت بی شمار تان ممنو نیـم .دو پسکارت قشنگ ارسالی‌شما را جهت
به زنگو گرافی‌فرستادیم که تا دریکی‌از شماره های آینده به چاپ زنیـــــم .
بی خنده وبا مزة (!) تانرا به متصدی صفحه خنده حوالت کردیم که بنام خود شما
سپارد . خداحافظ تان همکار خو ب .

عزیز حمید پروانه محصل‌دارالمعلمین‌سید جمال الدین !
- از سلام ، خدمت همکار عز یـــزعرض شود که چنین نیست و چنان نخوا هد
از لطف و محبت شما و قدر شنا سی‌شما دربا ب مجله و گــــــرداندگـان آن
داریم ، مجله ژوندون به ویژه‌صفحات‌مجله ژوندون پذیرای تراوش فکری خـــوب
یسنده مو فق است و به سخـــــن‌دیگر هر که متاعی نیکو آورد ، آن صفحات
ش است . متصدیان صفحه های‌مجله، آن صفحا ت را اجاره و سر قفلی نگرفته‌اند .
مطالب دیگران صفحه هـای خـویش‌ر ا آ ذ یـن مـی بنـد نـــد . و بر ا ی
ر ن نـا ب و نغـز حـق اولیــت در چاپ‌قایل اند و هیچ‌نظر ندارند که ایـن
ه از کی است : تا نو یسنده اش را ببینند و مطلبش رابه چا پ زنند . تقسیـــم
به بخش های جدا گانه جز ایـــن‌نیست که کار ها به وفق مراد بیانجا مـد ،
دیگری در نظر نیست ، یعنی کار هاانسجام بیشتری بگیرد ، مطالب برای چـاپ
ردد و بالاخره به نشر برسد . بیش‌از هشتاد و پنج در صد نبشته های صفحات
سی مجله به یمن قلم همکاران مجلـه تهیه میگردد که از اینرو اعترا ضی با قـــی
ند ... اگر باور نمی کنید و نمـــی‌پسند ید ، باری ، امتحا نش شرط اســت
ط بر اینکه آن نو شته به مفهــــو م‌واقعی کلمه نو شته باشد .
سدیان صفحا ت در گز ینش‌مطا لب ارزنده از هیچ کو ششی دریغ نمی ورزنـدو
مکان سعی به خرچ مید هنــــــد که‌تا خوبترین نبشته ها را برای صفحـه های
زینند واز سوی بیشترین بخش مواد آن صفحه ها بعد از ارز یا بــــی هیـا ت
به ایشا ن سپرده میشود که دراین‌صورت با ز هم جای شکایت باقی نمی ماند
رسیده به اداره یك مجله و روز نامه‌بسیار است ، ازاین جهت مطالب رسیده بعد
سی و باز نگری به نو بت آسیای بابه‌به نشر میرسد که همانا چند روزی را در بر
فت ودیگرهیچ... به خدامیسپاریمتان.
ست عزیز ناصر آرین !

خدا غصه و غم را دور نگهه دارد و روزگار تان خو ش بگذرد . تنها در ز
فکربی قرار رانپیچانید که شمـا را از کـارهـــا ی مثبـت دیگـر بر کنار
تنها الف قامت یار در ذهن تان نقش‌میگیردکه جز یار چیز دیگری نخوا هید گ
اطراف تان نظر اندازید . با مردم بیآمیزیدبه‌گفتگو وصحبت ایشان بنشینید و
شعر بگویید ... و بخوانید شعر دیگر تانرا :

بی تو در لحظه های تنهایـــی   خسته ام میکنـــد غم جـ
زندگی آن بود که باتو گذشـــت   بی تو مرگ‌است هرلحظه ج
بی توا ی یار هــــــمدرد م   کلبه ام از بهار و گل خالیس
بی توای روز روشـن مـــــن   روز من سخت تاریك و طولانی

• • •

دست دعا بلند میکنیم که خدایا همکـــار عزیز ما را از درد هجران بر هان
همکار ارجمند ما مشوره دو ستانه‌اینست که‌اشعار بزرگان‌ادب را بسیار بخوانید
شاعر خو بی خواهید شد .

دوست عزیز عبدالواحد «تور» محصـل پو هنخی زبان و ادبیات !
سلام همکار عزیز . خو شو قتیـم که بازهمکاری خویش رابا مجله خواستنی
داشتنی خود می آغازید . چکیده احساس‌شمارا بنام (شاکـب کیهان) مطـالعه
ولی راستش از شما چه پنهان که‌چیـــــزی‌نفهمیدیم و القای معنی نشد . کلما
دراین پارچه ادبی به چشم میخورد کــــــه‌نمیدانیم چـه معنی میدهـد ؟ از آ
اینهاست : کشیبا نه ، ابرج ، ملـحـون ،لهجت ، درواج زمین ، لحن بـــ
صاعق ....

میگو یند شعر از بهر مردمان گو یند نه‌از بهر خویش ، شما هم همینگو ن
شعر از بهر مردمان گویید .

هر گاه فر صتی میسر تان شد ، سری‌به مجله ژوندون بز نید تابا هم د
زمینه به گفتگو بنشینم ، انتظار همکاری های‌بهتر تانرا داریم . خدا حافظ .

دوست عزیز اسد الله مفتون محصـــــل پو هنخی فارسی !
سلام علیکم برادر عزیز . چکیده احساس‌شما را بر خواندیم ، بخوانید :

باز پشت پا زدی به عهد ووفـــــا ی خویش   رنجیـده نمودی د ل بیت
باز کردی سفر به دیار نازوفسون   افسرده نمودی روح شاداب مرا

* * *

ای عشق پر شکوه من خدا را   دیگر مکن غمگین و ناشاد مرا
مسوزان مرادر مجمر سوزان هجر   بهر خدا باری بنما تو هم یاد مرا

* * *

انتظار همکـــاری پرثمر شما را میبریم . موفق باشید .

دوست عزیز سید حسن خدیر از ولایت‌فاریاب !

بپذیرید سلام صمیمـانـه پـاسخگو را . افتخار (!) بخشیدید که این کمتر

مود کرده اند تاسف درین جا است که آقای جواب نویس پیرا مــو ن
دقیق نشده به سخن پردازی همت گماشته اند . اگر (شاداب) برو فــق
ات را سرقت کرده باشدلطفاً ماخذ و مدارك کلمات مضمون مسرو قه راکه
یا بیتی باشد با تشخیصـــ منبع آن توضیح فرمایند در غیر آن نظر شان
خواهد بود . همه میدا نندکه هر نویسنده و شاعر بویـژه صـاحبان
جلب وجذب و رهنمایی های مفید بسـی نیـازمنـد میباشنـــد بنا وظیفـه
یسنده مجرب ووطن پر ست وناقد آثار این است که با درك واقعیت های
جامعه در جهت احیا وشگوفایی استعداد های برازنده کشور از آراء نظریا ت
مفید دریغ نورزد . امـروز درین عصر درخشا ن مردمی هر انســـــان
با شعور در حالی که ازمزایای نگارندگی بر خوردار گردیده باشد به حقیقت
خن گو یان کم تجر به را ازمشوره های خود بهره مند می گرداند . مگر
مان طوریکه از سیاق کـلام شان پیدا است ضمن تو صه یه مطا لعـــه
و بابی اعتنا یی به قانـو نادبه (شاداب) رابز عم خود محکوم به سرقت
. ازاین ادعای دور از مفهو مشان استنباط میگردد که مو صوف بفرسنگها
شعر و ادب بدور مانده انـــداگر نو یسنده محترم شمه ای از مزا یا ی
ی بودند تحت تاثیر عـوامل خود خواهی فرو نر فته به ابراز چنین جواب
مل نمیشدند . اگر مرام شان ازین درشت نـویسی استعداد کشـی باشد
در روش نقادی و نویسندگی فکر میکنم جواب نویس محترم در مـــورد
ل اشتباه گیر آمده اند .

رم و همهٔ مـا میدانیم که با پیروزی مر حلهٔ نوین انقلاب شکو همنـــد
ش ساحات حیا تی و ادبی باز شده چنانچه محترمه شاداب ازیـــــن
ملی الهام گر فته اجمالا درقطعه شعری برداشت خود را بازیبایی اظهار
با داب که درین مـــــواردمطابق استعدادش مطـالعـات عمیـــق کـرده
خود را به صورت نظـــــم تقدیم خوانندگان محترم نموده استاستعداداو
در خور تحسین است .

واب نویس این طـــــر زسخن نو یسی را محکوم به سر قت نـــموده
ن کرده اند زیرا این یك امر مسلم است که سخنوران هیچگاه از تــوارد
وده و این چنین تـــواردد ر کلام قدما و معا صرین احساس شـــده
گو نه توارد ها را در کـلام سخن سازان تاحدی مجاز دانسته اند هرگاه
کلام دیگران اقتباس شو دناگزیربه سرقت محکومش می کنند .
وده های شاداب کاملا زاده طبع خودش بوده واز دیوان کدام سخنـوری
ر به گفتــه آقـای جـواب نویس محصو ل مطالعه و تتبع در رشته نظم
گرد آوری ها حیثیت سرقت را به خود بگیرد پس تمام سخن سازان وچیز
، تاریخ نگاران حتی جناب خود شان هم در قبال سار قین قرار میگیرند
ی جواب نویس را ازریشه خشك و دور از مفهوم می خوانیم .

یب تو بنمود راست خود شکن ، آئینه شکستن خطااست

۴۴) مورخه چار دلو ۱۳۵۹ مجله ژوندون آقای پاسخگوی با تایید انتقاد
رم (فروتن) شاعر بـــــا احساس ولایت فاریاب را محکوم به سر قت
شتن کـلمات درشـــت به آئینه ادبی این شاعر جوان خاك زده مـــی
ای لو شگفتــه را پـژمرده سازند .

خواننده مجله ژوندون درباره پار چه شعر عبدالر حمن «فروتن» و سید
نموده بالاخره برایم اینقدر معلوم گردید که پارچه شعری که مـــورد
رفته به ماه جوزای سـا ل ۱۳۵۲ به روز نامه فاریا ب بنام عبدا لرحمن
رسیده اما پارچه شعـــر سید نور (فرخ) به ماه جدی سال ۱۳۵۲ به
گردیده است پار چـــه شعر (فروتن) نسبت به شعر (فرخ) شش ماه
میدانم که (فرخ) کیست ودارنده کدام دیوان است یاخیر .

پاسخگو

آیا صلاح مید هید که به دروغ بگویـــم فلان کس بهترین شعر زمانه را سروده است؟ وهمینگو نه به دروغ تشویقش کنم کـــــه ...ن بهتر از مولانا و حافظ است. آیا این دروغها ، بر زمینش میز ند یابرآسما نشـــ برد ؟ آیا و قت آن نرسیده است که با خواننده جز راست هیچ نگفت ؟ و آیا این درست نیست که بی پرده با حقایق رو برو شویم ؟ و آیا لاز مست که به ناحق کسی را عند وار بسازیم و به درو غش بفریبیم .....

گر راست سخن گو یی و در بندبمانی   به زآنکه دروغـت دهد از بند رهـایی

باری گفتم و اجبارا بار دیگر نیز میگویم که توارد غیر از اقتباس است . تـــوارد را چنین معنی کرده اند «پیاپی وارد شدن، با هم دریکجافرود آمدن ودراصطلاح ادب آنست که دو نفر شاعر بی خبر از یکدیگر هر کدا م شعری بگو یند که از حیث لفظ و معنی با هم مانند هم باشد بطو ریکه گمان برود یکی ازآن دو نفر این شعر را از دیگری نقـــــل کرده است.» باری در آن زمینه پاسخ گفته ام «رجوع کنید به شماره هـــای پیشین مجله».

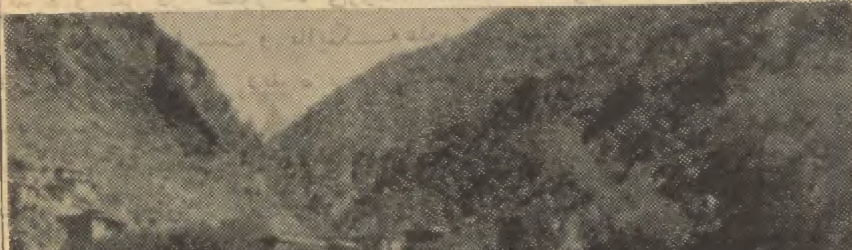
و به پاسخ بخش های دیگر نامه تان ازربان حافظ میگویم و میگذرم :

دوستان ازراست می رنجد نگارم چون کنم

دوست عزیز همایو ن از کارته پروان

سلام همکار عزیز وارجمند .سال نورا به شما هم مبار ك میگو ییم . همکار مابه مبارکی سال نو شعرقشنگی از حافظ جهت نشر بـــه این صفحه فرستاده اند که باسپا س فراوا ن نشر میکنیم .

به عزم تو به سحر گفتم استخاره کنم
بهار تو بهشکن میرسد چه چاره کنم
سخن در ست بگویم نمی توانم دیـــــد
که میخورند حر یفان و من نظاره کنم
بدور لاله دمـا غ مـــــراعلا ج کنید
گراز میانه بزم طـر ب کـنـاره کنم
رز وی دست مرا چون گل مراد شگفت
حـواله ســـردشمن بسنگ خار ه کنم
گدای میکده ام لیك و قت مستی بـیــن
که نازبرفلك حکـم بر ستـا ره کنم
بتخت گل بنشا نم بتـــی چـو سلطا نی
ز سنبل وسمنش سازطوق ویا ره کنم
چو غنچـــه با لب خندان بیاد مجلس شــــاه
پیا له گیر م واز شو ق جا مه پاره کـنم
مرا که نیست ره ورسـم لقـمه پـر هیزی
چرا ملا مـت رند شرابخوا ره کـــنم
زباده خورد ن پنهـــان ملـول شد حا فـظ
ببانگ بر بـطو نی را زش آشکاره کنم



برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

محمد عمر ((قر یشی))

عواقب ناگوار ازدواجهای اجباری

جهان امروز ، جها ن د یــروزنیست ،عصر اتوم ، جای خود را برای عصرما هتا ب وسفا یــــن فضا ئی گذا شت . انسا نها ی متر قــی ، صلحــد و ســتو عــلم د و ست بــر طبیعـت چیره‌آمدند و زند گی خو یشتن وهمنو عا ن خود را ، علمی ،تخنیکی واقتصادی نمودند ، از وقت کم ، استفادهٔ اعظمی اخذ واز مصار ف بیجا واسراف ، جلو گیری کردندوبد ینطر یق در عصر حا ضر ، زند گی بشر ، اقتصادی گردید .

اگر به دید ۀ دقت نگر یستــــه‌شود،هویدا میگردد که دوام وبقای بشر، درا بین همهٔ مقتضیا ت عصــرو ضرور تها ی مبر م و قت وزمان بوده‌است .

بنا برا ن کشور ها ی عقب مانده و کشور های رو به انکشا ف نیز از ا یــن قــا عــد ۀ کلــی بامقتضیا ت عــصر و ضرور تهــای مبرم و قت وزمان ، بر کنار ما نده‌نمیتوا نند و می با یست ز ند گی ساده ، بی تکلف و عاری ازمصارف کمر شکن و بی لزوم را ، بر زندگی تجملی واسراف ، مــر جح پنداشته‌ودر عرو سیها و مرده د ا ریهــا از رسو م کمر شکن و مصا ر ف بیمورد که علی ر غم مقتضیا ت‌عصر حاضر و مغا یر پر نسیپها ی‌علمی‌واقتصا د یست ، جدا حذر و از آنها جلو گیری نما یند تا خانواده‌ها ی کو چك و خا نه بز رگــك (جامعهٔ) در منجلا ب فساد ،ناداری‌وهلا کت ، دست و پا نز نند .

یکی ازرسوم‌هاي کمرشکن،ننگین‌ومضحك که در کشور ها ي عقب ما ند ه و نیز در کشور ها ی‌روبه‌انکشاف ،تاکنون متــداول و ریشهٔ آن ، عمیق بوده ا ست و بااینکـــه‌علوم ، گستر ش یا فته هنوز هم بکلی ، ریشه کن نگر دید ه ، عمل‌شوم و د ستور نا گوار ازدواجهای اجبار یست .

بدین معنی که بعضی از پدران‌ومادرانیکه‌یابکلی از نعمت‌گرانمایه سواد محروم و یا کمتر از دا نش ، بهره‌دارند ، جگر گو شه ها ی(فرزندان) خودرا ، جبراً وقهرا (بــد و ن‌رضا ئیت آنا ن) در بد ل مبلــغ

و پا ك آنا ن ، دید ه و آگا ها نه‌نبایست در تنور سوزان ، وحیا ت آیندهٔ آنا نرا به آتش‌سوزان‌مبدل کنند ، چه عمل شو دوا جها ی اجباری ، نه تنها عواقب‌نا گوار ، پیشرو دارد ، ب چنین از دوا جها ی ا جباری ،فجایع شو م نیز در قبا ل منتج به انتحار ، طلاق و جدا ئــی‌همیشه بین زوج وزوجه و گونا گو ن اجتما عی میگر دد .

تــو قــع ما از همچــو پدران‌و ما د ر ا ن محتر م ا ین تا در جهاد ملی علیه (فــرو ش‌دختران) و (معاو ضهٔ دو بالغ ، به پو ل نقد و جنس زیاد) با دو لت و حکو مت جمهور کرا تیك افغا نستا ن ، همبستگی کامل و سهم با رزی دا شت ودر مبا رزه علیه امحای کا مــــل‌فساد ها ی اجتما عی با متین انقلا بی و فکر سا لم ا زازدوا جها ی اجباری ، نه حذر کنند بلکه دا خل کار وپیکار انقلابی گردند و بگذا رند کاخ زند گی مسعود و آرا م آیندهٔ فر زندا ن شا ن ، ا ستوا بنای حیا ت نسل آیند ۀ جا معــهٔ افغا نستان انقلابی ، سا ل در خشا ن و شکو همند با شد .

شعر از : کمال نصر الله شاعر تاجیکی
گزارش از : غلام حیدر یگانه

به‌من گفتند ...

به من گفتند گنجشکان ،
به من باد بهاران گفت
تو بامن بودی همدل ،
تمام روز باران گفت .
* * *

نهان از تو به من گلها
دلت راصاف بکشادند ،
تبسمهای گر مت را
نهان از تو نشان دادند .

* * *

من و تو کودکان داریم
یکی ارمان ، یکی افسوس
بیا، نام دیگر مانیم
به آنها : شادی و بهروز
* * *

به من گفتند گنجشکان

راز نهان ما همه در پردهٔ دل است

ـرد آورنده : جلیل احمد نهیك

آرام دل

ـورت نبند دای صنم ، بی زلف تو آرام دل
دل فتنه شد بر زلف تو ،ای فتنه ایا م دل
جان من مو لای تو ، مـــن غرقهٔ دریا ی تو
دیر یست تا سو دای تو ، بگر فته هفت اندا م دل
جان بشو قت بنده شد ،زین بند گی تا بنده شد
ـل زنامت زنده شد، پر شددوعالم نام دل
ـنا دلم ازچشم بد، نی‌هوش‌دارد نــی خــرد
تا از شرا ب عشق خود ، پرباده کردی جام‌دل
ـام آمد ازدلم ای ماه حــــل کن مشکلم
کی خوا هد آمد حا صلم ؟ای‌فارغ از پیغا م دل
ـرخ مه گر دو ن تو یی و زلب‌می گلگو ن تو یی
کام دل من چو ن تو یی ،هرگز نیا بم کام دل
ـمگنان‌راهمدمی ، شادی من‌از توغمی
ـطار))را در هرد می ،جانا تویی آرام دل

غلام دل

ـه زدم بدر شبی در هو س‌سلام دل
ـانگ رسید ، کیست آ ن،گفتم . من غلام ، د ل
ـعلهٔ نور آن قمر ،میزد ا زشکاف‌در
ـر دل و چشم رهگذر از برسقف وبا م دل
ـنور روی دل‌پرشده بــودکوی‌دل
ـورهٔ آفتا ب و مه گشته کمینه‌جام د ل
ـر گر فته از بر ش ، کرسی‌وعر ش اکبر ش
ـوح نشسته بردرش مینگر دپیام دل
ـت قلندر آن پسر کو بتـــوگفت مختصر
ـمله نظر بود نظر در خمشی‌کلام دل
ـ کون مست دل گشته زبون‌دست دل
ـر حله‌های نه فلك ، هســـت یقین بکا م د ل
ـتبر یز شمس دین)) چو ن بر عار فا ن رسد
ـ ترا ببر ورد ، از پی‌اهتمام‌دل

جدا دل

ثبا تی نیست بنیـــاد نفس را
حبا ب ما چه بند د بر هــوادل
مزن ای بیخبر لاف محبت
مبا دا آب گر دد از حیـــــادل
حر یفا ن از نشا ن ما مپر سید
خیالی داشتم گم گشت با دل
فسر د ن ((بید ل)) از بیدردیم نیست
چو موج گو هر م در زیر پـــــادل

زهی دل

نشد یك لحظه از یاد ت جــــدادل
ز هی د ل آفر ین د ل مر حبادل
ز دستش یکد م آسا یش ندارم
نمیدا نم چه با ید کر د بــــادل
هزا را ن با ر منعش کر د م ازعشق
ولی بر گشت از راه خطـــادل
به چشما نت مرا د ل مبتـــــلاکرد
فلاکت دل مصیبت دل بـــلاد ل
ازین دل داد من بستا ن خدایا
زد ستش تا به کی گو یــــم خدا دل
درون سینه هم آهی ندا رد
فقیر و عا جز و بی د ست و پاد ل
بشد خا ك و زکو یت بر نخیزد
ز هی ثا بت قد م د ل با وفادل
زعقل ودل د گر از من مپر سید
چوعشق آمد کجا عقل و کجادل
تو ((لاهو تی)) زدل نا می د ل‌از تو
حیا کن یا تو سا کت با ش یادل

پروانهٔ دل

صفا کرد م برا یت خا نــــــهٔ‌دل
قدم کن رنجه در کا شا نــــــهٔ‌دل
بدور شمع ر خسا ر تـــــــوگر دد
سمند ر منز لت پر وا نــــــهٔ‌دل
شهید غمز هٔ مستا نه ا ت شد
قضا کرده است پرپیمانه دل
بصحرا ی جنو نم میر سا ند



دستگیری

پاریس یك دزد خطـــر نا كهنگام سر قت در یكی از خانه‌هـــا قتلی شد وفرار كرد ...

سس پس از تحقیقات هویت‌اوراكشف كرد وشش قطعه عكسش حالت مختلف برای ادارا تپلیس اطرا ف شهر ارسا ل داشت كجا اورا دیدند دستگیر شكنند .

ی از چند روز گزارشی بدین‌مضمون ازطر ف پلیس یكـــی از ت كوچك رسید :

س از جستجو بسیار پنـــج نفر از دزدا نرا دستگیر كر دیم نفر ششم هنوز اطلا عی دردست نیست .))

دو دیوانه

ز صبح وقت فورا دیوا نه‌ای ب بر خاست وبا شتا ب به گوشه ی دیوار رفت وخا ك ار دیوار را پس زد .درهمان یوانه دیگر ی به طر فاورفت وپرسید :

دیوانه گفت : دیشب درخوا ب دیدم كه صد افغانی در اینجا گـــم كرده‌ام وحالا میخواهم آنرا پیداكنم. دیوانه دومی خندید و گفت : پس حق داشته اند كه ترا به ایـــن شفاخانه آورده اند .

دوست عزیز مگر دیوانه ای امروز صبح‌صد هانفر ازاین جا آمدو رفت كرده اند حتما كسی اورادیده وبرداشته است !

یك اشتباه

مادری از پسرش پرسید :

ـخوب امتحانت چطور بود ؟

پسرك گفت :

ـمن آنرا بسیار خوب گذراندم وفقط یك اشتباه كردم ۰

مادربا خوشحالی پرسید :

ـخوب این یك اشتباه چه بود ؟

پسرك گفت : تنها اشتبا من این بود كه ورق را سفید به معلم دادم ۰



بدون شرح

دعوای زن وشوهر

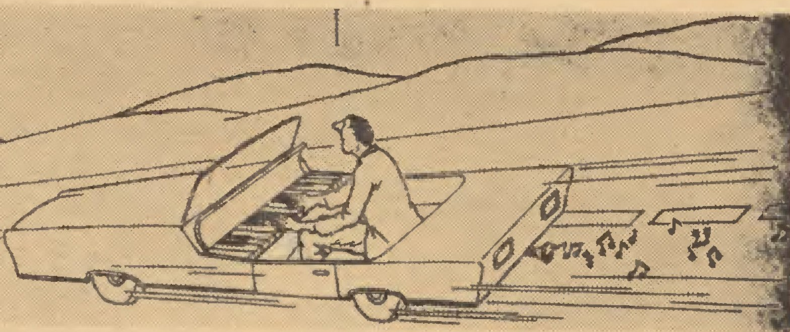
زن وشوهری باهم درحال دعوا بودند هر چه از دهانشان بیرون می‌آمد ب

میگفتند ۰۰۰ مرد روبه‌زن كرد وگفت :

ـمرابگو كه بازنی مثل تو زندگی میكنم ۰۰۰تو فیل وگاو را نمیتوانی از هم ج كنی

زن فریاد كشید : نادان خودت كه‌مرااحمق میدانی من بسیار هم خوب

فیل‌و گاو را میدانم ، آیا تا بحال به تو گفته‌ام‌فیل ؟!



بدون شرح

آخرین وصیت

خانمی در بستر مرگ افتاده و آخرین دقایق‌زندگی را میگذرانید۰ شوهرش در كنار ش

كدام حسن

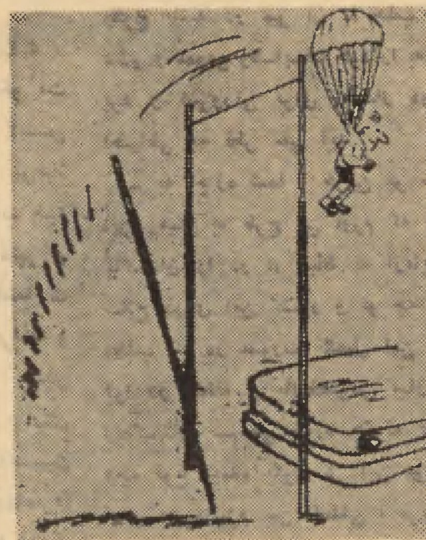
دو دیوانه باهم صحبت میكردند

اولی : درده مایك دره ای است

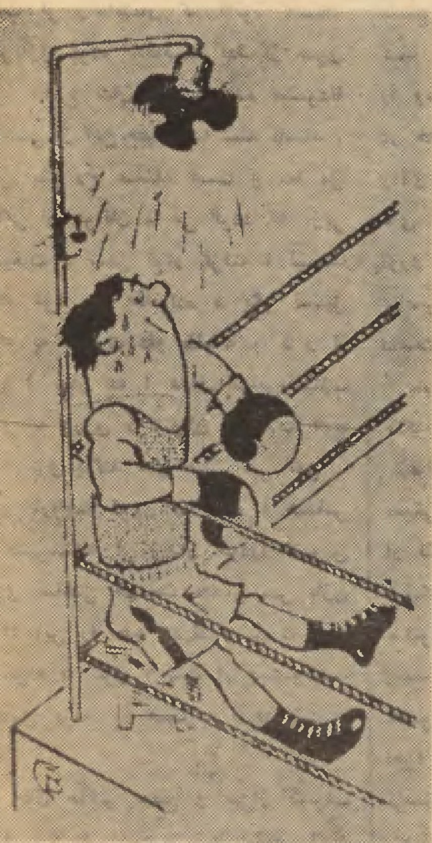


ورزش

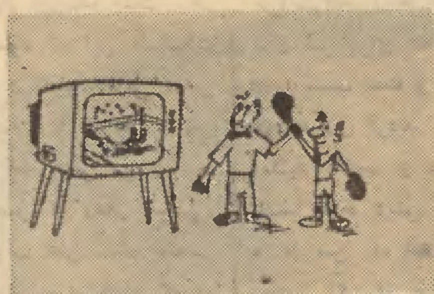
در لابلای کارتون های جالب

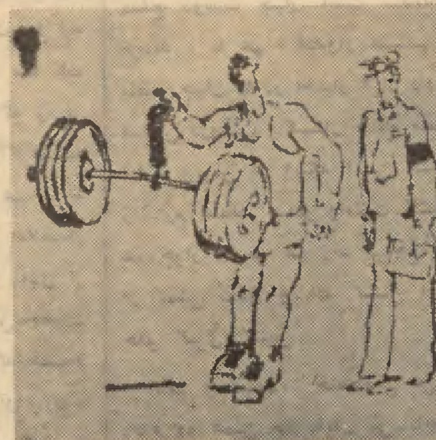




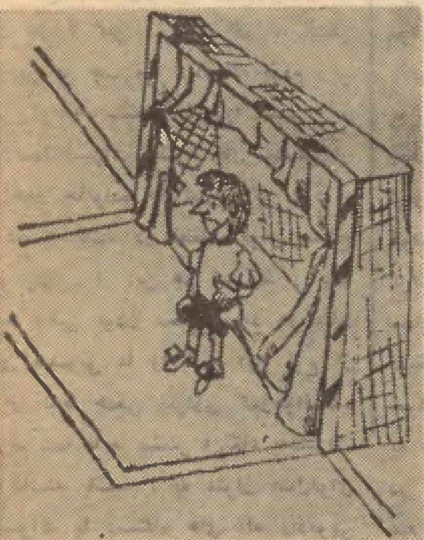
















آنان که مرگ می آفرینند...

به صفحه ۷

مو رد آ گا هی خانواده ها نیز د ر
جلب فر زندانشان که قانونا مستعد
سربازی بوده بلافاصله بعد از سوق
به اطلاع شان ر سا نیده میشودتا
سویشی از این جهت ندا شته باشند .
این یك رخ مسئله است و شا مل
ندکی از جوانان ما می گردد که زیر
تلبیغات د شمن قرار گرفته ا نـــد
یکه هزا ران خانواده د یگر نـــیز
که به صورت داو طلبانه با د ر ك
، ا یمان به ا هداف انسانی انقلاب
ر یا ورزی د شمنان ا نقلاب هیچ
به پرو پاگند های میان تهی نمی ـ
و باروحیه قوی افغانی و ا حساس
طنپرستانه فر زندان خودرا تشویق
سری ساختن خـدمت مقدس سر بازی
که این رو حیه ودرك و بر دا شت
نمونه د یگری ا ست از پیـــونــد
عمیق مردم با حـــزب ، دو لت و
.

ر حال حاضر سطح و میزان نشرات
دفـــاع با تـوجـه بـه تبلیغـــا ت
ز هر آ گین د شمن کم به نـظر
واین مو جب می گردد که مردم زیر
ین گو نه تبلیغات نا روا قـــر ا ر
ه شما نشرات مطبوع تان بیشتر از
میان خانواده ها توزیع گر د د و
داشته باشد در قطعات قوای مسلح
میگردد ، از این هم که بگذ ر یـم
به پائین بودن سطح سواد در میان
ای میلیونی ما واینکـه این نوع از
ار تباط جمعی تیراژی کم‌وخوانـنده
رند شما باید بیشتر ا تکاء به‌نشرات
داشته باشید ، به عنوان مثال‌قوای
میتواند با دستگاه های آله رادیویی
های خاص ذوقی ای را تهیه و درخلال
به تبلیغات خودرا گسترش د هــد،
ظر شما در این صورت شما باتوانایی
ین ا مکا نات را در اختیار خود قرار
که از تاثیر سوء تبلیغات دشمن
اده ها بکاهید ؟
ر شما کا ملا درست است ، ا یـــن
ی از همان نخستین روز های مرحلهٔ

ودیر ز مانی نخوا هد گذشت که قـــوا ی مسلح بااستفاده از دستگاه رلشن راد یویی کمك کشور کبیر شو را ساحه نشرات خود را وسیعا گسترش داده و به صورت‌مداوم در خلال پروگرام هـــای متنـوع روی اهداف والای حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان ، زمینه های تحقیقی هدف های ا نقلاب ، حفظ‌دست‌ـ آورد های آن وافشای ما هیت ضد مر دمی عناصر ضد انقلاب تبلیغ‌ات سود مند خواهیم داشت .

ـ نقش یو نت های سیار صحی درجبهات جنگ برای رساندن کمك های اولیـه عاجل تازمانی انتقال مریض معدوم و یا مجرو ح به‌یکی ازشفاخانه‌های قوای‌مسلح درجلوگیری از تلفـات جـانی بسیار ارزنـده است . در حالیکه چنین گمان میشود که این مشکـلات تاکنون حل نگر دیده و کمبود هایی دراین زمینه ها چشمگیر است ، با تو جه به این خصوصیات آ یا بر نامه هایی در د ست اجرا ندارید که با تکمیل کد رهای طـبـی‌و نرسنگ عا جل در یونت های سیار صحـی بتوانید جلـوگیر واقعـاتـی گـردیـد که در مجموع حجم تلفات را می تواند بلند ببرد ؟

ـشما به خوبی میدانید که پر سونل طبی به تناسب جمعیت در کشور ما بسیار کـــم ومحدود است که خود علل وانگیزه هـــای فراوانی دارد که آ نرا هم باید در خصلت‌و خواست نظام های ضد ملی گذشته به‌کاوش گرفت ،به همین اساس با آ نکه من نـــظر شمارا به صورت یك کل و در مجموع ر د نمیکنم این را هم اضافه می نمایم که در شرایط کنو نی از تمام ا مکا نات استفاده به عمل می آید تا سر بازان معدوم‌ومجروح در کمترین فر صت ممکن به نز د یکتریـــن شفا خانه قوا ی مسلح انتقال یابد و د ر صورتیکه ا مکان تداوی وی در مر کزاولی وشفا خانه های و لایتی میسر نبا شد با استفاده از و سایل ترانسپورت خاص و هلیکوپتر هایی که ب ه‌همین منظور و انجام چنین خد ماتی می باشند به مدرن تر یــن شفا خانه های کشور یعنی شفا خا نـــه اکادمی علوم قوای مسلح در کابل انتقا ل داده می شوند و به و سیله مجرب تر ین

ومیزان امکـــانات عمومی طبـی در کشور مـــا تلفات ما در جبهات جنگ تا آنجا که مربوط به مسایل ر ساندن کمك های طبی میگردد بسیار اندك و در نازلترین سطح خود قرار دارد .

ـ عده‌یی چنین ادعا دارند که بدون د ر نظر داشت رو حیه ا علامیه قبلی حکو مت جمهوری د مو کراتیك افغانستان در ایـــن زمینه که در صو رتیکه سر با زا نی‌قبلا بنا به عللی و فریب د شمنان از قطعات خود فرار کرده باشند و دو باره برا ی سپر ی نمودن بقیه مدت دوره عسکری به قطعا ت خود حاضر گردند مورد عفو قرار گرفته و مدت خدمت قبلی شان نیز در مدت ا صلی عسکری مورد محاسبه قرار می گیرد، مواردی وجـود دارد کـــه سربازانی مشمول ایـــن اعلامیه به قطعات خود باز آ مده ا ما صرفا آنها به خاطر فرار از قطعه مورد مجا زا ت قرارنگرفته ا ما دوره سپری شده خدمت شان نیز برای شان مجرا داده نشده که همین سبب شده و این عده دو باره ازقطعات خود فراری گردند ، آیا شما این نظر ا رد میکنید یاتائید و در صورتیکه ا د عا وارد باشد چه د لایلی برای این گونه سر پیچی ها از متن یك اعلامیه وجود دارد ؟

این یکی از صد ها موردی اســـت که بیشرمانه افتراء می‌گردد و من با مسئولیت به‌شما میگویم وبه همو طنان ا طمینان می‌ـ دهم که هر گز حتی یك مورد هم‌وجود ندارد که چنین تخطی از اصل مسوده اعلامیـــــه صورت گرفته باشد ، ا صولا این اعلامیه به همین جهت مو رد تصویب مقا مات عا لیه حزب ودو لت قرار گرفت که تمام ا مکا نات مساعد برای آن عده از سر بازی که ز یر تاثیر دروغ‌پردازی های د شمن‌قرار گرفتـــه واز کردهٔ خود نادم می باشد فرا هم آ ید و بر مبنای همین اصل بعد از نشـر اعلامیه‌از طریق وسایل ار تباط جمعی عده ز یادی از سربازان مشمول این اعلامیه واپس‌به‌قطعات خود حاضر گردیدند و تمام دورهٔ که قـــبلا درقطعه خود خد مت شان را بسر آو ر د ه بودند برای شان مجرا گردید و هر گفتـــه دیگر دراین زمینه همه تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب است .

ـ یکی از شایعات گرم روز این است که وزارت دفاع ملی به خاطر تکمیل بست های قطعات قوای مسلح و جبران کمبود های

انقلابی بدر آ ید .
احضـ ر چنـد دوره بـه شکـ
و قتـی مـــورد سـوال قـرار می
مسئله تجاوز عساکر ا جنبی به
مطرح باشد در غیر آن با جلب
عادی و عمومی وظـایـف خود را ب
برد و ضرورتی برای احضار د
احتیاطی به نظر نمی آید .
ـ به اجازه شما آ خرین پر
این زمینه به طرح می آورم که
پاکستان را در ار تباط به آزما
سلاح ذروی این کشور و تو جه
مطلب که در صورت تکمیل این
قوا در منطقه و بالخصوص میا
وپاکستان بهم می خورد چگونه
وچه نوع آینده نگری در این مو
ـ امپریالیزم بین المللی ا مر
گان آن و ارتجـــاع زمینه ها و
به و جود می آورند که ازرژیم
پاکستان به عنوان ژاندارم منطقه
گردد به همین اساس است که ای
امریکا در این اواخر تصمیم خـود
برکمك یك میلیارد دالر کمك نظ
پاکستان اعلام داشت ، ا مپریال
باکمك های خود برای دا را ساخ
به بم هـ ی ذروی در واقع صلـ
جهان را به خطر موا جه می گرد
علتی است که تمام کشور های
نظام ها ی ملی و متر قی با پی
طرح که مو جب تشویش تما
صلح دوست جهان است شدیدا
کردند ، ما هم ا میدوار هستیم
منطقه جهان با در اختیار قرار دادن
مدهش دردست پاکستان صلح منط
نیفتد وپیش از اینکه ایـن کشو
ژاندارم منطقه صلح وامنیت کشو
هم جوار را بر هم زند مراجع بی
از عملی شدن وپیاده گشتن این
جلو گیری کنند .
گفت و شنود ا ختصاصی من
دفاع در همین جا پایان می یابد
میخزم وخدا حافظ میگویم که‌بر
میگوید :

ـ لطفا از قول من به همه مرده
به تمام ملیت های برادر ساکن

که در آن کارگر احساس میکند جامعه
براو وکار او ارزش قایل است و قدر ا
میداند ـ از این ها که بگذریم روز ج
کارگر در واقـــع هو شداری است به دو
ها در سر اسر جهان که کار نامه ها وپر
های بیشتری را برای آسوده حالی کارگ
وزحمت کشان طرح کنندو به عمل پیاده سا
از نظر این دو نفر بعداز پیروزی انق
ثور در کشور ما واقعا گام های موثری
جهت تامین زندگی کارگران برداشته ش
واکنون این طبقه درشرایطی کاملا متفاوت
گذشته قرار دارند، مثلاحق شان تلف نمیگر
مزد شان زیادشده است، تامین صحی واجتما
دارند رابطه کارفرما نیز باآنان کاملا انسا
میباشد چه در غیرآن اتحادیه داخل عمل ش
وخطا کار به مجازات می رساند آنان در اخ
صحبت خود از مجله ژوندون خواهش میکن
باری نیزپای درددل چندکارگر خباز بنشینین
گفتنی های آنان را درج صفحات خود سازد
این بود صحبت کوتاه وفشرده مابا چ
تن از روسای اتحادیه های صنفی شهر کا
که امیدواریم شما را خوش آمده باشد .

اتحاد وهمبستگـــی شما پا سخ دندان شکنست بر توطئه های ضد انقلاب ومتحدین جنایتکار امپریالیستی آن!

پیروز بادطبقه کارگر و تـــمام زحمتکشان سراسر جهان کـه درراه صلح، دموکراسی وترقی اجتما عـی برضد استثمار جسورانه می رزمند !

زنده باد جبهه ملی پدروطن ،این تشکل پرتوان کلیه نیرو هـــای وطنپرست ودموکراتیک کشور انقلابی مان افغانستان آزاد وسربلند !

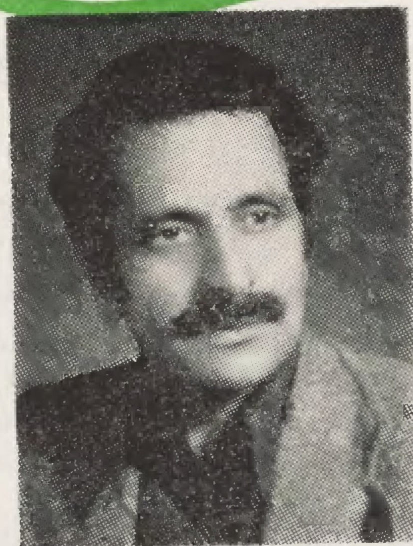
...قق کامل زحمت های

یک پرسش خبرنگار ژوندون
ودر این سفر ها متوجه
ر رابطه کار ـ کارگر و
ور های سرمایه داری و
میگوید :



ولی معاون اتحادیـه

میگردد بی آنکه خو د شان سهمی در استفاده از تولیدات داشته باشند ، امادر کشور های مترقی و پیشرو جهان وضع کاملا عکس این کشور هاست به این ترتیب که کارگر مورد استثمار قرار نمیگرد . زندگی او تامین شده اســـت تامینات صحـــی و اجتـــما عـــی فـراوان دارد کـــه از آن استفـــاده میکند واز همه اینها بالا تر او عملا در سر نوشت جامعه خود نقش عمده دارد ودر واقع زیر نظامی کار میکند که در خدمت زحمت کشان قرار دارد و نه در خدمت سرمایه ویا سرمایه سالاری ـ کارگر در کشور های مترقی صاحب زندگی آسوده بوده لباس نان و خانه او و خانواده اش رادولت تامین میکند واو هـم نیک میدانند که آنچه به انجام میاورد در خدمت مردم اوست ونه برای اقلیت استثمار گرو- به همین جهت با علاقمندی تمام وتلاش فراوان



گل محمدمعاون اتحادیه های صنفی خبازان شهرکابل

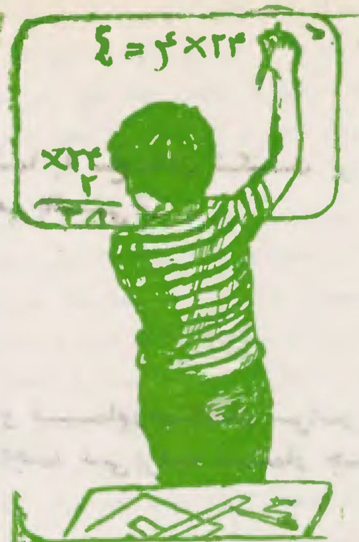
که به قول شان تمام آنهابه عضویت اتحادیه در آمده وازاین جهت بسیار مسرور وراضی نیز میباشند .

این دو نفر در مورد چگونگی کار خبازی میگویند که کارگران خبازی ها کار بسیار مشکل و تاقت فرسای رابه انجام میاورند .

بقیه صفحه ۳۵

مردهارا یک گپ است

ها وخواست های مرا بایك خند
تمسخر آمیز که این تمسخر در آن
زمان غرور م راسخت جر یحه دار
ساخته بود جواب داده گفتند اولتر
به سرو وضعت رسید گی کن بـ
بوت ها یت وصله بزن وبعد به رسامی
دست ببر داز این خاطره هر گـ
فراموشم نمیشود و همیشه درگوشم





اطفال امروز

دولت‌های کارگری ورهایی کودکان از رنج ومحنت

در طول تاریخ جوامـــع بشری به خصوص
داز ایجاد اولین جامعه مبتنی براستثمارفرد
فردکه آنرابه‌نام فورماسیون اجتماعی بردگی
نامند کودکان زحمت کشان همراه باخانواده
ی شان مواجه به رنج و محنت تاریـــخی
شوند واز همان آوان‌جامعه بردگی استثمارو
م طبقات ستمگربه اکثریت مردم‌آغاز می‌یابد
ثمره و توشه تاریخی آن تا ایجاد جامعه
دی از تنا قضات طبقاتی بدبختی اکثریت
ده وسراسر جامعه طبقاتی ازین محرومیت
ه هاو نکته هادارند .

طبقات ستمگردرطول تاریخ تاقدرت داشتند
ن زحمتکشان را چو باده نوشیدند کاخ‌هاو
رها آباد کردند و هزار هاومیلیون هـــا
سان رابه خاك وخون کشیدند تاخودشان‌آرام
سعادت مند باشند .

اگر مختصر نظری به تاریخ جوامع طبقاتی
ندازیم بر وشنی معلوم میشود کـــه در
اف قصر های‌پرزرق وبرق ستمکاران‌تاریخ
ان های نیازمند و محتاج به نان وخانه
د بوده واکثریت مردم را تشکیل می‌دادند.

سرمایه داری این مبارزه روشنتر شده وبشکل متحد و متشکل تبارز یافت .

مبارزه کارگران قهرمان در جامعه سرمایه داری فروغ تابان وروشنی رابه ارمغان آورد که نجات بشریت از استثمار وایجاد جامعه سوسیا لیستی است .

به همین ارتباط اولین کشور سوسیالیستی در جهان بوجود آمد و خانواده های زحمتکشان از استثمار و بدبختی نجات یافتند وکودکان بعد از آن در جهانی چشم کشودند که باید این عصر وزمان را عصر رهایی کود کان زحمتکشان نامید .

مبارزه زحمتکشان بعد از انقلاب اکتوبردر سراسر جهان رونق انقلابی یافت ویکی پی

دیگر زنجیر های استثمار و
گسیخت وراهی رهایی توده ه
به‌همین اساس برای نجات
هاو دهه ها را نام گذاری نمو
بین المللی زنان سال بین الم
طرف ملل متحد به سویه جها
رسیده ایم ونداى کودکان ج



سنویم که یکجا باهم شعار میدهند.
جنگ وجنگ افروزان زنده و
صلح •
مبرم کودکان جهان را صلح جهانی
دهد تادر پرتوآن رشد طبیعی و
دکان به صورت درست تامین‌گردد.
ما کودکان بسیار رنج برده‌اند و
نیز مبارزه انقلابی جمهوری‌دمو-
نستان در راه دفن کردن جسد
ماندگی ای است، که تمام خانواده
وطن از آن رنج می‌برند •
ه کودکان ما در شرایطی قرار
ه بیرق افغا نستان انقلابی بلند
پر تو رنگین آن نجات همه‌را به
بینیم مخصوصا از کودکان راکه
ین کشور اند •
در زیر این بیرق مجلـــی به
ستثمار گران نیست که مانع‌رشد
ی‌کودکان‌شوند ونگذارندکه‌کودکان
رشت ساز خود باشند اکنون همه
ایش برای کو دکان مهیاست‌در
ی کودکستان ها مکاتب وتعلیم
برای کودکان میسر میگردد و
کراتیك افغانستان برهبری حزب
لـق‌افغانستان بامتانت واستواری
ند •
همه مردم ماشگوفان شده وامید
کشان به واقعیت تبدیل شده
مادرین راه پیکار نموده وتا جهان
دارد به پیش می‌رود •
دکار داد که درین روند انقلابی
و خانواده ها را بسیج نمود وبه
نقلابی داد چه در پر تو آگاهی
که امید نجات جامعه و رفاه و
را می‌توان جستجو کرد •
نواده هاوبه خصوص روشنفگران
تا اول از خود و خانواده های
کنند وطن خود ووطن داران را
وعشق بوطن داشته باشند تادر
بوطن ووطنداران آگاهی انقلابی
ویکجا با کاروان ترقی وپشرفت
پیکار را کمایی نمایند •
آگاه وبادرد ماوظیفه ورسالت
کان وطن رااز منجلاب بدبختی
ر راه باسواد ساختن کود کان

داران و کودکان ما مسعود خواهد شد •

بنابر آن باید شمار داد که همه خانواده هادرین راه بسیج شوندودر تربیت نسل‌آینده تـــوجـــه جـــدی مبـــذول دارنـــد تاعملا به نفع کودکان کار های مفید و مثبتی صورت گیرد ودرین راه باید مادران راکمك نمود • چه مادران بامحبت‌و دوستی وصمیمیت لایتناهی فرزندان شان رادرآغوش گرفته تربیت می‌نمایند • وزیر چتر تربیت همین مادران است که نسل های بعدی تر بیت می‌شوند.

در فرجام آرزو مندی انقلابی همکاری و همدستی در راه نجات کشور بوده تاهمه‌و همه درین راه در راه رهایی فرزندان رنج ومحنت پیکار نمایند •

زیرا همین فرزندان زحمتکشان و فرزندان فقر بودند که سالهای سال رنج های بی‌کران را باگوشت وپوست لمس نموده‌و همان‌گونه که باغم اندوه بوجود آمده بودند همان طور تربیت می‌شدند به همان شکل سر در زانوغم بایك دنیا آرزو نیست‌ونابود میشدند ومادران‌و پدران خویش رادر ماتم خویش سیاه پوش می نمودند از شروع زندگی تاختم آن نه نان داشتند نه لباس ونه هم زندگی ان... تولد ایشان کسی شادمی شد ونه ا... ایشان دلی پرالم. مگر اکنون همانط... همه ساحات زندگی روشنی وپیرو...

گردیده است در ساحه تعلیم وترب... کودکان نیز صفحه جدیدی باز شده... واریم این صفحه تضمین کنندهٔ آیند... رنج کشیده و محنت دیده ماباشد •

به امید پیروزی های کودکان کار... رنجبران و همه کودکان جامعه ماو...

غفاربیانی

حماسهٔ برادری

به شرف پیروزیهای انقلاب شرافتمند ثوروِدوستی و همکاری سابقه دار وخلل ناپذیر میان مردم همدل وهمتبار اتحاد شوروی و افغانستان •

اسراررحمان

«حماسهٔ برادری» نام مجموعهٔ شعر محقــق جوان وشاعرجمهوری‌سوسیالیستی تاجیکستان اتحاد شوروی، اسرار رحمانو است .

اسرار رحمانوف ۲۹ سال دارد ودرقریه «ارتوچ»مربوط وادی «زرافشان» تاجکستان‌زاده شده است • آموزش مکتب ده ساله (میانه) رادر مکتب مولدش ختم نموده است •بعداز اتمام مکتب میانه‌محصل‌فاکولتهٔادبیات پوهنتون شهر دوشنبه مرکز تاجکستان اتحاد شوروی شده است • دورهٔ پنجساله تحصیلی پوهنتون از پر ثمر ترین دوران حیات علمی اسرار- رحمانوف محسوب‌میگردد. وی نظربه استعدا وعلاقه، راه پژوهندگان دانش را پیشه کرده پایان نامه تحصیلی‌اشرادر نقدحال وآثارناصر خسرو قبادیانی بلخی دفاع نموده و بحیث عضو علمی انستیتوت شرقشناسی تاجکستان مصروف کار است •

پژوهش و مطالعهٔ آثار متقدمان شعر ، وی رابه شاعری کشاند • شعر گفتن رادر آوان تحصیل در مکتب میانه آغاز کرد • نوشته هاواشعار رحمانوف درروزنامه ها وجراید و مجلات تاجکستان نشر شده است • رساله پایان نامه تحصیلی اش نیز چاپ شده است انقلاب ثور میسازد بامنظور نظر شاعرسروده شده و هریك از پارچه های شعری ، با تذکر نامهٔ شاعرآغازمیگردد. بمنظور معرفت بیشتر خوانند گان بامجموعه ، اینك هریك ازشعرها را باتذکرنامه شاعر یاد داشت میدهیم •

شعر «چکامهٔ دوستی » که آغاز گر ایـــن مجموعهٔ دستنویس بوده و ۲۲ بیت دارد که بااین بیت معروف حافظ برجسته شده است:

درخت دوستی بنشان‌که‌کام دل به‌بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد

«دست دوستی» پارچه شعر ۱۲ بیتی شاعر این چنین معرفی شده است: «الهام ازهمکاری ومددگاری بیغرضانهٔ اتحاد شوروی‌به‌افغانستان

«انقلاب ثور » پارچه شعریست که به افتخار پیروزی انقلاب شکوهمند ثور سروده شده است انتخاباً به افتخار سومین جشـــن انقلاب ثور در شماره گذشته بابرگرداندن‌از الفبای سر یلیك بچاپ رسید •

شعر «درفش آرمان» رادر یازده بیت سروده است : «بمناسبت برافراشته شدن بیرقهای ملی - دولتی وحزب واحد دموکراتیك خلق

نستان اهدا شده چنین تذکر نامه «برای هنرور جوان و خوش الحان هنگامه »

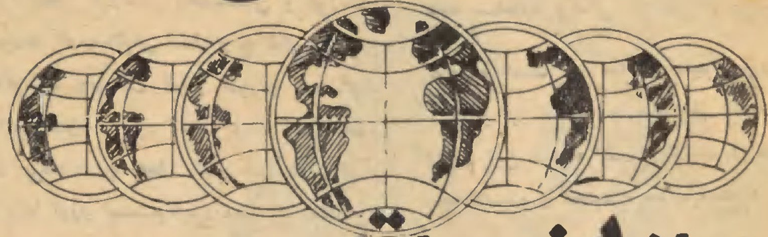
شعر «سرباز دلاور افغان » چنین آغ...

شهر خواب وده خواب‌وطفل در گهو...
گوییا مردم همه مستند از کیـف شـ...
لیك سر باز دلاور
خواب رادر سر ندارد تاسحر •

«مراجعت» نام شعریست در ۱٤۸... که‌بااطمینان ناکامی کامل‌ضدانقلاب درافغ... ایجاد شده است • اسرار رحمانوف... خانم ویك پسر بوده و خانمش معل... است •

دختر افغان

دختر افغان حالاچادر از سر برگرفت...
شه رهٔ عشق وامیدوزندگی را سرگر...
تانویسد نامهٔ آمال بخت خویش ر...
سوی مکتب خانه رفت وخامه و دفتر...
مثل‌شمع تیره سوز، عمری‌زغم‌میسوخ...
شعله های بخت اوحالادم اختر گرفت...
گلبن گلهای زرد یأس وناکامی شکس...
از بهار انقلابی ، لالهٔ احمر گـرفت...
کاسهٔ صبروقرارش ازستم لبریزشد...
جام شادی برلب آوردوچوآتش درگرف...
دست‌اعجازآفرینش تیره دوران بسته‌بو...



تنظیم وترجمهٔ: میر حسام الدین برومند

باستانشناسان لاشهٔ یک جوجهٔ فیل ماموت راپیدا کردند

در منطقه‌ ای موسوم به «مادانگان» محلیکه آنجا زغال سنگ بخصو ص نوع تور ف‌آن اد پیدا میشود حین بیرون آورد ن ذغا ل نگ طبیعی اخیرا یك کشف جالب ، توجه ستاشناسان را به خود سخت معطـو ف شت . محل متذکره که در حصه شما لی رق دور مو قعیت دارد و در نزد یـك ه «کیر گلیاش» واقع شده است . اینـك ای با ستا نشاسان این یك حاد ثـه قعا عجیب است چه او شان یك لاشـهٔ موت را که قدامت آن بیحد زیاد بوده و به سریخ مربوط میشود ، یافته اند ایـن ل ماموت واقعا عجیب است با این توضیح لاشهٔ حیوان بدون پو سید گی، خرا ب دن و یا تغییر دادن شکل آن کا ملا بشکل صلی آن به حالت خود باقیما نده اسـت. کنون بشر قادر به کشف آثار و بقا یای ل ماموت و همچنان اسکلیت هایی ازیـن وان گردیده بود اما نه‌به لاشه آن. واین ینا زیاد سگفت انگیز است واز تصور هـم ور . جو نکه ماموت ها بیش از ده هاهزار ال قبل مرده اند . فیل های ما مـو ت حیوانا تیکه به قدیمی ترین انسان هـا



جوجهٔ فیل ماموت که تازه یافت شده .

خود و کاملا سالم مانده باشد . بـعضی از محققین باستا نشنا سی نظریه شوا هـد و قراین مدعی اند که این لاشه فیـل بین (۱۶۸٦ - ۱۷۵۰) باید جسم جا ندا ری بوده باشد که بعد آن ازبین رفته . همیـن دانشمندان فیل های مذکور را متعلـق به سایبر یا میدا نند چو نکه هوا آنجا سرد و امکـان پـوسیده شـدن یـك جسـم نسبت به محلات گـرم به مراتـب کمتر میباشد . بعضا از محققین میگو یند کـه ماموت ها از پو ست ضخیم خود زیـاد

کشف شده (۱۱۵ سانتی متر طول) ، (۱۰٤ سانتی متر بلندی و ۵۷ سانتی متر خر طوم) ودارای پوست سرخ میباشد که‌کار تحقیـق در مورد آن در انستیتوت شرق سا یبر یـا جریان دارد . این جوجهٔ ماموت دریك مرداب سقوط کرده بود که در همانجا از بین رفت. البته سطح یخبندان عفونت ، پو سید گـی و گندیدن رامانع سا خته است . از محلیکه این جو جه فیل ماموت یافت گردیده. شاخه های کوجك ، جرا گاه ها و پو ست های

درختان غوش ، سبزه ها و گیاه نیز همز مان از محلیکه لا شه پیدا شده است .

قبل از آنکه مطا لعا ت بی در زمینه لاشه متذکر ه صورت این مو ضوع کاملا تثبیت گردید مذکور در حوا لی اخیر عصر یخ است وبه‌عبارهٔ‌ای به‌تقریبادوازده قبل تعلق میگیرد .

دهمین فستیوال بین المللی موسیقی در ج.د. آلمان

از سال ۱۹۷۱ بدینسو همه سا له‌موزیك نوازان کار آزموده با مدر نترین و همچنان کلاسیك ترین آلات موسیقی چون کلار نت یوزاون ، بانجوترومپت ، سمسفون و تو له در شهر «درسدن» گرد می آیند و بر نامـه های هنری شا نرا به منصه اجـــراء در می آورند ، بدون آنکه هیات ژوری ای و جـود داشته باشد و ارز یابی کار موزیـــك نوازن را به‌سر برساند . چیره دستـــی هنر پیشگان و موزیسین هاکه دریـك فضای بدون سقف و آزاد هنر نمایی می کنندهمگان را بوجد و شعف وامیدارد و این خود ثمـره کار هنر مندان را تثبیت میدارد .

فستیوا ل سال جاری مدت یکماه بـه درازا انجامیدو سهمگیرند گان در یـن فستیوال با شور واشتیاق سر شار دریـن جشن و بزم مو سیقی سهم بارز گر فتند موزیك جاز نیز دربن فستیوال راه داشت

دو صد نفر از موزیسین ها از مختلف جهان درین فستیوال رسانیده بودند و از برلین ، نیز اشتراك ورزیده بودند که شمار تمام هنر مندان شا مله (۲۰۰) نفر میرسید . (۲۵) نو جاز در سالون بزرگ کنسرت که در هوای آزاد اجراء گردید داشت این مطلب که سالون « سالون فعالیت های کـلتور محصلین » نیز مینا مند در اط ساکسون ها و کشتی های سف میرسید . جر یان این گزارش رادیو و تلویزون ج.د. آلمان گردید . گروپ های مشهور جون «هارلم بولویز» و «باند که همکار کهنه کار «تومی بنفو



ر داشت تا توا نستند نیک
در روز های اخیر فستیوا ل
ندان سوار بروا گون
آن تزئین یافته بودند همچنان
تزئین یافته در میا ن
نبوه یکی دنبال دیگر راه پیدا
کت بودند .

ار بروا گون هاو اتو مو بیل
خش های عمده فستیوا ل
وتا توانستند سرودند که در

طول راه ده ها هزار نفر آنان را بدر قه کردند . باید متذکرشد که در فستیوال بین‌المللی «در سدن» (۱۳۰) گروپ کوچک از (۱۸۰) کشور جهان به علاوه گروپ های سیز د ه کشو ر ما قبل ا لذ کر ا ز آلمان غرب اضلاع متحده امریکا نیز اشتراك ورزیده بودند اما بهترین آواز خوانان وسرا یندگان از کشور های متر قی بودند که صیقل بودن هنر مردمی شانرا به اثبات رسانیدند .

همبستگی بیشتر بالاوس وویتنام

عنوا ن ((همبستگی))
مو کرا تیك آلما ن یك
نیبانی خودرا از خلق
، ویتنا م وکمپیو چ
ب جدیدا طبع شده به
سید . محتوا ی کتب
تا پا متر قی بوده ودر
لل که‌در بند استثمار
یستند اند ، زیادموثر
ه است . ((هیلدی
یوهٔ کار گر که در عین
وانا نیز میبا شد ،
بود که کتب متذ کره
یم به اسر ع و قت
حارج وز مینه فرو ش
وبازار یابی کتب
ر پو تسدام تدار کدید
پو ل فرو ش کتب
ر کزهمبستگی جمهوری
لمان با مرد ما ن

کمپوچیا ، ویتنا م ولاوس پردا خته میشود . در عرضهٔ کتب آنهم در فرصت زما نی کوتاه ،نقش بیوهٔ کار گر مز بور البته شایا ن تقدیر وقابل یاد آور ی میباشد .



«هیلدی ماسوتیا» درحال عر ضهٔ کتب

ات جدید در بارهٔ شکل زمین

عدهٔ از دانشمندان چنین
وردزمین می ترا شید ند
قطب خود کمی فرورفتگی
سطح آن نسبت به سایر
چقری هاست . لاکن بعد ها
وض شد و چنین بیان‌داشتند
ل یك ناك را دارا ست‌بدین
دریك قسمت خود فر و

بشر بخصوص دانشمندان بیشتر به یك نقطه متمرکز میگردد و آن اینکه این جسم کروی که ما بر بالای آن ز ندگی داریم و خشکه و آب هر دو درآن وجود دارد آیا اگر ابحار از خشکه جدا گردد ز مین چه شکلی را به خود خواهد گرفت؟ بدیهیاً این جسم منجمد سیاره ما قویا به یك خلیج مبدل خواهد گردید . در آنصورت



عده از دانشمندا ن مدعی اند که زمین‌شکل سیب را داراست .

منظم در تشکل زمین سهم گر فته اند . یك نظریه دیگر چنین است که جوف زمین از یك تعداد ارقام و شمار های ثابت مواد متعدد متشکل و پلات های بزرگ قاره را به اطراف خود حمل میکند و همچنان پلات ها ، کره زمین را به اطراف خود می چر خانند یکعده از دانشمندان بدین تازه‌گی هاسخت مصرو ف تحقیق این مو ضوع اند و در صدد شده‌اند تا سوالات و پروبلم های چگو نگی پیدایش اقیانوس آرام را تشریح و توضیح بدارند . از طرف دیگر چون زمین در بسیاری از نقاط مسطح خود در اقیا نوس ها بخصوص بحیره پسفیك فاقد طبقه گرانیت میباشد . معنای این سخن اینست که جوف زمین در قسمت های مختلف‌از مواد

مختلف سا خته شده که مثلا حصه دیگ
فاقد آن مواد میباشد . بهر حال کاوش ه
بشر در زمینه جریان دارد و سفر ه
فضایی ممد خو بی برای حل مسا ی
گنگ وبغرنج واقع شده است . تصاوی
وعکس های بر داشته شده از کره مهتا
نشاندهندهٔ این مطلب است که سطح کر
نیز دارای نابرابر ی هابوده وسطح کرهٔمذ
یکسان و مساوی نیست و پستی ه
فرو رفتگی ها را دارا میباشد . در عطار د
عین چیز تطبیق شده است ، بطور مثال
عطارد یك فرو رفتگی زیاد عمیق . بن
«گالادیز» که دریك سوم حصه نیمه‌دوم شما
سیاره مذکور فرو رفتگی های وافر دی
میشود .

وسایل درمانی از قعر ابحار

این دگر شگفت آور نیست که دانشمندا ن پیوسته در صدد رهیابی بسوی طرق وراه هایی برای دستیا بی به وسا یل‌در مانی جدید میباشند . بدیهیا ابحار اسرار بیشمار ی در خود نهفته دارند . گرچه این حجاب های مرموزپیوسته بوسیلهٔ دانشمندا ن بر داشته شده

موجودا ت بحر ی میباشد . مسئ
درخود توجه اینست که دانشمندا
از همین ماهیا ن بحر ی دارو ها
راکشف ودر اختیار مبتلایا ن‌بعض
از امراض قرار داده‌اند که حتی د
ابحار بعضا بر تراز سا یر وسای
درمانی با ارزش میباشد . ((یل
آشگیخین)) متصدی لابراتوار بر
رسی ارگانیزم موجو دا ت ابح

بقیه صفحه ۲۳

قوی جاودان...

زندگی پاولوا هنر قهر ما نهٔ او
. او وظیفه مشکل پرو پا گـنـد
روس رابدوش گر فته ما نـنـد
صیت هنری فشار ز یادی ر ا
بل شد . در شرایط مسا فر ت
طولانی ا مکا نات برایش تنگتر
ده برای او گروپ درجه‌اول موز-
سن های باتجر به کور گرافهایکه
ا سب به دیکـــــــــو ر
سند وجود نداشتند . تمام‌زندگی
درا و قف هنرش نموده بخـود
زه خوشی های حیاتی‌نداده بعضا
اطراف لندن به کلبهٔ ویت‌پلوش
مرغزار و در یاچه قو ا قا مت
یده همواره با لیرین رو سیـــه

پهناور و زاد گاه دورهٔ طفلی خود
لیگوا را بخاطر می آورد .
وقتیکه بعد از ده ها سال اولین
بار نمایش بالشوی تیاتر در لند ن
برگزار شد بار دیگر جهان محـو
کمال بالت روس شده دین هموطن
بزرگ خودرا مهمانان ا شترا ك
کننده فرا موش نکرده با شتاب‌تمام
در آیوا ها س در برابر سا ختما ن
کوچکی که مانند سابق در مر غـزار
گلهای لاله شگو فان بودند و د ر
دریاچه پرندگان سفید محبوب شنا
می‌کردند صف کشیدند ، آرتیستان
شوروی محو زیبائی پاولوا بودنـد
در حالیکـه هیچگاه اورا روی سن
ندیده بودند اما آوازهٔ هنراوراشنیده
بودند . زیبائی بالیرین بزرگ قـو
در برابر آنها مانند زیبائی ا بدی‌و
فنا ناپذیر نمودار می **گشت** .

بقیه صفحه ۵۹

وسایل درمانی..

حفاظت وکنترول مینما ید . بـا
گ ماهی هاکه خود ازمو جودات
ر ی اند ، میشود زخمها رانداوی
رد .
خاصیت های تعجب آور ی که
گانیزم وجود سگ ما هی ها دارد
رتباطا ت مختلفی که از نگـاه
میاوی و بیو لوژ یکی حین‌تماس
اد مزبور باز خم هابر قرارمیگردد
ونه ایست که به صور ت معجزه
ما ، زخم ها رابر طر ف میدارد.
صوصا و مخصو صا از جگـر
گ ماهی هاییکه از بحیرهٔ سیاه
ست می آید واز نو ع سگ ماهی
ی خالدار میباشد . دارو ها ی
یه گر دیده به محـض **گذ ا شتن**
هم مستحصله به اسر ع و قـت
یض معالجه میگردد . دانشمندان
حر ی زیاد بدین باور ند که بسان
گ ماهی ها هیچ دشمنی مکارتری
زمرهٔ موجودا ت بحر ی وجود
ارد امابخا طر اینکه ازموادموجود
کور ،رو ی منظور ما فو ق‌الذکر
طور دلخواه ومطلو ب استفا ده

مفهوم که از اختلاط زهر مذ کور با
سایر مواد لازمهٔ طبی ترکیب‌جدیدی
که خاصیت تسکین دهی دارد ،به
وجود می آید . در لابراتوارهایکنوع
مواد دیگر که ابتداء توسط (پیپرزیا
تینوف)) همکار اکاد می نو تو لد ها
در بیمارستان های زنانه کشـف
گردیده ، قیمت آن سر سا م آور
میباشد بحدیکه فی کیلو سه ملیون
دالر ارزش دارد . توسط داروسازان
دارو ی دیگر ی از موجو دا ت‌بحیرهٔ
پسفیك بدست آمده که مادهٔمذ کور
بنام (پونیکوز) یاد میگردد و برای
برطر فی فشار خو ن وخستگی‌های
مستدام وتقو یهٔ عضلهٔ قلب وتنظیم
تبادلهٔ مواد کمك سر شارمینماید .
توسط همین دانشمنـــدا ن از
سمار ق ها ی بحر ی انتی‌بیو تیك
هایی نیز کشف گردیده که حـتی
به مراتب برتر از پنسلین ها مـی
باشد و هزار چند قویتر از(نایترو
گلسرین) اثر مینما ید . از نسـج
یکنو ع ماهی دیگر بحر ی که بنام
(ماهی کرا کن) معروفست . دارو
های تهیه گردیده که وجود شخص
به محض در یا فت آن حتی پرهیاهو
ترین سرو صدا هارا به هیچ‌میگیرد

د ۲۳ مخ پاتی

د مجارستان...

بشریت هیڅکله د لیننگـراد
دخلکو قتل عام ، دستا لینگــراد
خونړی جګړه ، د پراګ ور شو ،
بودا پست او بر لین جنګ ځپلــی
کنډوا لی او پد غو کنډ وا لو کـی
دزر ګونو تنو بی ګنا هو انسانانو
پراته جسدونه ، له کنډوالو څخـه
پورته کیدونکی لو ګی اودوینوسوړ
بوی ، پرهیرو شیما او نا ګازا کی
باندی دامریکا یی اټومی لمبونـــو
دمرګ دپیټو غور ځول، نه شـــی
هیرو لی ، دو یمه جهانی جګړه چی
دپانګوا لو دمحافلو دبدو سو لو اوله
حرص نه ډکو تمو په نتیجه کی او
په ځپلو کی دنړی دبیا ویشلو اوپه
خپل تا ټو بی کی دنړی دلومړنـی
سو سیا لیستی دو لت ، شوروی
اتحاد د ځپلو او خپه کو لو په نیت
دبشریت د ډیر غدار د ښمن، یعنی
هیتلری فاشیزم له خوا پیل شوه،
نو ددغی جګړی‌په اورکی دمجارستان
وروړ هیواد هم وسو زید او وکړید.
دفاشیزم پر ضد دمقاومت په لړ کی
چی له اسپانیا نه نیو لی بیا تـــر
ولادی واستو ك پوری پیل شوی ؤ،
دمجارستان و لس په میړانه ودرید
او دفاشیزم دخونړی شونډ ك پـــه
خاوره‌دمو ښلو په عظیم کار زار کی
یی خپل قهرمانانه نقش ولوبا و ه
ترهغو چی دهغه شونډك په خپـل
ټاټو بی بر لین کی په خاورو کـــی
ومو ښودل شو د فاشیزم پر ضـــد
داعتراض په لومړیو لیکو کـــــی
دمجارستان ستر مو سیقی پـــوه
بار توك بلاهم و لاړو . هغه دمجا ـ
رستان دخلا صو ن لپاره په مبارزو
کی ار زښتنا ك سهم در لود . هغه
په کنسر تونو کی، او له هغی‌جملی
نه دستنا تاپرو فانا په پار چه کی
خلك د فاشیزم پر ضد سیاســـی
وحدت عمل ته درو بلل . د بارتوك
مفکوره دنړی په سو یه د فاشیزم

وهلی تل یو داسی شخ
شو چی دنړی دو لسو
ترمنځ یی د ورورۍ ، ی
مینی تبلیغ کاوه او ددغ
تطبیق یی غوښت پخپل
۱۹۳۱ کال کی لیکلی
مو جودو تو پیرونو او
سره سره زه دخلکو تر
غوښتونکی یم او تر هغ
وه ، ما دمو سیقی له لا
هدف ته درسیدو لپاره
کړیدی . ا ودا خبره ب
ده . دادی اوس چی بـ
خپله دهغه دوطن، مجا
دهغه سلمه کالیزه نمانځ
اغیزه ترهر بله وخته لا
زغرده احسا سیږی . ب
په مجارستان پوری اړه
دنړی په ټولو خلکو او
پوری اړه لری او یو نړ
دی . دهغه دمو سیقی
میراث له بودا پست ت
پراګه پوری او له پراګ
وین ا ونیو یارك او لنی
انګاز ه کوی. په نړی ک
انسا مبل نشته چی د
موسیقی آثار دی پکی
مجارستان کی هیڅ یو
نشته چی یو واړ، یو
یو میدان دهغه په نوم
نه وی دمجارستان دغه
او مو سیقی پوه یعنی
چی په ۱۸۸۱ کال کی
په ۱۹٤٥ کال کی یی
ښار کی ستر ګی له د
کړیدی بار توك چی د
کال کی یعنی د ۱۹۸۱
نه یی سلمه کالیزه بی
ددغی کالیزی نمانځنه
ددسا مبر تر ۳۱ می نی
تصمیم در لود چی ورو
خپل هیواد مجارستان
خو دمر ګی تور ، وچ
لاس هغه ته دا مجال و
دبار توك انسانی
نمونوی کار هغه په ج

...مای پر محتوی

...صی در کشور ما از نظر اقتصاد ی
...تهیه‌این همه وسایل را دارنـــدو
...فلم جز در موارد ضروری میتوانند‌این
...ـلات را حل سازد .

...مااميد كامل داريم كه با تا سيس
...ی مکمل ومجهز تولید فلم که بـــه
...ور دوست و برادر ما اتحاد شوروی
...نزدیك اعمار خواهد گردید به‌ابـــز
...لم های پرود کشن هـــــا ی
...مؤسسه افغان فلم خا تـمه دهیم .
...ون کار چند فلم را در دست تهیه
...ور آن چگو نه پیشروی میکند ؟
...شمار فلم های اخباری ، اخبـــار
...ی ودو وسی وسه از فلم هـــای
...ی «جبهه وسیع پدروطـــــن» ،
...شت مارچ روز بین المللی زن ،
...های صنفی» فلم نیمه هنـــر ی
...ستی» زیر کار است و همچنان کار
...ی «اخترمسخره» که محصول مشترك
...وافغان فلم میباشد روبه اکمـــال

...ید توضیح دهید که به صور ت
...به شکل مقایسوی از نظر شما چه
...ی در پرودکشن های سینمایی میان
...سرمایه داری و سو سیا لیستی
...م و محتوی وجود دارد ؟

...اجازه شما برای روشنی موضوع
...فلم های هنری راکه فعلادر جهان
...بطور خلاصه به‌میان میاورم :
...ی از طریقه های فلم سازی همان
...یکی از سوالات شما قبلا جوا ب
...این را هم اضافه کنم که بعضی
...ن ها هنر و تخنیك را از هـــم
... ، بدین ترتیب که فلم برداری
...خارج از استدیو تکمیل نموده و
...یش را جهت پرا سس وچاپ ـ
...تخمین نور نگتیف فلم و غیره
...ی به استد یو فلم های هنری
... .

...سال های اخیر در برخی ازکشور
...شکل‌جدید تولید فلم به‌میان‌آمدکه
...یهٔ تهیه کنند گان آزاد) یـــاد
...ن نوع طرز تولید ،اکثراً فلـــم

مشترك در هر دو کشور تو لید کنند بنا م فلم ملی آن قبول شده میتواند . این نوع‌طرز تو لید بر علاوه اینکه تجربه و تمریـــن خوب برای پرسونل هر دو مملکت میباشد پیشرفت‌روابط کلتوری‌دومملکت‌رانیز توسعه‌می بخشد .درتولیداین‌نوع فلم هاممملکت دوست وهمسایهٔ بزرگ‌ما اتحاد شوروی سوسیا ـ لیستی در قدم اول قرار دارد . زیرا ایـــن مملکت نه تنها با دول سو سیا لیستی بلکـه بابعضی از ممالك کپیتا لیستی نیز فلـــم های مشترك تو لید می نماید مفید یت عمده تو لید فلم های مشترك این است که برای تربیهٔ پرسونل فنی و مسلکی و هنر پیشه ها کمك بزرگ میکند .

٤ـ طرز تو لید در ممالك سو سیالیستی به صورت پلان گذاری مثبت صورت میگیرد ، استدیوها تماماً روی پلان های پیش بینـــی شده و منظم فعالیت می کنند ودر تو لیـــد فلم ها شرایط اقتصادی همه جانبه مـــورد توجهٔ خاص کار کنان فنی قرار دارد . تما م استد یو ها غیر از پلان های عمومی خو د دارای پلان های سالانه ، ماهانه و حتـــی روزانه میبا شند پلان عمومی یك فلم قیمت تخمینی و مدت تهیهٔ آنرا تعیین‌مینماید .

سیستم جدید تو لید فلم که‌در کشور های سو سیا لیستی مروج است تهیهٔ فلـــم را به پنج دورهٔ عمده تقسیم مینماید .

١ـ تهیه و آماده ساختن سناریو .
٢ـ تهیهٔ‌سناریودایرکتر(شوتنگ اسکرب).
٣ـ دورهٔ آمادگی .
٤ـ دورهٔ فلم برداری .
٥ـ دورهٔ منتاژ وثبت آواز .

مسئول تهیهٔ فلم (پرود کشن منیجر) تمام پلان های خود را با همکاری همه جانبهٔ دایرکتر فلم تکمیل می نماید و تمام فشارکار رابالای دورهٔ آمادگی میندازد تا در جریا ن فلم برداری سکتگی و پرابلم در کـــار شان رونما نگردد . پرودکشن منیجر فلم هر قدر در دوره آمادگی مو فقیت‌بدست آورد فلـــم اقتصادی تر میباشد . زیرا اگـــر در دورهٔ آمادگی به طور مثال روز هزار افغانی مصرف مینماید در دورهٔ فلمبر داری روز بیســـت هزار افغانی مصرف خواهد داشت .

به‌دلیل اهمیت فراوانی که دوره آمادگی در کار تولید فلم دارد و قتی این دوره‌تکمیل میگردد دایرکتران مشهور و بز ر گـــــ



صحنه یی ازبخش «طلبگار» فلم روزگاران اولین محصول‌مستقل هنری‌افغان...



بقیه صفحه ٦١

سینمای پرمحتوی ...

تهیهٔ لباس مورد ضرورت .
ختن دیکور های مورد نیاز .
تعیین جاهای فلم برداری خـــارج
.
تخاب بازیگران فلم .
تهیهٔ افکت های مورد نیاز .
رتیب وامضاء قرار داد ها .
تهیهٔ لوازم مربوط دیکور هـــا
نمایشی از موزیم ها وغیره) .
. تهیهٔ وسایل ترانسپورت .
. تهیهٔ لوازم آرایش گریم وغیره .
. مشق و تمرین جدی با هنرمندان .
آماده ساختن شعب مختلف استدیو
سایل مربوط به‌فلم .

اتحادیه هنر مندان وبا الخصو صــ سینما تو گرافی آن از زمان تا سیس عملا در کار رشد و باروری هنرسینما ر ما چه نقشی داشته است ، لطفاً ازاقدامات این اتحادیه رابه صورت ضیح دهید ؟

اتحادیه نو بنیاد هنر مندان که‌هدف س آن باورو ساختن هنر وا قعی و بالا بردن سطح تولید هنری میباشد اه مدت فعالیت خودنخست ساز ما ن لیه را که گردهم آیی هنر منـدا ن میدارد ایجاد کرده پلان کار شان را آورده و زمینه بسیج سینما گـــران فراهم آورده است ، همچنـــا ن دیه تلاش دارد تا تو جه دو لت‌مردمی عمار استودیوی بزرگ فلم سا زی‌که کشور دوست اتحاد شوروی تحقق بذول دارد ، همچنان برای بالا روی علومات ، آگاهی ودانش و تجـارب ضاء ، کورس هـا ، سیمینار ها و های فراوان دایر کرده و باز هم اکنون این اتحادیه دارای یـــك برو مند نیز میباشد که زمینه ملاقات ادل نظر و دایر شدن کنفرانس ها و آیی ها در آن امکان پذیر شده است. تو جه به ضوابط ، معیار ها و کار ی ایکه اکنون در کشور و جـــود سینمای آینده ما را چگونه

اساس ضوابط و معیار های سنجیده شده دولت انقلابی ما به پیش میرود ، هنـــر سینما تو گرافی نیز باتاسیس اتحادیه هنر ـ مندان راه خود رابه سوی شگو فا یی خواهد گشود و چه از نظر سطح تولید و چه ازنظر معنوی خود ارزش کار آن بلند خوا هـد رفت اعمار استدیـوی جدید که در آینـده نزدیك کارآن به آغاز گر فته میشود بدو ن شك همه نیاز مندی های ما را رفع میکند وما را توانایی میدهد تا کار های بیشتر وبهتر سینمایی رابرای مردم خود ارائه بداریـــم تا آنجا که سینما بهترین هنر ماست ، واقعا در خدمت مردم قرار داشته باشد .

بقیه صفحه ١٨

سربازی وجان بازی ..

اما نا گهان فیر چند مرمی که پی هـــم شلیك گردید ، در دشت طنین اندا خـت، صدای ناله یی شنیده شد ،یك لحظه کو تاه مثل آنکه هیچ حادثه یی به وقوع نپیوسته باشد دو باره آرامش بر قرار گردید و باز رگباری از گلو له به سوی ما سرا زیـــر گردید ، فورا به حال دفاع در آمد یـــم ، صدای فیر حتی یك ثانیه هم قطع نمیشد و ما میکو شیدیم بی آنکه خو نسردی خود را ببازیم آنها را سر کوب کنیم سا عتهـــا جنگ طو ل کشید ، آنها اسلحه هـــا ی مدرن در اختیار داشتند ، راکت هـــا ی ۳۰۳ بور داشتند و تعداد شان نیز بسیارزیاد بود در حالیکه ما فقط بیست نفر بودیـــم که دستگاه های هوا شناسی را حفا ظـــت میکردیم ، با آنهم خو شبختانه مو فق شدیم آنان را تار و مار سازیم ، در جریـــا ن همین حادثه بود که خـــودم زخـم برداشتم و برادرم نیز که‌با من یکجا خدمت مقد س عسکری اش را سپری میکرد در آغو شـــم جان داد و شهید شد ....

آنچه خوا ندید بخشی از گفته هـــای

مسلمانی میز نند خود قتل نفس می کنند و این میرساند که آنهاجزدروغپردازانی ریا وزر نمیباشند ودر گفته های خود هیچ مایه ورگه‌ یی از صداقت ندارند .

* * *

محر م خارندوی جانباز جوانی است که به تو نه داو طلب در صف سر بازا ن جا ن بر کف قرار گر فته و با عمال ضد انقلاب فراوان جنگیده و تعداد فراوان از آنـــان راسر کو ب سا خته است این جـــوا ن وطن پرست، جریان زخمی شدن خـــود را اینگونه شرح میدهد که یکی ازولسوالی های مربوط ننگر هار در محا صره ضـــد انقلابیون قرار داشته و او به همراهی هشتاد نفر دیگر مجهز به وسایل نظامی موظف شده است تا آنان را تار و مار سازد ، به محل مورد نظر میرو ند و با آنکه تعداد اشـــرار بسیار زیاد بوده و خلاف انتظار شان بـــا انواع اسلحه مدرن نیز مجهز بـــوده‌اند بعداز چند ساعت جنگیدن همه یا کشته میشوند و یا فرار را بر قرار تر جیح مید هند درحالیکه تعداد زیـــادی اسلحـــه نیـــز از خود باقـــی گذاشته اند .

بقیه صفحه ۳۹

اگرمردنتواند...

پسران برای بـــدام انداختن دختران وودار ـ گردن آنها به ازدواج به صدها حیله ونیرنگ متوسل میگردند. نه‌گفتیدکه این حیله و نیرنگ هاچه نوع میباشند .

شما فکر بدی نکنیدمنظورم ازحیله‌ونیرنگ اینست که این عده جوانان می خواهند برای اینکه دل دختر مورد نظر خودرا هر چه زودتر بدست آورند کار های میکند که برای دختر یقین حاصل میشود که واقعا او را دوست دارد . وشاید هم در اول دوست داشته‌باشد ولی بعضا دیده شده که این دوستی و عشق آرام آرام فروکش میکند .

از پسر نظر خواستم وگفت : من منکر این حقیقت نیستم‌که بدون یك عشق نمیتوان به خوشبختی ر سید اما نامزدم راکه عدهٔ از جوانان باجـ

دختر مورد نظر وعلاقه خویش را آورند رد میکنم وبرای رد این نیز دارم : این یك واقعیت است در ابتدا می خواهد دختر مورد نظ

به او نیز علاقه ونظر داشته باشـ علاقمندی طرفین‌است‌که بالاخره منـ

بین دختر وپسر میشود . ولی بعضـ چند ماهـــی که از ازدواج وتشکـ خانواده سپری گشته رویه زن بی اعتنایی وعدم پابندی به‌زندگـ

جانشین عقلامندی و خوشبختی میگردد. وقتی مردنتواند درزندگی احساس خوشی وسعادت نماید، خسته شده واین خوشی رادر سراغ می نماید میدانیدکه بسیـ

چرا از خانه وخانواده اش گریزا برای اینکه در خانه اش در میان احساس آرامش نمیکندوعلت آن زن رویه لازم را در مقابل شوهر وقتی مرد یا بهتر بگویم شوهر

رادر میان خانواده اش بیابد ، جای دیگر جستجو میکند . پسر دوری جوانان از ازدواج ترس از زیرا بسیار دیده شده که در روی یك علاقمندی واقعی صورت ولی بعد هانظربه بی علاقگی یکـ زندگی خوش خانوادگی که در دلچسپ آغاز شده بود پایان نـ داشته است .

این مسایل باعث میشود که ازازدواج فرار کنند وکمتر به گیرند .

خوب، این گفته شما بجا که شوهر نتواند خوشبختی رادر خـ بیابد، شاید این امر سبب شو

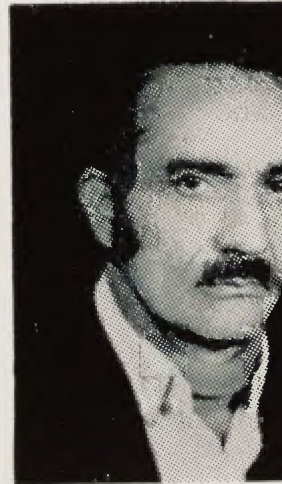
...قیه صفحه ۱۱

...ولت انقلابی ما بکار و فعالیت...

...عمال دو لت انقلابی خویش بیش
...بریم و در صف مدا فعین راستین
...بریم و نگذاریم دشمنان سو گند
... وانقلاب ما در راه تحقق آر مـان
... دو لت و رشد و تکا مل ا نقلاب
...ور سنگ اندازی نمایند و مـانـع
...مزید ما گردند .

...ی « حیدر زاده » معاون فنی شعبه
... کارگری ا ست که از سال ۱۳۲٤
...ور بکار آ غاز نموده یکی ازفارغ-
...سال ۱۳۲۳ مکتب میخا نیکی کابل

... دو رانساز که ۳٦ سال تجربهٔ
...بلی آهسته حـرف می زند امـا
... به تحولات اخیریکه بعد ازپیروزی
...وهمند ثور در زندگی وی ببـار
...یگوید :



...ی معاون شعبه طبع حروفی
...سال تجربه کار دارد .

...لاب مـردمی مـردم افغـانستان
...ات ما کم و ماکو لات ما کمتـــر
... موران دو لت بود بلکه دستمزد
...ستثمار بیر حمانه قرارمیگر فت
... ساعات کار گران ز یاد بود
... هر چند برای اجرای پـــول
... خود به مقامات مربوط عرایضی
...تیم نتیجهٔ مثبتی از آن حا صل
... امروز و ضع به شکل قا بـــل
...ه نفع ما کار گران تغییر کرده
... انقلابی ما در پهلوی آ نکـــه

شکوهمند ثور در برابر کارگران چطور است باجبین گشاده جواب د هد :

« میگویند کارگر تشنهٔ محبت است » امروز در میان ، کار گران و آ مرین مربوط صمیمیت روز افزونی و جود دارد و همه کارها در یک فضای کا ملا آ زاد و دو ستانه انجام میپذیرد.

وی میگوید : در گذشته ها آمرین وکار- فرمایان می کو شیدند تا همه کار ها را مطابق به ذوق خود واز طریق اعمـــال زور و فشار برکارگران انجام د هند ، میان کارگر وکار – فرما یک فضای د شمنا نه وعدم تفا هم وجود داشت ، کار فر مایان از اعتماد کار گر ها برخوردار نبودند و همین امر باعـث آن می – گردید تا کار ها بطور لازم پیش نر وند و در همهٔ امور مربوط به کار و کارگر نا بسامانی بمیان آ ید . و لی باپیروزی ا نقلاب شکوهمند

ثور و بخصوص مر حلهٔ نوین و تکا ملی ان این همه دورنگی ها بکلی از دستگاه هـــای کارگری کشور رخت بربسته است وامروزهمه ماموران، آمرین وکارگران کشوردریک فضای دوستانه ورفیقانه کارهای خویش رابه پیش میبرند.

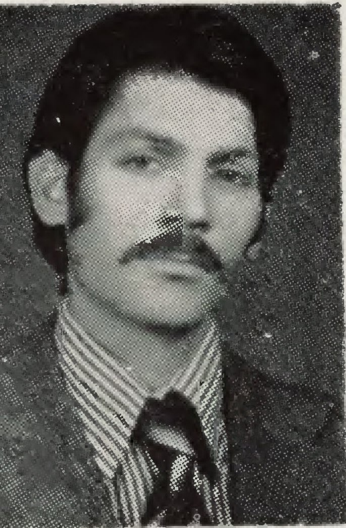
ازوی می خواهم تابگوید که قبل پیروزی انقلاب شکو همند ثور در کشور نیز از روز همبستگی بین المللی کار گران جهان تجلیل بعمل می آمد و یاخیر ، اگر می آمد به چه نحوه یی بود ؟

میگوید : قبل از رستا خیزعظیم زحمتکشان افغانستان و پیروزی ا نقلاب رژیم های مستبد گذشته بر مفهوم کار و کار گر چندان اهمیتی قایل نبودند و از این روز تاریخی به شکل ومفهوم واقعی آن تجلیل بعمـــل نمی آورند ، طوریکه از نام آ ن پیداست این روزهمبستگی کارگران و ز حمتکشان است و می با یست توسط خود کارگران تجلیل می شد ودولت دراین روز مسعود کارگران شایسته و ممتازرا بااعطای جوایز و تقدیر نا مه ها تشو یـق می نمود و لی و ضع بدین سان نبود چنـــد آمر و مامور در این روز دور هم جمع می – شدند و با تدویر محافل تشریفاتی و عـوام فریبانه به اصطلاح از روز کارگر در حا لیکه بخود کارگر ها اجازه بیان و گفتار داده نمی- شد تجلیل بعمل می آورند ، و لی ا مروز از

محمد یعقوب «میرزاده» یکی از کار گران شعبه طبع حرو فی که در کار خود هشت سال سابقه دارد و اکنون بحیث کار گر د رجه ٤ ایفای وظیفه نموده بادرنظرداشت افزودی اخیر مبلغ دو هزارو شش صد افغانی معاش اخذ می دارد بپاسخ سوالی چنین می گوید :

ماکارگران کشور در سابق یعنی پیش ا ز پیروزی ا نقلاب از نا حیهٔ کوپون بسیارمشکلات داشتیم یعنی باوجودآنکه اکثریت مافامیل دارهم بودیم و زن و فرزند داشتیم برای ما ما نند ماموران متاهل کوپون هشت سیره داده نمی- شد این عمل دو لت های فاسد گذشته گویای این واقعیت بود که آن ها می کوشیدند کارگران کشور آ رام نباشد و همیشه در جار وجنجال بی نانی و بی لباسی غرق باشند و لی بعداز پیروزی انقلاب ز حمتکشان ا فغا نستان دولت بسیاری از نابرابری های ناشی ازافکارواعمال ظالمانه دو لت های مستبد گذشته را از میان برداشت و بدین سلسله برای کار گـــران متا هل مانند ما مو ران دو لت کوپون هشت سیره تو زیع گردید که این عمل د و لـ ت انقلابی ما همیشه مورد تـــقدیر و تحسیـــن کارگران کشور قرار دارد و از آن به نیکویی یاد آور می شوند .

وی بر خورد و ر ویه آ مرین خوی... بعد ازپیروزی انقـلاب ثـور بسیار صمی... دو ستانه می داند ومی گوید ا مروز آ... وما مور و کارگر همه در یك فضای دو... وبرادرانه کار می کنیم و کشور خود می سازیم .



محمد یعقوب «میرزاده»

د۱۳ مخ پاتې

دهمزنګ . .

دشریف له بند څخه دوه کاله وروسته په ۱۳۵۷ کال کې کله چې دکوټې مخته په جرت کې ډوب ناست وواو په دې خیال کې غرق ووچې ګواکې خپل دوه کلنی زوی یې په غیږکې نیولی دی اودخپلې خوانیمرګې ماندینې پر قبر باندې ډېرې سوې چې نابېره په محبس کې چوك چوکه سوه ، بندیان له خپلو کوټو څخه راووتل ، یوې اوبلې خواته یې په خوشحالی سره څغستل او دمبارك ! مبارك ! ناری یې وهلې .

شریف لادخپل یوازنی زوی په تصورکې ورك وواو هغه ته یې دخیال په دنیاکې پسرکې مینه او نازونه ورکول چې په دغه وخت کې رحیم

بقیه صفحه ۲٦

با اتحادیه...

لوتس به زبان های انگلیس... فرانسه ،وعربی در آلمان دموکر... به نشر میرسد ودفتر آن در لب... است.

مدیر مسئوول این مجله فیض ا... هـاس مکر جی هو یسن بیـــز... فیض ومعاو نین آن دیو پ ، ... اناتولی سوف ر و نو ف میباش... مجله لوتس به بهترین نو یسند... گان عضو اتحادیه هرسال یکبـ... به پاس قدر دا نی از آنها برا... خاطر حفظ صلح و بار در ساز... ادبیات وفرهنگ آسیا وافریقاج... می گذا رد این جایزه با ار زشـ... بنام (جایزه لو تس) یاد می ش...

پایان

مدیر مسوول: راحله راسخ خ...
معاون : محمد ز مـان نیکـرا...

